

ژوندون

A-P

77-938031

شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸
۹ فبروری ۱۹۸۰
دین لودین کتون
کتاب پو لېسې شمېره

LIBRARY OF CONGRESS
6
MAR 17 1980
COPY

15521/0271yoo
اطلاعاتی مرکز (د کابل پوښت)

په لچرخۍ
یاده شت نا کترین
شکنجه گاه قرن
(صفحه ۶)



جمناسټیک مدرن و یا آنچ
را که المپیک فاقد آنست
(صفحه ۳۰)

رمز سخنگویی حیوانات
(صفحه ۲۶)



ارتقايد

ځي!

شماره - ۴۷

سال - ۳۱

قیمت یکشماره (۱۳) افغانی

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
میدهد بیامی از جانب ببرك كارمل منشی عمومی
كمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری
دموکراتیک افغانستان عنوانی رهبر جلیل القدر
ملت برادرمان ایران حضرت آیت الله امام
خمینی به تمنای اعاده صحت جناب شان به
تهران مخابره گردیده است .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
میدهد ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغا-
نستان ساعت ۱۰ قبل از ظهر ۱۴ دلو جلالتماپ
جسکاران سنگه تيجا سفیر کبیر جمهوری هند
راجهت ملاقات تعارفی در مقر شورای انقلابی
پذیرفتند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
میدهد اسد الله سروری معاون شورای انقلابی
ومعاون صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان
ساعت یازده و پنجاه و پنج دقیقه قبل از ظهر
۱۷ دلو باجلالتماپ جسکاران سنگه تيجا سفیر-
کبیر جمهوریت هند در کابل درمقر صدارت
ملاقات تعارفی نمود .

طی این ملاقات روی موضوعات مورد علاقه
بحث ومذاکره صورت گرفت .
انجنیر نظر محمد وزیر فواید عامه ظهر ۱۳
دلو بایک تعداد از آمرین پروژه هاودوایر
مرکزی ریاست آبرسانی وکانالیزاسیون وریاست
کوبراتیف تهیه مسکن وزارت فواید عامه
در دفتر کارش ملاقات ودر اطراف پروگرام های
آنوزارت در سکتور آبرسانی و تهیه مسکن
مذاکره کرد .

قرار داد پنجاه وسه پایه ماشین آلات طباعتی
کوک بالاغوش اتحادجه هیر شوروی سوسیالیستی
به جمهوری دموکراتیک افغانستان بهداز ظهر
۱۶ دلو در وزارت اطلاعات وکلنور امضا گردید .
قرار داد راز طرف جمهوری دموکراتیک

افغانستان در حالیکه عبدالعجید سر بلند وزیر
اطلاعات وکلنور نیز حاضر بود محمد عوض نبی-
زاده کارگر رئیس عمومی مطابع دولتی وازجانب
اتحاد شوروی یوری سر گویچ سلویوا نوف
نماینده اتحادیه تجمعات اکسپورت آن کشور در
کابل امضاء نموده و اسناد مربوطه را تبادل
کردند .

جمهوریت مردم هنگری چارده پایه ماشین
اکسپریز به صورت بالاغوش به افغانستان کوه
نموده است .
اسناد مربوط باین مساعدت را جلالتماپ
دیزوگیش سفیر کبیر جمهوریت مردم هنگری
در کابل بهداز ظهر ۱۷ دلو به پوهاند دکتور
محمد ابراهیم عظیم وزیر صحت عامه در دفتر
کارش تفویض نمود که باابراز تشکر قبول
شد .

محمد خان جلالی وزیر تجارت که در دواس
هیاتی برای انجام مذاکرات تجاری به روسیه
ده دلو به اتحاد شوروی بود ظهر
۱۷ دلو به کابل باز گشت .

کتاب پرلپی شمیر
بود عالی اصلاحات ارضی بناسی از بیانیه
مورخ دهه ۱۳۵۸ ببرك كارمل منشی عمومی کمیته

مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو تحت
ریاست رئیس توزیع واسکان ومعیّن سرپرست
اداره اصلاحات ارضی تشکیل جلسه داد .

اقتصاد و قایم مقامه

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر
میدهد شاه محمد دوست وزیر امور خارجه،
جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت سه بعد
ازظهر ۱۷ دلو جلالتماپ شلندرا کمار سنگه
نماینده خاص حکومت جمهوری هند وادینشل
سکرتی دروزارت امور خارجه جمهوری هندرا
در حالیکه جلالتماپ جسکاران سنگه تيجا سفیر
کبیر جمهوری هند در کابل نیز حاضر بود
دروازات امور خارجه ملاقات تعارفی نمود، طی
این ملاقات پیرامون موضوعات مورد علاقه دو
جانب واوضاع منطقه تبادل افکار بعمل آمد .

دگرمن محمد رفیع وزیر دفاع ملی ساعت
ده قبل از ظهر ۱۷ دلو در دفتر کارش باجلالتماپ
ادوارد ارجی سفیر کبیر جمهوریت مردم بولند
در گابل ملاقات نمود .

طی این ملاقات پیرامون موضوعات مورد علاقه
بحث ومذاکره بعمل آمد .

پوهتمل گلداد وزیر تحصیلات عالی ومسلکی
ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو در دفتر کارش
باجلالتماپ راول گارسیه پلاز سفیر کبیر
جمهوریت کوبا در کابل ملاقات تعارفی نمود .

انجنیر محمد اسماعیل دانش وزیر معادن
وصنایع بهداز اشتراک در جلسه عمومی انگشاف
صنایع که از طرف ملل متحد در دهلی جدید
دایر شده بود قبل از ظهر ۱۶ دلو به کابل
باز گشت .
در میدان هوایی بین المللی کابل معینان
وزارت معادن وصنایع ونماینده ریاست تشریفات
وزارت امور خارجه نیز وی استقبال کردند .

سید محمد کلاب زوی وزیر امور داخله بهداز
ظهر ۱۷ دلو در ریاست طرح وساختمان بناروالی
کابل از ماستر پلان ۲۵ ساله شهر کابل
دیدن نمود .

یک هیات جمهوریت دموکراتیک آلمان بریاست
هاینس زکسی معین وزارت تجارت خارجی آن
کشور قبل از ظهر ۱۷ دلو وارد کابل
گردید .

قرار است هیات در مدت اقامتش در افغا-
نستان با مقامات افغانی پیرامون همکاری های
اقتصادی بین جمهوری دموکراتیک افغانستان
و جمهوریت دموکراتیک آلمان مذاکراتی انجام
داده ودر زمینه دوافتنامه با مضایرساند .

نماینده اتحاد شوروی روز ۱۶ دلو در جلسه
کمیته خلق سلاح در ونیو گفت اتحاد شوروی
جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی را عامل عمده
رسیدن به خلق سلاح و مشکلاتی که بشریت
به آن مواجه است تلقی نمی نماید او گفت هیچ
چیز اتحاد شوروی را از موقف ثابت اود مقابل
دینانث مانع شده نمیتواند .

شورای صلح جهانی وسازمان های ملی
بیش از یکصدوسی کشور وابسته به آن نگرانی
عمیق شانرا نسبت به وخامت اوضاع بین المللی
ابراز داشته اند .
این مطلب را، رامش چندرا رئیس شورای
صلح جهانی روز ۱۶ دلو طی کنفرانس مطبوعاتی
در دهلی جدید اظهار کرد .

حکومت امریکا به تیره ساختن اوضاع واز دیاد
موجودیت نظامی خود در حوزة خلیج ادامه میدهد .
هارولد براون وزیر دفاع امریکا در مصاحبه
بامجله یورنیکس نیوز اندورلد رپورت گفته است
آن کشور یونت های نظامی را بوجود آورده
است که به زود ترین فرصت آماده خدمت
شده ودر هر منطقه مطلوب از طریق هوا بتمام
وسایل و تجهیزات انتقال داده شده می توانند .

کمیسیون اجرایی اتحادیه یک صد وچهل ویک
کمیته ملی المپیک متفقا علیه تقاضای جیمی
کارتز رئیس جمهور امریکامبنی بر تحریم بازیهای
المپیک درمسکو رای داده است .
اتحادیه از کمیته بین المللی المپیک خواسته
تا از هر گونه اعمال نفوذ خارجی در نهضت
المپیک جلوگیری نماید .

بودیس پانا هاریوف منشی کمیته مرکزی
حزب کمونسیت اتحاد شوروی اظهار داشته که آن
کشور در افغانستان هیچ نوع تمایل غرض
آلود ندارد پاکستان وایران را تهدید نمی کند
نمیخواهد طوریکه امریابالست ها ادعای کنند
برخلیج فارس دست یابد .

رشید الدین خان عضو پارلمان هند وپرویسر
پوهنتون جواهر لال نهرو در دهلی جدید گفته
است .

دخالت ایالات متحده امریکا درامور
افغانستان جز ستراتیژی امریکا برای تسلط
بر جهان می باشد .
وی طی مصاحبه ای بامجله پانوراما تأیید کرد
که مداخله امریکا در افغانستان به اشتراک چین
وپاکستان علت اصلی افزایش تشنج در بحیره
عرب می باشد .

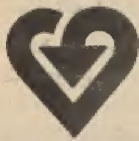
کونیند بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب کمونسیت و صدر هیات رئیسه شورای عالی
اتحاد شوروی ۱۵ دلو در مسکو گفت در حال
حاضر مردم جهان یک داعیه مشترک دارند وآن
غلبه بر اشتیجاتی است که یکبار دیگر روابط
بین المللی را تحت الشعاع قرار داده است .

رئیس حزب پیشرو دتمارک هیاوممی راکه
به بهانه تحولات افغانستان براه افتاده است
حیله بی برای تخریب دست آورد های تشنج
زدایی بمقصد احیای قضای جنگ سرد دانسته
است .

وی ضمن مصاحبه بانماینده تلویزیون شوروی
یاد آور شد که غرب حتی قبل از این حوادث گناره
گیری خودرا از سیاست دینانث آغاز نموده واین
همه ثابت می سازد که هدف از جنجال کنونی
تنها پرده انداختن بر منشی تجاوز کارانه
امپریالیزم می باشد .

وی این ادعا هارا که تحولات افغانستان کوبا
صلح را تهدید می نماید مسخره خواند .

سفر بریژنسکی مشاور امنیت ملی کارتز
به پاکستان و گفتگو های او با مقامات اسلام
آباد یکبار دیگر به اثبات رسانید که ایالات
متحده امریکا می خواهد پاکستان را به عامل
اجرای نقشه های تجاوز گرانه خود در منطقه
تبدیل کند .



سیاست همزیستی مسالمت آمیز

• • •

درباره سودمندی هنر

• • •

خواه تاسی جو روی اوتاسی نری

• • •

پرورش گاه مار

• • •

دوهمایی برای کسانی که میخواهند

شوهر بگیرند

• • •

خاطراتی از زندن بلجری

• • •

اسرار جهیل تلایی

• • •

په پرمختیایی هیوادو نوکی دفعطی سره

مبارزه

• • •

اوبدینیا آمد تاهتر رقص رابه اوج آندساند

تائیرات نوعیت بازیچه عا بالای انکشاف

روحی اطفال

• • •

شرح وی جلد :

افر یقایی وطنپرست «بچرم»

سیاهی رنگ پو ستش دریکی

از زندانیهای مرگبار زنژاد پر

ستان افریقای جنوبی

• • •

عکس پستی آخر :

آهوی زیبای مارکو پولو رابا

میرگنان در پامیر نشان میدهد

که توسط محترم خرمی از ریاست

مر زندگی تهیه گردیده است

شرح تابلوی متن :

یکی از زنان قهرمان افغانستان را نشان میدهد

صفحه ۳۴

«اکنون عمده ترین مطلب که در برابر خلق کشور قرار گرفته دفاع از انقلاب در برابر ضدانقلاب داخلی و مداخله گران امپریالیستی است و حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پیشاپیش این مبارزه قهرمانانه و شجاع و دلیر قرار دارد»

«برک کارمل»

شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸ ، ۹ فروردی ۱۹۸۰

امپریالیزم امریکانقشه های شومش را در پرده انسان دوستی می پوشاند

چرا انتقام کشا رها و قتل عامهای ویتنامی های بیگناه را از خود امپریالیزم امریکا نمی جویند ؟

و چرا از جنایات امین فاشیست و دارو دسته جنایتکار آن حتی نامی نمی برند ؟

پس واضح است که نزد امپریالیزم امریکا که خود در راس همه جنایات قرار دارد و مسوول عام و تام آنست موضوع دفاع از حق و عدالت مطرح نیست و تنها مطلب «دفع کردن تور است تا ثان شائرا در آن بیزند» مهم نیست که بجای هیزم در آن انسان بسوزد یا هست بود منطقه !

ماچانکه بارها اعلام نموده ایم که خواهان همایی نیک و صلح و ثبات منطقه هستیم و همانگونه که عدم مداخله را در امور دیگران محترم می شماریم به هیچ کس اجازه نخواهیم داد تا در امور داخلی ما مداخله نماید .

خلق افغانستان امپریالیزم انگلیس را بحیث دشمن دیرین خویش می شناسد و از زدو بند های امپریالیزم امریکا با امین خوئریز و باند فاسد وی بخوبی آگاه شده اند و حاضر نیستند تا آزموده بیازمایند .

پس برخلاف منطقه خصوصا بر خلق پاکستان است که «پلنگان را در لباس ملنگان» با خصلت درنده خوئی آنها بخوبی بشناسند و اجازه ندهند تا اجرا کنند گسان نقشه های شوم امپریالیزم ، خاک شان را به پایگاه نظامی جنایتکاران و محل تسلای جنگ طلبان مبدل سازند زیرا عواقب آن آتشزا خواهد بود و مصیبت بار !

کرده و میدانند که پشت این دانه ها چه دامهای وحشتناکی گسترده اند و از خلقهای منطقه بخصوص خلقهای پاکستان و افغانستان چه میخواهند ؟

آیا بازدید های مفرضانه معاون وزیر دفاع امریکا، مشاور امنیت ملی آقای کارتر، وزیر خارجه انگلستان و وزیر خارجه چین از پاکستان و کمک چار صد میلیون دلاری امریکا جهت مسلح ساختن پاکستان برای چه منظوری صورت گرفته است بجز از تهیه و تدارک نقشه های جنگی ، تجاوز بر خاک افغانستان و به آتش کشیدن منطقه و آیا آنهایکه از کمپ های تخریب کساران و تروریستان دیدن می نمایند و به ملیونها دلار در تجهیز و تربیه آنها به مصرف میرسانند حاتم تلایی های عصر خویش اند و یا اغراضی شوم و مرگباری هم در قبال دارند ؟

اگر این عالیشانان داد از انسان دوستی میزنند پس چرا امپریالیزم امریکا و صهیولستان اسرائیل را که سرزمین چارمیلیون فلسطینی را غصب نموده اند و به کشتار های دسته جمعی آنها مبادرت ورزیدند و ادار به تخلیه نمی سازند و به داد حقوق حقه مردم فلسطین گوش نمیدهند ؟

چرا پنجابهای جنایتکاران و نژاد پرستان افریقای جنوبی را از گلولی و گلولی و گلولی افریقای دور نمی سازند ؟

چرا خونهای آلوده و هزاران انسان بیگناه چیلی را از رژیم جنایتبار پتوچیت نمی خواهند ؟

یک دید سطحی و گذرا بر ماهیت امپریالیزم این واقعیت را با ثبات میرساند که امپریالیزم در نهادش بجز از چپاول و تاراج هستی خلقهای سراسر جهان به هیچ چیزی دیگری نماند بفرستد و نه تنها خود در صدد آن بوده است، که ثروت های مادی و معنوی مستضعفین جهان را غارت نماید بلکه با تلاشهای مذبوحانه و سرسام آور در پی آنست تا از غاصبان ، چپاولگران و همه دشمنان بشریت فرهر جاکه باشند پشتیبانی نموده و نهضت های مترقی را خفه نماید، زیرا این سیستم جهانخوار را اساس بر آنست تهاستی خود را در نهیستی دیگران بجوید و برای برآورده شدن این منظور غیر انسانی و ضد بشری اش از هیچ وسیله ممکن دریغ نرورزد و لو بر ریختن خون هزاران انسان بی دفاع و بیگناه هم تمام شود .

اما نقطه قابل توجه در اینجاست که امپریالیزم جنایتکار امریکا که در جهان کنونی سردمدار این سیستم غارتگر است و به ماهیت سیستم چپاولگرش سوگند خورده تا از دشمنان انسانیت حمایت و پشتیبانی نماید، اکنون بشر دوست و نوع پرور شده است و در غصه با اصطلاح «مهاجرین افغانی» خویشی نمی برد ! و روی همین منظور در دست گذاری محافل ارتجاعی پاکستان و نظامیان ملیتاریستی آن، که بطرف همه مترجمین و امپریالیستان بین المللی فراز گردیده تحت نام با اصطلاح کمک به «پناه گزینان افغانی» به صد ها میلیون دلار میگذارد .

باید اظهار داشت که همه خلقهای جهان و عناصر مترقی منشاء این زهد ریاکارانه امپریالیزم امریکا و متحدینش را بخوبی درک

جهان را بنگریم. با دیده بی ژرف
واو بژ کتیف رو یداد های آنرا
در طول تاریخ و رسی کنیم.
خاطرات مردم را در طول تاریخ
ارزیا بی نماییم. بسیار دور نمی
رویم این نگرش خود را به
بررسی واقعات جنگ جهانی دوم
بعد از آن محدود می سازیم.

علت انشائی همه جنگ ها واز
جمله جنگ بین المللی دوم همان
تضاد منافع مردم و دشمنان مردم
و تضاد منافع این منافع می باشد که
بحکم تاریخ نتیجه ای از این تضاد
بنفع مردم و بضرر دشمنان مردم می
انجامد.

پس از آنکه امپریالیزم فرزندنا
خلف و خود سری (فاشیسم) رابه
جهان نیان تحویل داد و به آن مامور

تا ریخ شما هداست که :

این جنگ تجا و ز کارانه امپری-
یالیستی تمام شد سیستم یکشوری
ممالک صلح جو مترقی به سیستم
جهانی تبدیل شد. نهضت های
آزادبخش ملی اوج گرفت، طو-
مازاستعمار کهنه امپریالیستی
واستعماری در همه پیچیدوندای
آزادی خواهانها نه از کران تا به کران
گیتی اوج گرفت و پیچید.

چون درین جنگ و در اثر نتایج
آن ضرر به گیچکننده ای به امپری-
یالیزم وارد آمده بود، برای اینکه
خود را از تلاشی کلی ونا بودی
نجات دهد به تکیا بر افتاد واین تکیا
جز بکار بردن حیل ها و نیرنگ
ها و چال بازی ها چیز دیگری نبود.
درین نیرنگ امپریالیزم امریکا
مامور فعالیت در اروپا و افریقا گردید
وامپریالیزم کهنه کار انگلیس

امپریالیزم عمده ترین و مغرض ترین دشمن بشریت و از جمله اسلام است

مامور فعالیت های استعماری در
آسیا و افریقا گردیدند.

امپریالیزم انگلیسی یعنی ایسن
گرگ انسان در لباس چوپان
شتافت و او لین تخم نفاق و استعمار
را در متصرفات خود و در قدم اول
در بین خلق کبیر نیم قاره (هندو-
ستان یا بهارت) پاشید. امپریالیزم
محیل انگلیس بعد از آنکه در
زیر فشار مبارزات خلق کبیر نیم
قاره بزانو در آمده ووا دار به
شکست شده بود نخواست که
بدون زهر پا شوی بگردد که مردم
آن سر زمین مصروف حیات و تعمیر
کشور بلا کشیده ای خود شو ند
ولی این عمل امپریالیزم دور از
انتظار نبود زیرا خاصیت طبیعت و

ریت قلع و قمع و؟ او لین کشور
صلح خواه و پشتیبان نهضت های
رها بی بخش و آزادی خواهانه
را داد. زمامداران آنوقت ممالک
امپریالیستی از یک واقعیت
دیگرا آگاه بودند و آن اینکه رهایی
لجام این وحشی هیچکسی حتی هم
مسلمانان را نیز آرام نخواهد گذاشت
و درین موضوع خود تضاد میان
ممالک امپریالیستی محروک واقعی
می باشد.

نتیجه وحشت و جنگ افروزی
فاشیسم ونا لیزم بر خلاف پیش
بینی چرچل ها و روزولت ها چیزی
دیگری از آب بدر آمده. بعد از آنکه

نقشه بی این برای انسان می
طور است.

امپریالیزم انگلیسی برای پیاده
کردن نقشه های استعماری خود از
احساسات پاک دینی مردم نیم
قاره سو استفاده کردند و این
سر زمین واحد را بنام هندو
و مسلمان دو پارچه نمود و آنهم
طوری که زمینه بی بهم اندازی ها و
ایجاد نفاق سهل و آسان باشد. آیا
ملت های هندو پاکستان فراموش
خواهند کرد که امپریالیزم به
مثابه عمده ترین دشمن بشریت
تخم نفاق و جنگ را بین شان کشت
نمود و در اثر همین عوامل وطنی
چندین جنگ خانمانسوز صدها
انسان بیگناه از د و طرف کشته
شدند و ملیونها دلاور پول به سر
دو طرف خسار وارد شد. همچنان
استعمار انگلیس در طی یکتیم
صد سال حکمرانی را بر این
استعمار گرانده ای خود چون زانو
خون خلق های هندو، مسلمان و
دیگر ملیت ها و اقوام نیم قاره را میکشد
و صنایع محلی و روستایی آنها را
در هم شکست.

در شرق میانه نیز این امر پریالیزم
بود که اولاً کشورهای این
منطقه را تحت سطیره استعماری
خویش در آورد و طی چندین دهه
ممالک عربی مانند مصر، عراق،
اردن و غیره را در اشغال استثمار-
گران خود داشت و بعد از آنکه این
خلقها بر ضد استعمار شوریدند
و زنجیر استارت مستقیم آنرا
گسستند و بدور انداختند، امپری-
یالیزم محیل و بوقلمون از راه
دیگری در آمد و بزیر گترین دشمنی
تا ریخ را بر حق عرب و بخصوص
خلق عرب فلسطین روا داشت و آن
آواره نمودن این خلق واز کاشانه
را ندان بود.

امپریالیزم جهانی به اینهم
بسته نشد و آوا نیکه خلق مصر
آزادی کامل سوین ویا آبراه
ملکیت خود را ملی اعلام داشت
حمله بی مثلی بر مصر نمودند
طی این حمله از بمباردمان و ویران نمودن
دنشقا خانه ها، مکاتیب، کود-
کستانها، مساجد و شهرهای پر-
نفوس در یخ نور زیدند. درین
حمله صهیونیسم (که قبلاً از طرف
امپریالیزم بمثابه سگ زنجیری و
زندانم تا دندان مسلح در سر
زمین عرب فلسطین جا یگزین
شده بود) نخستین نمک حلالی؟!

خود را در خدمت حامی و بان
خود انجام داد.

هکذا باید متذکر شد که اگر
درین حادثه اتحاد شوروی به
مثابه دوست واقعی عرب به کمک
خلق مصر نمی شتافت و نیروهای
تجا و زگر را بجایش نمی نشاند
صد مات و عواقب و خیمی دامنگیر
ملت مصر می شد.

چون امپریالیزم درین جنگ
با دندان شکسته ونا کام برگشته
بود بار دوم به تحریک دولت دست
نشانده خود پرداخت و در سال
۱۹۶۷ اسرائیل با تجا و زگر بر سر
زمین های عربی (مصر، سوریه
اردن) بخش وسیعی ازین ممالک
را در اختیار خود در آورد و هر چه
بیشتر به آزار و در بدری خلق
عرب خصوصاً خلق سر زمین
های اشغالی پرداخت و با وجود
فصله های شورای امنیت، مینی
بر خروج فوری قوای خارجی
از سر زمین های عرب، خیره، سرانه
به اشغال مذکور ادامه می دهد
و علت تشنج کننده این خیره-
سری کمک های بی حد و حصر و
پشتیبانی دیپلماتیک امپریالیزم
و در راس امپریالیزم امریکا
می باشد.

امپریالیزم با تأیید، تا کید،
تحریک و تسلیح صهیونیسم، نیزم جنگ
تجا و زکارانه ای دیگری را نیز در
سال ۱۹۷۳ بر خلق عرب تحمیل نمود که
خسارات و تلفات بشمارای را بیار آورد.
باز هم امپریالیزم به این بسته
نشد و دست به یکسلسله اعمال تجا-
و زگرانه و اها نت آمیز دیگر نیز زد
آن به آتش کشیدن مسجد اقصی
یا اولین کعبه مسلمانان
جهان میباشد و همین حالا نیز علاوه
بر اشغال سرزمین های عرب و
ایجاد وحشت و آوارگی ملت
بیچاره و صلح خواه لبنان نیز هر
روز بخاک و خون کشانیده میشود و زار
دخانه های امپریالیزم و در قدم اول
امپریالیزم امریکا مقادیر بی
بایان اسلحه تحویل این انسان-
کشان صهیونیست می نماید تا هر
چه بیشتر منطقه شرق میانه
را به کانون جنگ و زدو خورد مبدل
سازد.

اعمال و تجاوز گریهای امپریالیزم
لیزم حقوق بشر شناس؟! امریکا
در سر زمین ویتنام از هیچکسی
بقیه در صفحه ۵۵



ار
ن
به
ك
ای
ند
ت
ه
ت
س
ه
ك
ه
ن
ود
نی
سی
انه
د
و
م
س
د
ك
در
دكه
رد
ده
ج
زدو
سی
سان
لاوه
و
ست
هر
را
اول
سی
ان
اهر
ه
بدل
یا
یكا
سی
ه
ن



هزاران نفر از مردم ماکه به پیشواز زندانیان از بند رسته شتافته اند

یکی از زندانیان پلچرخ هنگام بر آمدن ازین باستیل جهنمی به خبرنگار د ژوندون گفت:

دژ خیمان امین سفاک و باند جنایتکار او آنقدر زندانیان بیگناه را شکنجه میکردند که گویی بمرض سادیسیم مبتلا بودند و از رنج و آزار دیگران لذت می بردند

و تعداد کثیری در زیر ساطور جام شهادت را در حالی نوشیده اند که آن صحنه هائنگ بشیریت است و برای ابد باعث نفرین خلق کشور بود، و میباشد *

در نزدیک دروازه درونی محبس زن سالخورده ای بزمین افتاده بود دستش را گرفته و لسی نتوانست بیا بایستد توام با فغان و ناله چنین سر داده بود که پسرش را از خانه اش بر سرده اند و دیگر اثری از آن ندیده است. دختر جوان این زن داغ دیده که رویش را با اشک و خون شسته بود پیش حرفش دویده گفت که اوی از غنی خیل ننگرهار است و برادرش صاحب منصب عسکری بود شب هنگام او را از پیش چشمش از حدقه برآمده زن و فرزندانش بآلت و گوب توام بموت انداخته و بردند که از آن وقت تا امروز اثری از آن دیده نشده است.

روز ۱۶ جدی که روز رهایی زندانیان، از زندان امین جنایتکار بود، دهها هزار از مردم کشور از مرکز شهر و اطراف رهسپار زندان پلچرخ بودند و به امید اینکه مگر گمشده های خود را باز یابند، توسط موتر ها و حتی از چند کیلومتری این باستیل جهنمی بایای پیاده خود را بدهن در آهنی بیرونی زندان و سانیسه بودند. در جلو محبس مذکور تا نظر کار میکرد آدم بود که معلوم میشد هر کدام، هر خانواده و هر فردی از حاضران که شاید صد ها هزاران آن رسیده نتوانسته بودند، گمشده ای داشتند که برای دیدار حاضر گردیده بودند، ولی این تلاش های نزدیک شدن بدروازه محبس و تحمل رنج مسافرت برای این منظور از نقصا دور کشور برای هزاران نفر مایوس کننده معلوم میشد زیرا واضح بود که هزاران نفر را امین سفاک زیر ساطور آدم کشی خود به شهادت

بزدان کشید و دسته دسته آنها را بگلوه بست و هزاران خانواده را برای همیشه در ماتم نشاند. آخرین قربانیان اعمال جنایتکارانه امین بدنام تاریخ که خشم خلق او بپادشاه و مجال نداد تا آنها را نیز عقب شهدای دیگر بفرستند بایروزی مرحله نوین انقلاب شکوهمند نور و عفو عام توام بپرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم طی مراسم خاصی دروازه های زندان بروی شان کشیده شد، با هر کسی هر چه که میگفتند، از بیدان گریه های امین سفاک و باند جنایتکار او بود و هر قصه ای از آنها قصه ها و غصه هایی از شکنجه ها و آزارهای درمناشه زندان بانان بود که با شنیدن آنها مو بر تن انسان راست میشود و هیچ انسانی نمیتواند راه گریه اش را بگیرد و آه دیده اش را نگاه دارد.

زندان پلچرخ این دژ جهنمی که داود جلد برای دربند کشیدن و تنبیرستان و تار و مسار کردن آزادی خواهان آنرا اعمار و معموس از هموطنان بیگناه ما، گردانید، بایروزی انقلاب شکوهمند نور برای اولین بار دروازه های مستحکم آن باز گردید، ولی این میراث شوم آن به امین جنایتکار و باند تروریست و آدمکش آن که با انجام یک جنایت بزرگ و گرفتن قدرت را هشی و بسوی انجام دادن جنایات بی حساب و گشتار دسته جمعی هموطنان بیگناه ما باز کرد که این اعمال جنایت کارانه او بپادشاه آدمکشش در اذهان فرد فرد کشور عزیز ما برای همیشه بجا مانده و تا که جهان است نسل های امروز و فردا به آن نفرین می فرستند.

امین سفاک و باند جنایتکارش، اطفال، زنان مردان و حتی با اصطلاح درجن بست خانواده ها را در باستیل پلچرخ و دیگر مغفیکاه ها



زندانیان آزادشده توسط سرویس های ملی بس زندان بلچرخي راترك گفتند



گناه آنها فقط اين بوده كه از جنايات امين سفاك حمايت نميكرند



زندانیان بلچرخي حيات دشواری راسپری می نمودند

امين سفاك وباند جنايتكار او راهی موتري شد شاهد خوشی وسرور آنها و خانواده های شان كه تازه می خواست طرف شهر حرکت كند. بودند و همه در هر لحظ ای بر بیروزی های آری ، آنروز زندانیان سیاسی آزاد میشدند مرحله نوین انقلاب ثور دعایي كردند وبرباند وقدم بدنای آزاد می گذاشتند كه هزاران نفر جنايتكار امين نفرین می فرستادند .

زن جوان در حالیکه پیشروی هر زندانی آزاد شده را میگرفت ، فریاد میزد كه برادرش چه شد او را چه كردید ، در كجا شهید شد و ازین قبیل پرسش ها ولی هیچ کدام جوابش دانی گفت بجز آنكه باوی میگریستند و اظهار تسلیت بوی می نمودند كه این منظره دلخراش هرسنگ دلی راسر گریه می آورد واشكها جاری میشدند.

مرزا محمد حسین خیل با شنیده بقلان هنگام خارج شدن از دروازه درونی محبس در حالیکه بكس نسبتا سنگینی رادر دست داشت دورابر سوالی چنین اظهار كرد: من در سر مزرعه خود مصروف كار بودم كه چند نفر آمدند و بمن گفتند كه بیاید يكبار بولایت مربوط بروید ، من جزء قبول این پیشنهاد دیگر چاره ای نداشتم ناچار باباشان رفتم آن ظالمان مراد ر اطاقی حبس كردند و بعد شب هنگام آمدندوبه شكنته گاه انتقال لم دادند از عذاب شكنته چه عرض كنم ، شكنته چه كه هتك حرمت رواداشتند و فحش هایی تبارم كردند من بالاحاح وزاری گفتم : آخر چه کرده ام ! می لت وكوبم می كردند و می گفتند كه : دیگر باقلان وبهمان صحبت می كنی ! و دیگر بعد ازین هم از پیشروی ما بی اعتنا می گذری و ازین قبیل سخنان كه انسان را بحیرت می انداخت .

شكنته وآزار در بقلان باتمام نرسیده بود ، مرا چشم بسته به كابل آوردند و هر شب زبش شكنته باصطلاح نیم جانم می كردند وشب دیگر این كار ناجوانمردانه را از سر می گرفتند ، وی افزود: چندین جوان در زیر جسمانم در شكنته گاه جان دادند وعده ای را هر شب از زندان بیرون می كردند و بعد معلوم میشد كه آنها را به گشتار كاه امین می برند وزنده بگور میكنند .

وی در حالیکه می خواست خود را بزودی از زیر سوال وجواب بر هاند ، دستم را گرفت وگفت : خدا حافظ ، دیگر قصه هارا نمی كنم كه بیش ازین غرق ابهت میشوی .

يك زندانی آرزومند دیگر كه با عجله راه پیوستن به خانواده چشم بر اهش رادر پیش گرفته بود ، بامن ووبرو شد وقتی خود را باوی معرفی نمودم واز حال گذشته اش در باستیل جویا شدم گفتم : این همه را كه می بینی ازلب گور برخاسته اند می چند روز دیگر اعمال جنايتكارانه امين و امينيان خانه نمی یافت ، شاید



آب چاه نسبت دفن اجساد در نزدیکی آن غیر قابل نوشتن گردیده است. این گشتارهای دوره تاریک پول پوت صورت گرفته است.

ترجمه و نگارش

د. یوسفی

شبهه‌یی از جنایات ضد بشری رژیم پول پوت در کمپوچیا

خلق دئیر این کشور بعد از آزادی کمپوچیا کار عمر ان مجد در ا به شدت آغاز کرده‌اند.

قتل عده زیادی از خلق مبارز کمپوچیا بشمول
روشنفکران از کارهای عادی و معمولی این
رژیم خون آشام بود کم از کم سه میلیون نفر
از جمله هفت میلیون نفوس کمپوچیا طی این
مدت بقتل رسیدند. رژیم پول پوت که با کمک
توسعه طلبان منطقه در پنوم پن مستقر شد
طی دو دهه تاریک زمامداری چهار ساله خویش
از هیچ نوع ظلم و بیعدالتی در مورد خلق
کمپوچیا دریغ نکرد.

کمپوچیا قبل از آزادی از سلطه پول پوت
حیثیت یک کشور در حال مرگ راداشت که
خلق آن با انواع مختلف مصایب و آلام مواجه
بودند.

هنگام آزاد شدن، کمپوچیا چهره یک کشور
در حال مرگ را بخود گرفته بود که صنعت
و زراعت شدیداً از بین رفته و سایر فعالیت‌های
اجتماعی در حال نابودی کامل قرار داشت.

طبق احصائیه‌های منتشره چهار میلیون نفوس
باقیمانده از جمله هفت میلیون قبلی که سه
میلیون در کشتار ظالمانه پول پوت جان سپردند
در فقر، جهل و مریضی بسر میبردند و عده
زیادی از آن‌ها بیکار بودند.

در سپتامبر ۱۹۷۹ تعداد معلمان، نویسندگان
آرئیستان، ژورنالیستان و روشنفکران که زنده
مانده بودند محض ده فیصد احصاء نیه سال
۱۹۷۰ بود. طور مثال در سال ۱۹۷۰ (۴۰۰۰)

داکتر در کمپوچیا موجود بود که اکنون فقط
از آن جمله (۵۰) نفر باقی مانده است.
پول پوت و حامیانش قبل از گریز از کمپوچیا
همه فابریک‌ها و تشبثات را ویران کردند و
کارگران از موسسات صنعتی اخراج نمودند و آنها
را طور آواره پراکنده ساختند. تحمیل کارهای

اجرای مراسم مذهبی بشمول بودیزم توسط
افراد ممنوع بود. پول ناچیز و بی ارزش بود،
مکاتب و شفاخانه‌ها مسدود و از خدمات بستو
مخاریه‌آری نبود. خلاصه اینکه نمونه‌های تمدن
در نتیجه ظلم حکومت پول پوت از میان رفته و
فقط صدای غرش ماشیندار و ضرب چوب‌نصب
کسانی بود که علیه رژیم قلمداد می‌شدند.



عساکر رژیم پول پوت حتی تکلیف دفن نمودن مقتولین و قربانیان را قبول نمی‌کردند.

بانییم مختصراً بتذکر بعضی از جنبه‌های این
دوره تاریک چهار ساله می‌پردازیم. باید گفت
که طی استبداد چهار ساله دار و دسته پول پوت
ینگ ساری همه شهرها تقریباً بویرانه‌ها تبدیل
شده بود. قریه‌ها خالی از سکنه بود خانواده
ها از هم بکلی منلاشی بوده، صرف غذای عمه
اعضای یک خانواده در یک جای اکیلا منع بود و
هر کس جداگانه جیره ناچیز خود را که اکثراً
برنج می‌بود می‌گرفت و با شکم نیم سیر و روح
افسوده زندگی پر رنج خود را بسوی آینده
مچپول و متحلامرگ قبل از هنگام ادامه میداد.

یکی از پهلوه‌های ناگوار سلطه نظام‌های
استعماری و استبدادی، میراث‌های شوم و
ویرانی‌های اقتصادی و کلتوری است که بعد از
شکست استعمار و استبداد نصیب خلق‌های مختلف
جهان می‌گردد.
این امر بخوبی در مورد خلق کمپوچیا که
تازه بناسیس یک رژیم و ا قعاً دموکراتیک
توفیق یافته‌اند، صدق میکند.
برای اینکه یک تصویر روشنی از کمپوچیا
تحت تسلط رژیم فاشیستی پول پوت داشته



يك مکتب حریق شده در انگیانگ



در اندیشه و غصه خا نواده از دست رفته اش



بنوم پن شهری که هنگام سلطه پول بوت به شیخ میماند

نقل (۱۲) ساعت در روز و موجودیت کمپ های شکنجه دهنده اکثریت خلق کمپوچیا را از زندگی بیزار ساخته بود در چنین شرایط دشوار و ناهنجار اقتصادی و سیاسی بود که خلق مبارز کمپوچیا به حکومت پول بوت خاتمه دادند.

تولد دو باره کمپوچیا :

به تعقیب يك سلسله قیام های خونین سر انجام اردوی انقلابی خلق کمپوچیا در هفتم جنوری ۱۹۷۹ بنوم پن را آزاد ساخت و بتاریخ هشتم جنوری همین سال شورای انقلابی خلق تحت ریاست هنگ سامرین تأسیس شد. باینوسیله جمهوری خلق کمپوچیا عرض اندام کرد.

یکی از وظایف اولی شورای انقلابی، عادی گردانیدن حیات در کمپوچیا و تهیه کمک های غذایی و طبی برای خلق آنکشور در مناطق تحتی زده بود. دهها هزار تن شالی و سایر کمک های طبی و غذایی که توسط جمهوری

قریب سه میلیون نفر طی دوره تاریک چار ساله

پول بوت در کمپوچیا به قتل رسیدند.

سوسیالیستی ویتنام و سایر کشور های برادر سوسیالیستی در کمپوچیا سرازیر شد سرعت به خلق آنکشور توزیع شد و سلسله این کمک ها در سطح ملی و بین المللی همچنان جریان دارد.

کارگران کمپوچیا بعد از تارو مار شدن رؤیای پول بوت با علاقه فراوان به کار های شان باز گشتند. فابریکه ها مجدداً به تولید آغاز کرد ولی فابریکه ها تقریباً همه متلاشی و پارچه شده بود و برای حکومت انقلابی کمپوچیا مشکل بود تا طور لازم فابریکه ها را فعال گردانده از یکطرف کمبودی های زیادی از لحاظ برزه و ماشین آلات برای فابریکه ها موجود است و از سوی دیگر قلت مواد سوخت محسوس بوده و هم تعداد زیادی از کارگران ماهر طی دوره اختناق آور پول بوت کشته شده اند.

توجه به تعلیم و تربیه مجدد :

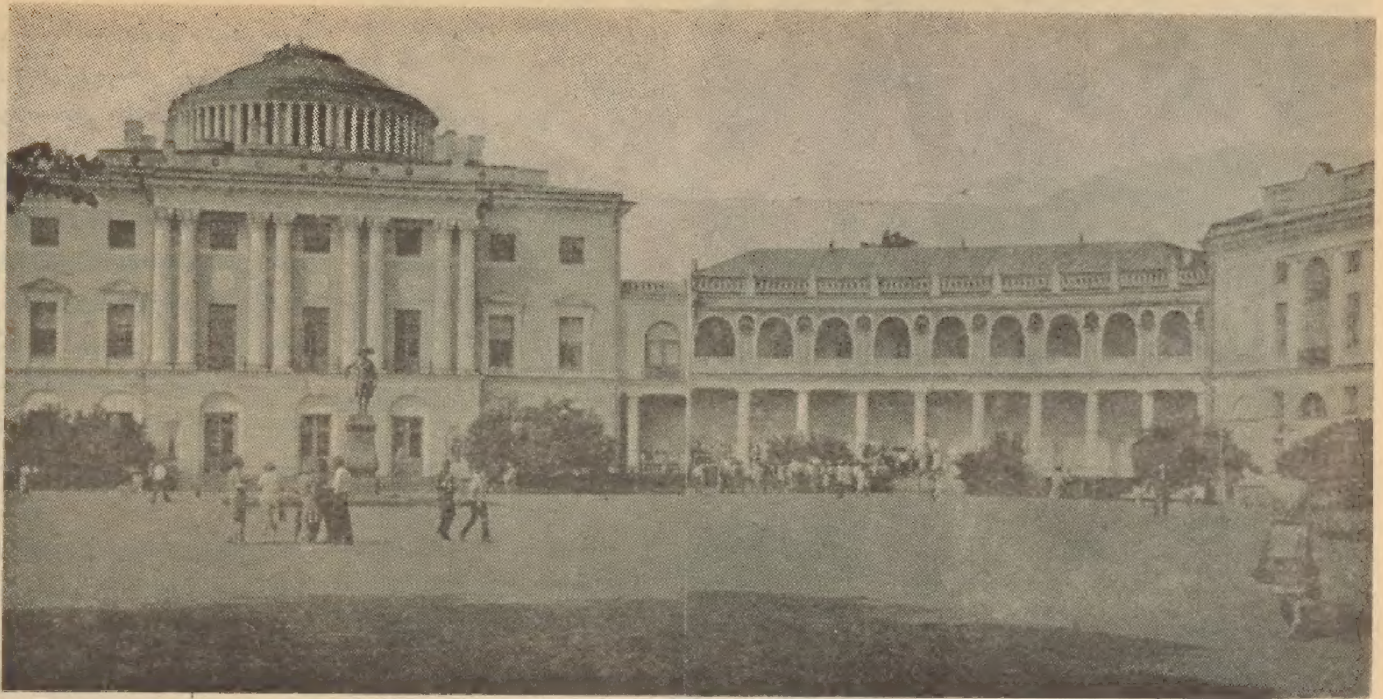
شورای انقلابی خلق کمپوچیا گرچه مساعی اعظمی خود را در مورد غلبه بر قحطی و احیای مجدد فعالیت های اقتصادی آنکشور متمرکز گردانیده است مبادا حکومت جدید انقلابی توجه زیادی را به تعلیم و تربیه صحیح انقلابی معطوف داشته است. سال های ۱۹۸۰-۱۹۷۹ بعثت اولین

بدون دو نظر داشت تمایل مذهبی، سن و جنس است تا بدینوسیله مبارزه موثر علیه عقب ماندگی و ویرانی های دوره تاریک پول بوت - ینگساری بعمل آید.

دوام توطئه علیه جمهوری خلق کمپوچیا

در حالیکه حکومت انقلابی کمپوچیا تحولات بنیادی را بمنظور رفاه خلق این کشور و عادی نمودن اوضاع در معرض طرح و تطبیق قرار داده است. توطئه های امپریالیستی علیه انقلاب خلق کمپوچیا ادامه دارد.

امپریالیزم میخواهد تغییرات سیاسی اخیر را در کمپوچیا طوری جلوه دهد که گویا این تحولات بدون اراده و میل خلق این کشور و در اثر مداخله خارجی صورت گرفته است حکومت انقلابی کمپوچیا طی انتشار ابلاغیه در زمینه بحث ملل متحد را راجع با اوضاع در کمپوچیا بعثت يك مداخله صریح در امور داخلی این کشور نکوهش نموده و گفت: «هدف از آن منشو ش گردانیدن اذهان در زمینه است» حکومت کمپوچیا این بحث را که با اشتراک نماینده حکومت پول بوت صورت گرفته يك تخلف بزرگ از آرزوها و الهامات اکثریت خلق کمپوچیا نمود که به شدت از حکومت انقلابی شان حمایت می نمایند.



منظره‌ای از کاخ موزیم پاولوفسک

از سپو تنیک

ترجمه : احمد

کاخ موزیم پاولوفسک در اتحاد شوروی

میکرد تا در وقت بازگشت آنرا بسه آسانی در یافت کنند. با این نقشه و پلان پساوک زینووه پتا ریخ (۱۶) سپتمبر (۱۹۴۱) از موزیم پاولوفسک خارج شد زیرا درین روز جرمنی‌ها به پاوک رسیدند شب را به بسیار ناآرامی سپری کرد زیرا همه جا را آتش فرا گرفته بود و از موزیم به کلیسای ایساکوف آمد و در آنجا (۱۹۰۰) روزهای محاصره را سپری کرد. درینجا باز یینووه سه زن دیگر نیز زنده میگرداند اینها سیر و فیو بالا یووه محافظ کاخ، ایرینا یا چنکو همکار فنی

متری آنها واقع بود.

بعد از اینکه قطار آخری با گنجینه‌های موزیم پاوک و لو فسک عازم مناطق شرقی اتحاد شوروی گردید هنوز آثار هنری قیمت بهادر کاخ باقی مانده بود. اینها باید به زیر زمینی‌های کلیسای ایساکوف انتقال داده میشدند اما باز هم مرمر ظریف ممکن بود در اثر انتقال بشکند. در مقابل گذاشتن آنها به حال سابق نیز خطرناک بود زیرا فاشیست‌ها ممکن بود همه را به باد قتل میسار بدهند. زنهای مجسمه‌ها را از جایی آنها به بسیار احتیاط از طریق زمین‌ها که بالای آنها تخته‌های چوب گذاشته شده بود کشتان کشتان به زیر زمینی‌های موزیم میکشاندند و به یکی از نقاط خلوت آنها را قرار میدادند. بعد همه را با خفت‌ها مسود میکردند و برای اینکه کسی به آنها پی‌نبرد همه را باریک می‌پوشانیدند. چون در پاوک کاخ موزیم یکتعداد زیاد مجسمه‌های نادر و قیمتی وجود داشت برای اینکه از تخریبات اشغالگران فاشیست‌های آلمان در آمان باقی بماند میماندند خندق‌های عمیق حفر میکردند و آنها را در آنجا دفن میکردند. قبل از عقب‌نشینی عساکر شوروی یکی از سربازان در یکی از مجسمه‌ها که بنا ۴ «صلح» یاد میگردید چنین نوشته بود: «ما دو باره با شما میگردیم و تو را پیدا میکنیم» در خندق‌ها علف، برگ‌ها و غیره اشیای نرم میگذاشتند.



قسمتی از عجایب پارک موزیم

چون آنان یینووه نقشه پارک را با خود میداشتند در نقشه همه خندق را نشان می

دادند و بسته بندی میکردند، در حال حاضر لغت بسته بندی بسیار ساده و آسان به نظر می‌بخورد اما در آنوقت ضرورت بود تا از هر جلیغ‌راغ صورت حساب دقیق آماده میشد به عین ترتیب آریزه‌های کریمستانی باید باز میشد و به اطراف آن کداز چیز بسیار نرم گذاشته میشد تا از شکست آن در وقت انتقال جلوگیری میشد. اما تعداد آریزه‌ها از هزار نیز زیاد بود. همینکه صندوق‌ها کنایت نمیکرد از وسایل مختلف کار میگرفتند و در اطراف آن علف می‌گذاشتند در پهلوی این همه مشکلات تعداد کارگران به چند نفر محدود میسرید و آن هم‌زمان بودند زیرا مردان همه به چیه رفته بودند چند گروه کارگری را که شو را ی‌شیری غرض انجام کارهای مذکور تخصیص داد نیز زنان بودند. خط چیه جنگ در چند کیلو

های سنگین وارد می‌شود و آنها را از پوست جدا می‌کند.

درین وقت حساس انازینووه به همه معامات مسئول اثبات می‌کرد که بدون توقف و تاخیر حفاظت کاخ صورت بگیرد والا از بین می‌رود. اما خود نمیدانست که این همه کارها را برای چه به همگان اثبات میکند. هنوز جنگ دوام داشت نیروی کار کفایت نمی‌کرد و سایرین نیز موجود نبود، زینووه نزدیکی از آمرین ساختمانی مراجعه کرد تا برایش ضرورت اعمار مجدد کاخ موزیم را تشریح نماید اما در مقابل آمرینمی

خواست به حرفهای او گوش دهد و چنین ادامه داد: «عزیزم شما آدرس را غلط کرده اید. ما افراد نظامی هستیم و مسایل کاخ مربوط ما نیست». آمرین هیچ این را تصور هم نمی‌کرد که چند روز بعد همین زن خواهد آمد و نزدش مکتوب را با محتویات ذیل خواهد گذاشت: «به صورت استثنای به ترمیم کاخ پاولوفسک آغاز کنید».

در کاخ که از مابین تصفیه شد کارهای ساختمانی آغاز شد. همه قسمت‌های را که تخریب شده بودند توسط محلول‌های مخصوص استحکام کاری می‌شود و اندیشایی که قابل استحکام کاری نبودند به توجیه پلخانه انتقال داده می‌شدند زیرا از خانه‌های خود همه چیزها را که در ترمیم کاخ بکار میرفت می‌آوردند تا ترمیم کاخ هر چه خوب تر صورت بگیرد.

برای اینکه هیچ یک از عناصر به جای دیگر نصب نمی‌گردید از سیستم مخصوص رمز نویسی استفاده نمودند. هر یک از سالن‌ها دارای رمز مخصوص و دایره بود.

دایره نمبر مخصوص داشت. کارکنان «لنرویکت» در کاخ اندازه گیری‌ها را آغاز کردند و بعد فیو دورب‌الینیک از جنگ بازگشت. این هنوز قبل از جنگ محصل بود و دیپلوم خود را در موضوع «ساختمان کاخ پاولوفسک و نقش و نگار دیواری نما یشگاه گوناگون» دفاع نمود.

بقیه در صفحه ۴۳



کوشه‌یی از موزیم پاولوفسک



آثار قیمتی موزیم که در وقت جنگ تخریب گردیده بود.

هنوز نمیدانست که بعد از اعمار مجدد چه شکل را بخود خواهد گرفت. شاعر معروف آنوقت لنینگراد و ایرا اینبر در کتابچه یادداشت خود مورخه اول فبروری سال (۱۹۴۴) چنین نوشته بود: «دیروز با نقاشان و کارکنان موزیم به دورگوف پاولوفسک و پوشکین رفتیم. به کاخ پاولوفسک رسیدیم نتوانستیم زیرا که پل توسط جرمنی‌های فاشیستی منفجر شده بود ما زینووه به چنان سرعت از راهای دور و دراز و پر مشقت به انظار فساد خود را رسانید که مرد ها نمی‌توانستند پی او برسند و از موزیم به سوی شهر دوباره به بسپارآراسی گام می‌زدانست قسمتی که معلوم شد آنها شکل خاصی آن به حالت بسپار دو خیم خود باقی مانده بود، در داخل کاخ همه از بین رفته بود. چندی بعد زینووه به بسپار مشقت پیاده خود را به اطراف واکناف شهر لنینگراد رسانید تا اشیا را که توسط اشغالگران الهائی به غارت برده شده بود دریافت نماید. در نتیجه تفحصات خود قسمتی از اشیا را دریافت کرد و قسمتی آنرا بعد ها در شهر ریگا در جرمنی بدست آورد اما ضایعات بسپار زیاد بود.

در کنگرس بین المللی مهندسان لندن که واجه به تعیین خسارات ناشی از جنگ جهانی دوم ترتیب داده شده بود الفاظ ذیل طنین انداز بود: «تشریفات از مجسمه‌های قیمتی و نادر پلوشکین و پاولوفسک بسیار غمگین می‌باشد». «خطور ضایعات جبران می‌شد! در دیوارهای داخلی کاخ که ده روز میسوخست هنوز قسمت اعظم دیکور گچ کاری و بقایای نوشته‌ها باقی مانده بود. در پهلوی این رسامی‌های حقیقی بعضی از عکاسی‌ها نیز بحالت خود دست نخورده نیز بحال‌اولی شان باقی مانده بودند. اعمار مجدد امکان پذیر بود اما رئیس بدون کارگران چه کاری را اینجا م داده میتواند! از اینکه گچ از آتش صدمه فراوان دیده بود در مقابل برقی با دری تحمل نداشت و پارچه‌ها را چه نقش‌های برجسته بر زمین می‌ریختند. نوشته‌های که بر تن روغن صورت گرفته بود از اثر سرمای شد بد رنگ خود را می‌باختند. دربارک بادهای شدید می‌وزید. این بادها مخصوصا برای نقش‌های دیواری ضرر



قسمتی از منظره پارک موزیم که در اوایل قرن ۱۹ ساخته شده

کدام جا عازم می‌بودند امکان رسیدن سالم را به آنها نداشتند زیرا هر لحظه ممکن بود بمباری شهر آغاز شود. سرتی هوا روز بروز شدت می‌یافت در قسمت خول مانند سابق قیودات وضع نه بود همه با لایوش‌ها داخل می‌شدند و به اندازه ضعیف دیده می‌شدند که قدرت آنها نداشتند تا بر فرازبالای لایوش دور کنند بعضی‌ها با اطفال خود یکجا به سوی محل کار روانه می‌شدند. خواندن کتاب مشکل شده بود زیرا از یک سو شیشه‌های پنجره‌ها یخ بسته می‌شدند و از سوی دیگر چشمها از اثر گرسنگی باز نمیشد.

زینووه در جواب سوالاتی که در این مدت مصروف چه چیزها بود چنین گفت:

«من درین وقت اکتشاف افکار اجتماعی اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزدهم مطالعه می‌کردم میخواستم را جمع به اطراف لنینگراد و موزیم پاولوفسک چیزی بنویسم در همه مکاتب خود که زینووه با دوستان خود در جاهای دیگر مکاتبه می‌کرد لغت «پاولوفسک» بسیار دیده می‌شد میخواست از آنها را جمع به اعمار مجدد کاخ مشوره‌های لازم دریافت کند اما

کاخ و یشکینا نو روه محافظ کاخ‌های شهر پوشکین بودند. انازینووه به بسپار نریمی و ملایمت از روه حیه قسوی آنها چنین حکایت میکند:

«درین وقت هوا بسیار سرد بود. چندی بعد هوا به اندازه سرد شد و قتی میخواستیم کمی احساس گرما می‌کنیم از کاخ به بسپار جاده خارج می‌شدیم. وقتیکه بهار قسار رسید یخندای‌های دیوارها روه آب شدن شد و از آنها مانند جویچه‌ها جاری شد. درین ضمن نلها کمی تخریب شد و آب زیر زمینی‌ها را فرا گرفت و صندوق‌ها را به بسپار زحمت از زیر زمینی بیرون می‌آوردیم و آب را دور می‌کردیم».

بعد از اینکه صندوق را بیرون می‌آوردند همه اشیا را خشک می‌کردند. به این ترتیب از جمله آنها (۱۳۰۰۰) عدد خشک کاری شدند.

در مساعی که بمباری فاشیست‌ها متوقف می‌شد همه کارکنان بین دو یا سه ریمان را بسته می‌کردند و پارچه‌های گلدوزی ابریشمی و دیگر اشیا قیمتی را خشک می‌کردند ممکن است اینطور فکر شود که مردم می‌ایستادند و از آنها دیدن می‌کردند اما نه. مردم لنینگراد در آنوقت اگر به

خواړه ناسې جوړوى او ناسې نېرى

بشر ددى دپاره چه ژوندى پاتې شى زياتې او تياوى لىرى چه ډيره مهمه او تيا يى خواړه او بيا پوښناك او كوروى .
ښه تغذيه نه يواځې دانسان د جسمى او روانى سلامتې تنظيموى بلكه د ژوند نه په اعظمې كچه اخستلو سره دبشر دكار محصول يود ته بيا يى او پدى ډول د هيواد په اجتماعى او اقتصادى پرمختگ كسى مونږ نقش لوبوى .
دانسان روغتيا، سلامتيا او كفايت دهغه لازمو او ضرورى غذايى مواد و پېورى اړه لرى كې ۲ چه د ژوندانه په بيلو بيلو مرحلو

دهغه وكو په جوړېښت كې يوه كاني ما ده چې دكلسيم پنا مه ياد يږي يو مهم او اساسى عنصر شميرل كېږي . اما دكلسيم ته په هلو كو دجوړېښت له پاره هغه وخت صو رت مو مى چې په وجود كې دويتا مين ډى كافى مقدار موجود وي . ځكه دويتا مين ډى مو جوړ ديت ددى سبب كېږي چې لازمه اندازې دكلسيم دكلو څخه جذب او وروسته دده وكو په جوړېښت كې تړى كار اخيستل كېږي .
نن دنړى په پر مخ تللو هيوادو

دهغه څخه په پايلو نه سره چلى وو يل شوه . دادى هغه مهال چې دخوړو بالخاصه وينا مينو په هكله تپيه شوى تا سو گرا نو وطنوا لو حضور ته وړا ندى كوم هيله منديم چې دا راتول شوى مطالب ستا سو داستقا دى اومنى وړ واقع شى .
دېدلن او تيا خواړه ته :
ښه او په انډول خواړه دپوره روغتيا د تا مين له پاره ضرورى دى . ځكه دېدلن وده او انكشاف تولا د او

دټولنې دهغو غړو دوجود مقاومت چې دافتصادى كمزور تيا له كبله كافى او مناسبت خواړه نشى اخيستلاى ډېر قيمت وى لدې كبله دا ډله خلك په مكرو بى ناروغيو زيات اخسته كېږي .
دناروغيو سيمر په هغو كسانو كې چې دغذا يى موادو په كمښت اخته وى ډېر خطر ناك وى او اكثرا وجود نشى كو لاى دهغو په مقابل كې مقاومت وكړى دزخمو نو جوړېدل پداسې خلكو كې ډېر وخت نيسى او دمكرو بو دمدا خلى په اثر دهغو دښوالى او يارو غيدلو احتمال ډېر لږ وى . پر عكس هغه كسان چې ښه او مناسبت خواړه اخلى دنا روغيو په مقابل كسى زيات مقاومت لري . او ډېر لږ ناروغه كېږي .

كى دتغذيه دسمون په اثر دكتنى وېرېښت بد لون په ځوان نسل كې منځته راغلى دى . پدى معنى چې د نورو ځى هلكان او نجو نى دخپلو پلرونو او ميندو په نسبت دقد او قامت له نظره جگ او جسم غښتلى او پيا وړى دى او هم دخپلو ميندو په پرتله ژر بلوغ ته رسېږي . ترهغه ځايه چې ثابته شوى هيڅ بل كوم محيطى عامل بى له خواړه نه پدى برخه كې رول لري .

تانا سل دانر ژى او حرا رت يا تودوخى تو ليد جسمى او روحى ښوالى ډېرى نږدى او نه بيلېدو . نكى او يكي دخواړو سره لري .
۱- خواړه دوجود دغړو دطبيعى ودې له پاره :
پرو تينو نه مالگى . كاني مواد وجود دجوړېښت اساسى مواد تشكيلوى . ځينى نور مغذى مواد لكه وينا مينو نه دجوړېښت دعمليو په چټكوالى ، تنظيم او ترتيب كې مهم رول لري ددى دپاره چې مطلب مو ښه اوواضح تشرېح كړي .
ترڅو پوه يى آسا نه شى تا سو ته يومثال وړا ندى كوم .

كى د هغه بدن ته رسېږي . هغه څوك چه په سمه تغذيه لوى شوى د روحى او جسمى بلوغ وړ وى او د اجتماعى له نظره بريالى او په خپل ژوند مين وى . او له بلى خوا څرنگه چه كافي مقاومت د نا روغيو په مقابل كې لري . په عمومى توگه د يوې كسانى روغتيا او خوشحالى ته پر خور د اړه وى .
نا مكملة او ناسالنه تغذيه دهر چا او هري او لى لپاره گرانه تما ميږي اكثره دتغذيه ، هضمى اوعصبى سيستمونو ناروغى په غير مستقيم ډول د تا فرستې تغذيه نتيجه ده دا نا روغى د ټولنې د غړو د ناتوا نه كولو له كبله دنه جبران كيدونكواقتصادى او اجتماعى زيانو لوبوب كېږي .
او دا ادعا چه مخنيوى يا وقا به مونږه او ارزانه نه درمسل څخه ده ، ډېره په ځاى او معقول له اودمنلو وړ خبره



۵- خواړه دحرا رت او انرژي د توليد له پاره :
زموږ دېدلن په شپه اور ورځ كې د خوب او يافعا ليدنولايى اويا قاستى په حالت كې دخپل دغړو دفعا ليد له پاره حرا رت او انرژي ته اړتيا لري او پدى ټولو حالاتو كې دېدلن اړتيا وړ حرا رت او انرژي دغذايى موادو پوا سطره تا مينېږي .
څرنگه چې وويل شو سر بيره په حرا رت او انرژي چې دوجود اساسى اړتيا ده وجود ټول غړى دخپلې ودې ، جوړېښت ، ترميم ، تقويه ، او د خپلو فعاليتونو د تنظيم له پاره يو شمير مهم او حياتي موادو ته ضرورت لري چي دا

كى دتغذيه دسمون په اثر دكتنى وېرېښت بد لون په ځوان نسل كې منځته راغلى دى . پدى معنى چې د نورو ځى هلكان او نجو نى دخپلو پلرونو او ميندو په نسبت دقد او قامت له نظره جگ او جسم غښتلى او پيا وړى دى او هم دخپلو ميندو په پرتله ژر بلوغ ته رسېږي . ترهغه ځايه چې ثابته شوى هيڅ بل كوم محيطى عامل بى له خواړه نه پدى برخه كې رول لري .
۲- خواړه دترميم يا جوړولو له پاره :
ديوى ښى او متوازن غذا په را نيولو سره پر هارو نه اود بدن ته نور وارده زيا نو نه په ډېر لږ

كى د هغه بدن ته رسېږي . هغه څوك چه په سمه تغذيه لوى شوى د روحى او جسمى بلوغ وړ وى او د اجتماعى له نظره بريالى او په خپل ژوند مين وى . او له بلى خوا څرنگه چه كافي مقاومت د نا روغيو په مقابل كې لري . په عمومى توگه د يوې كسانى روغتيا او خوشحالى ته پر خور د اړه وى .
نا مكملة او ناسالنه تغذيه دهر چا او هري او لى لپاره گرانه تما ميږي اكثره دتغذيه ، هضمى اوعصبى سيستمونو ناروغى په غير مستقيم ډول د تا فرستې تغذيه نتيجه ده دا نا روغى د ټولنې د غړو د ناتوا نه كولو له كبله دنه جبران كيدونكواقتصادى او اجتماعى زيانو لوبوب كېږي .
او دا ادعا چه مخنيوى يا وقا به مونږه او ارزانه نه درمسل څخه ده ، ډېره په ځاى او معقول له اودمنلو وړ خبره

كى د هغه بدن ته رسېږي . هغه څوك چه په سمه تغذيه لوى شوى د روحى او جسمى بلوغ وړ وى او د اجتماعى له نظره بريالى او په خپل ژوند مين وى . او له بلى خوا څرنگه چه كافي مقاومت د نا روغيو په مقابل كې لري . په عمومى توگه د يوې كسانى روغتيا او خوشحالى ته پر خور د اړه وى .
نا مكملة او ناسالنه تغذيه دهر چا او هري او لى لپاره گرانه تما ميږي اكثره دتغذيه ، هضمى اوعصبى سيستمونو ناروغى په غير مستقيم ډول د تا فرستې تغذيه نتيجه ده دا نا روغى د ټولنې د غړو د ناتوا نه كولو له كبله دنه جبران كيدونكواقتصادى او اجتماعى زيانو لوبوب كېږي .
او دا ادعا چه مخنيوى يا وقا به مونږه او ارزانه نه درمسل څخه ده ، ډېره په ځاى او معقول له اودمنلو وړ خبره

رول لری اوددی ویتا مین دخت صیت
پوا سطر ستر گی کو لای شسی
چی دزیا تی رها خخه په کمه رها
کی خیل تعا دل بر قرار کری . او
خیل لید نه وسای ددی ویتا مین
په کمبیت سره دستر گو داخصیت
او دید لږ کپیری او بالاخره لمنخه
خی . او دیوه نارو غی چی شبکو ری
پنا مه یاد پیری منخته را خی . چی
په هغه کی ستر گی په لږه رها او
نیمه تیا ره کی بنه لید لی نشی . د
شبکو ری دوام په کو چنی ماشومانو
کی ناوړه عوا قب له خانه سره لری
خکه چی کو چنی ما شومان خپل
ستونزه ویلی نشی شبکو ری هم په
هغوی کی پت سیر کوی . چی
متا سفا نه په پای کی په ږند یدو

تما میږی . ددی ویتا مین یو مهم
خا صیت دبدن دطبیعی مقا و مت
زیا توا لی او تا مین دی دمکرو بو
په مقابل کی . هغه خلک چی دویتا مین
په کمبیت اخته دی دبو لی او تنفسی
لأرو په نارو غیو زیات اخته کپیری .
داویتا مین دوجود پو سترکی روغ
ساتی دهو وکو غا بنو نو او په
اور ید لو کی بنه تا یر لری .

ویتا مین آ دتودو خی په مقا بل
کی مقاوم دلمر دوا نکو پوا سطره
تخریب پیری دامید وا ری اودشیدو
ور کولو په وخت کی دوجود اړتیا
دی ویتا مین ته زیا یر لری .

دویتا مین آ مهمی منا بـ
خکر ، دشیدی کوچ دچر گی دهگی
ژپ ، تر کار ی ، با لخصوص کازری
کدو خواړه آلو گان ، پالک ، گشنیز
میوی لکه زردا لو ، شفتا لو ، و آلوـ
بخارا دی . دحیوا نا تو پښتور گی
هم لږ شانتنه ویتا مین آ لری .

ویتا مین پی:

ویتا مین دی چی دلمر دویتا مین
په نامه مشهور دی دبدن په وده او
پا تی په ۵۴ مخکی

کپیری ددی له پاره با یدبه ورغ کی
په منظمه انداز ه وا خیسستل شی .
مگر په غوړو کی منحل ویتا مینونه
په بدن کی بنه ذخیره کپیری . په کلی
توگه په نظر کی باید ولرو چی په
غوړو کی منحل ویتا مینو نه په
عا دی حرا رت چی په پخلیو کی
تری کار اخیستل کپیری له منخنه خی
او په هغه او بو کی چی دپخو لو
له پاره پکار اچول کپیری نشی
حلیږی . پدا سی حال کی چی په
په او بو کی منحل ویتا مینو نه په
آسا نی سره په او بو کی حل کپیری .
اوڅه مقدار پی دپخلی دحرا رت په
وا سطره له منخنه خی . لدی کبله
دهغوړو پوپه پخلیو کی چی دا
غذا یی مواد پکښی مو جود دی
دهغولارو چا رو خخه چی ورو سته
تری یادو نه شوی ده تری کار
وا خیسستل او سمه ور ته پا ملر نه
وشی .

درو لو ستو نکو ستاسو دمعلوـ
مات له پاره هر ویتا مین جلا جلا
تر مطالعی لاندی نیسو اود هغو
دنیکیو اود کمبیت دناوړه نتانجو



خخه یادو نه کو .

په غوړو کی منحل ویتا مینو نه
ویتا مین آ
داویتا مین دستر گو دیوی مهمی
برخی په جوړ بڼت کی اسا سسی

هضمی او تنفسی دستگاو با ندی
ناوړه اغیزی کوی .
او ددی په څنگ کی دانسان په
روانی حالت باندی هم نامطلوبه
اغیزه کوی .
ویتا مینونه په دوه برخو ویشل
شویدی :

لمړی برخه هغه ویتا مینونه چه
په غوړو کی منحل دی . او دو همه
برخه یی هغه ډله ویتا مینو نه دی
چه په اوبو کی منحل دی .
په غوړو کی منحل ویتا مینونه
عبارت دی له ویتا مین آ . دی . ای
اوک په اوبو کی منحل ویتا مینونه دی
گروپ ویتا مینونه او ویتا مین سی
او نور دی .

په او بو کی منحل ویتا مینو نه په
ډیره لږ انداز ه په وجود کی ذخیره



کس را محیط زندگی خود ویران کنید .

تول مواد په خواړو کی
مو جود دی . چی باید دسمی تغذی
دلپاری په صحی تو گه بدن ته ورسول
شی . که نه نو بیل بیل غری اوبه
مجموعی تو گه تول بدن کمزوری
کپیری اوبه نارو غی با ندی اخته
کیدو ته چمتو کپیری .

دغذا یی موادو ډو لو نه:

په عمومی توگه غذا یی مواد په
دری بر خو ویشلای شو .

لمړی برخه : هغه خواړه چی
سو زی او تودو خی او انر ژی توـ
لیدوی دا ډله عبا رت دی له قندونه
نشا یسته او وازدی یاغوړو خخه

دوهمه برخه ـ هغه خواړه چی د
بدن دانسا جو جوړ بڼت او ترمیم
له پاره پکار وړل کپیری او هغه
پرو تینو نه دی .

دریمه برخه : هغه خواړه چی
دوجود دغوړو ددندو په ساتنه تقو په
جوړبڼت ، تنظیم او تعا دل کی
اسا سی نقش لری . هغه عبا رت
دی . ویتا مینو نه ، کانی ما لکی او
اوبه دی . دلته موږ پوا خی په یو
شمیر مهم او حیاتی موادو په هکله
چی ویتا مینونه دی خبری کو . سربیره
پردی دخواړو سمی او صحی پخولو
په هکله هم څه مطا لب تاسو در نو
لوستونکو ته وړاندی کوم .

ویتا مینونه :

ویتا مینو نه هغه حیا تی اوبارزښته
غذایی مواد دی چی دوجود دیبلسو
غړودندو په سلامتیا مقا و مت ساتنی
او تنظیم کی ستر نقش لوبوی زیات



دهمین قرن تولد

دانشمند بزرگ ابن سینا در سال

۱۹۸۰ برگذار میگرد

خاص امیر خاص نماینده اما کوش ها و تحقیقاتی که صورت گرفته هیچ يك ازین تصاویر بدست نیامده بنابراین سوال که طرح میگردد اینست که این سینا چه تصویر و شکل داشته است

یوغلی سینا در سال ۱۰۳۷ در شهر همدان ایران از جهان رحلت نمود در همانجا به خاک سپرده شد بعد ها چند اواره محل سعید نفیسی انتقال دادند

سعید نفیسی دانشمند و نقاش چیره دست شرق در تصویر از ابن سینا را ترسیم نمود او نتوانست زیاد ترین تصاویر را ترسیم کند زیرا در آن زمان ترسیم تصاویر توهین به مقدسات و عتقه آن زمان شمرده میشد و از طرف علما و مشایخ مذهبی به باد تفسیر متهم میگرددند - این تصویر حصه از مجسمه ابن سینا را نشان میدهد که این تصاویر بعد ها در اتحاد شوروی در دانشگاه تحقیقاتی انتقال یافت



دانشمند بزرگ ابن سینا

پروفسور یوسف اتابکوف رئیس دانشگاه روزی روی میزش تصاویر پوست کارت و عکس های چاپ از ابن سینا عالم شہیر افغانستان را که از گذشته ها نقاشان و رسامان چیره دست کشیده بودند گذاشت که بخوبی و صراحت نمایانگر چهره فیلسوف ما باعالم شہیر ابوعلی - سینای بلخی است در بعضی جا ها او لنکی بزرگ به سر داشته و در بعضی تصاویر و نقاشی های دیگر او کاملاً چهره يك دانشمند را داشته است

مجسمه ابوعلی سینا که در ایران موجود است این مجسمه از سنگ مرمر سفید ساخته شده چنانچه ابوعلی سینا را نشان داده که گویا تاجری از قسمت های بخارا در حال گشت و گذار در نقاط مختلف جهان است در حالیکه رسام چیره دست فرانسوی به یوغلی شکل پادشاه فرانسه لوئیز را داده است که در حال خروج و شکوه و دبدبه خاص است

پروفسور یوسف میگوید که راویان چنین روایت میکنند که سلطان محمود غزنوی چهل تصویر ابوعلی سینا را کشیده و دستور داده بود که آن ها را به ولایات مختلف ارسال دارند و هم دستور داد که دانشمند برجسته را به دربار

قرار دارد که نمیتواند تمثال حقیقی وی را نشان دهد

کار تحقیقاتی در موسسه تحقیقاتی هنوز هم جریان داشته و به اساس گفته سوکولوو دانشمند زیبایی شناس در هریک از علایم که در تصاویر و مجسمه های این مرد از طرف نقاشان و میناتوران ترسیم گردیده خصوصیات زندگی و آثار فلسفی دارد چهره این مرد بزرگ تاریخ نشان میدهد - مجسمه ابوعلی سینای بلخی در وسط دانشگاه های علمی در اتحاد شوروی قرار داشته این مرد بزرگ که برای بهداشت و صحت بشریت مبارزه نموده الهام بخش دیگران قرار دارد - به اثر تحقیقات دانشمندان اکادمی طبی اتحاد

داحسان ژاپه

دخمکی د آب او هواد خرنگوالی

در اتلونکی به هکله نوی خیر نی

کی دسا نئی گراد پنخه دو چی او په ژمی کی شل در چی یتوی - د کنگل کیدو علت دلمر په وړانگو او د کال په تودو او سرو موسونو پوری اوه لری ، که دهوا دتو - دو خی احتما لی اندا زه زیا ته شی ، دا امکان شته چی موندی دمنخنې اړکتیک کنگل به دژمی دعادی کنگل ته را یت شی او په پای کی به دغه کنگل بیخی و یلی شی - همدا راز یو هان عقیده لری که چیری دخمکی دشمالی نیم کری ته - دو خه د سانی گراد د دوو در جو په اندا زه زیا ته شی دار کتیک کنگل به - ویلی شی دا لاندی جدول دار کتیک د سمند دمی د کنگلو نو د طبقو و یلی کیدل به په راتلو نکو سلو کلو نو کی احساس شی - او دغه کنگلو نه به په (۲۰۲۵) عیسوی کال کی بیخی و یلی شی -

که دخمکی تو دوخی زیا ته شی ، دغه تود وخه به دخمکی دیبلو بیلو عرض الیلونو کریشو سمبول یو شان نه وی - د مثال په تو که په (۲۰۲۵) عیسوی کال) کی ، دخمکی د شمالی نیم کری منخنې تودوخی دسا نئی گراد له دوو خخه تر دری اعشاریه پنخو فوجو پوری لوړه شی د لوړو عرض - البلد و نو سیمو ددو بی تو دو خی به د سانی گراد له ۷ نه تر لوسو فوجو پوری پاته شی ، اود دتوسیمو د ژمی دتودوخی اندازه به دسانی گراد له منخی پنخو نه تر لوسو در جو پوری یتته نشی - دهوا د تو دو خی دغه در اما تیک تغییرات به په عمو می تو که د نری په اقلیمی حالا تو کی بد لو نو نه را منځ ته کری او دغه بدلونونه به په لوړو او یتو عرض البلد و نو سیمو کی ښکاره شی - ددی عقیدې لپاره هم پوره د لیکو نه پاتی به ۵۸ مخ کی

په پنخو او وختونو کی ځینی پوهانو دا نظر در لود چی لاندی آب او هوا په تدریجی سیریزی او دغه سرو خه به داژ مینه برابره کری چی بیا دخمکی دکری پر مخ دکنگل دوره پیل شی - خو او س پوها نو په دی هکله زیاتی خیرنی کری دی او په دی هکله بیلی بیلی نظر یی یی وړا ند ی کری دی - د شلمی سیریز تر نیمایي وختو نو پوری دخمکی اقلیمی حالت په عمو می تو که د بشر د ژوندیز و اقتصادي فعا لیتو نو خخه جلا شمیر ل کید - خو وروسته دغه جلاوالی تغییر و موند ، دخمکی پر مخ د سون د هوادو د سوژید لو او راز راز لوسو گیسو د پو ته کیدو په نتیجه کی دخمکی په اتومو سغیر کی د کار بن دای ا کسایدا نده زیا تیزی او همدا راز دخمکی داتومو سغیر طبیعی حالت له تو پیر سره مخا خ کو ی او دخمکی دحرارت په اندازه کی هم زیا توالی منځ ته را ځی - دنری به ډیرو هیوادو نوکی یو ها ن په یو لړ ځی نو او تحقیقا تو بوخت دی خو داسی حقا یق پیدا کی چی دکار بن دای ا کساید د کتلی دزیا توالی اندازه و پا کی او همدا راز د کار بن دای ا کساید دزیا تیلو اغیزی دخمکی اتومو سغیر دتو دو خی د درجی په لوړ و ا لکی څرگندی کری ، نو په پوهاو دا نظر په څر گند - کری ته چی دکار بن دای ا کساید د کتلی اندا زه دوه چنده شی دخمکی د کری داتومو سغیر د لاندی طبقی د تو دو خی درجه به دسا نئی گراد در جو به اندازه لوړه شی -

دیوهانو داڅر گندونی په راتلونکی کی د هوا دتو دو خی داندازی او څرنگوالی به باب زیاتی اسانتیا وی برابری ددلمی احصائی به اسانس د اړکتیک د سمند و کنگلونه د منخنې اړکتیک هو ا په دوی

نویسنده: وادیوم نیکرا سوب

مترجم: سید حسام مل

تضاد

های

درونی

جهان

سرمایه

داری

نعمیق و تمدید بحرانها در سیستم جهان سرمایه داری و بروز اختلافات در بین جوامع یکی از پدیده های مشخص عصر ما است. ادامه مشکلات و پرهم خوردن زندگی اقتصادی به تعقیب بحرانها در دوره نسی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ انعکاس سیاست نا استوار داخلی جهان سرمایه داری بوده که باعث ایجاد و ظهور تضاد در سیاست و روش طبقات حاکم و در مناسبات بین الدول جوامع سرمایه داری گردیده است. جریان حوادث موجوده بصورت فشرده توسط رهبر پروتاریا چنین توضیح گردیده بود که:

« تراکم سرمایه مالی محرک اصلی انکشاف فاعل هموار دول سرمایه داری بوده، که این خود موجب ظهور اختلافات شد. بدین بین دول جهان سرمایه داری میگردد. در عین وقت پایسی هر نیروی امپریالیستی امروزی نسبت به گذشته در آن نهفته تا با دونه نظر داشت عینیت طبقاتی مبارزه شان را به مقابل جهان سوسیالیزم، جنبش های رهایی بخش انقلابی و جنبش طبقه کارگر شدت بخشند.

دول سرمایه داری برای یایداری و تقویت وضع خویش در صدد آن میباشند تا اختلافات درونی خود را بنام نظم مصالحه و نمود سازند.

این دول به تمر رساندن نظم مصالحه را بیشتر در عرصه اقتصادی میخوانند و هم در جستجوی آن اند تا نیروهای مولده خویش را در سطح پیشرفت و انکشاف گسیل، پروسه انقلاب علمی تکنولوژی را انکشاف، و بین المللی سازی اقتصاد سرمایه داری را سروصورت داده برای تحقق این مایل مبارزه و تلاش بخرج مدهند. ولی پروسه مناسبات بسیم مربوط اقتصاد بین الدول سرمایه داری با ثبات روشن و مشخص را در مناسبات داخلی و خارجی این کشورها گذاشته که بنوعی آن روش های کاملاً تازه و جدیدی را بفرز اعمار انحصارات بین المللی روی دست گرفته و برای تحقق آن سعی فراوان بخرج میدهند. بر علاوه اروپای غربی بصورت مشخص در جلو جبهه است تا یک سیستم پولی بین المللی را برای دول سرمایه داری و کشورهای دیگر بسو وجود آورد تا اگر بتوانند که وضع نا بسامان موجود را بهبود بخشند و از بحرانها در حال انکشاف جلوگیری بعمل آورند.

بهر حال این پروسه ها و جریانها تا را ایدولوگ ها و پایسی میکسران جهان سرمایه داری یا نمی خواهند و نمیتوانند بخواهند، تا صفحات جدیدی همگون و متحدالشکل را جهت انکشاف سیستم سرمایه داری بوجود آورند.

با تصحیح و اکمال این توقعات و با مخالفتی که به مقابل جهان سوسیالیستی از خود نشان میدهند، با وجود آن هم نمیتوانند اختلافات درونی خود را بر طرف و مضمحل سازند. در عین وقت امپریالیسم بوجوب بروز مبارزه شدیدی بین سیستم سوسیالیستی و سرمایه

داری مجبور گردیده تا این واقعیت را درک نماید، که همه این تغییرات حاصله و اختلافات موجوده جهان سرمایه داری ناشی از پروسه پایسی بین المللی خود این دول میباشد.

اختلافات درونی مشخص موجوده جهان سرمایه داری در سه مرکز کساحلا بهم مربوط در دهه اول بعد از جنگ جهانی یعنی در ایالات متحده امریکا، اروپای غربی «بشمول دول شمال بازار مشترک» و جاپان ظهور کرد. که هر کدام از این مراکز تلاش بخرج میدادند تا سیستم مناسبات موجوده را به نفع خود تغییر دهند و سود بیشتر بدست آورند. ولی در نتیجه انداز اختلافات در مراکز فوق تا امروز به نحو بالنده و رشد یافته خود در حال افزایش و پیشرفت است.

پایین آمدن سطح تولید ایالات متحده امریکا به مقایسه سطح تولید جهان سرمایه داری و انکشافات تسامپ تولیدات دول اروپای غربی (خصوصاً در جمهوری فدرالی آلمان) و جاپان که همزمان به وقوع پیوست اختلافات موجوده جهان سرمایه داری را میل به تضاد های کاملاً اقتصادی بین دو مرکز امپریالیستی ایالات متحده امریکا که مرکز سوم امپریالیستی است گردانید. پایید بخاطر داشت که این تضادها در مراکز اروپای غربی و جاپان نسبت روابط نزدیک و باهمی بودن شان چندین صورت گرفت ولی بهر صورت رقابت بین هم با یک نوع تحرك در حلال پیشرفت روز افزون بود. که در نتیجه مناسبات اقتصادی نیز در عرصه سیاسی جابه جایی و شل و شلاقی پایسی روز گردید. اختلافات در کمپ جهان سرمایه داری

بعد از بحرانها سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ بهر حله حادث شدیدی خود قدم گذاشت، پایین آمدن ظرفیت صنایع، از دیاد گروه بیکاران، و انقلابیون روز افزون همه و همه باعث ایجاد رقابت شدیدی بین نیروهای امپریالیستی گردید مبارزه بر حمله بفرز احراز بازارها بخاطر فروش کالاها بین شان آغاز گردید. کشورهای سرمایه داری و گروهی از دول انحصاری شان مانند کشورهای شمال بازار مشترک اروپا، سعی بخرج میدادند تا در اطراف ما رکیت های داخلی خود حصاری بوجود آورند و مانع دخول امتعه خارجی گردند تا اگر بتوانند اشغالات خویش را تأمین و بازارهای خود را بدست خود رونق دهند و سود هنگفتی را بدست آورند. میسر این خا رجی معتقد اند که بین مراکز رهبری کننده سرمایه داری بخاطر تجارت بازاریابی جنگ اقتصادی به شکل روز افزون شدت خود ادامه دارد.

نتایج حاصله از بحرانها در مناسبات اجتماعی و سیاسی چارم حصه از حکمرانان سرمایه داری انحصاری را واداشته که اعتماد به روز مستقبل خود نداشته را عسی را سرانگ ندارند تا از این مشکلات و رقابت های خصمانه رهایی یابند. اختلافات موجوده در حال انکشاف بطوریکه

گفته آمدیم به توده های وسیع زمینکنان این فهم و درک را داده که حکمروایان بورژوازی قادر نیستند، تا از بحرانها اقتصادی جلو گیری بعمل آورند، بناء کلیه زحمت کنان معتقد اند که ایدولوگ های بورژوازی در واقعیت امر ایمان و عقیده به نظریات و سیستم سرمایه داری که بصورت کور کورانه آنرا تبلیغ و بالای مردم میفلانند نداشته و ندارند، صرف برای افشای سرمایه داری و منافع آنها غلام حلقه بگوش اندویش. درین او اخر ایالات متحده امریکا در یکی از نشریه های خود موسوم به «اخبار و راهپو جهان» یاد آور میشود که تا ۲۰۰۰ دول بزرگ شامل پیمان «نا توه» دارای وضع نا استوار سیاسی بوده یعنی دارای وضع سیاسی پایدار و مستحکم نیستند، این همان واقعیت تلخی است که خود نمایندگان امپریالیسم آنرا بی پرده اظهار میدارند.

در تحت شرایط موجوده مصالح کشتی سرمایه داری آن چیزی را که خوش می بیند و مشاهد میکند «جنگ اقتصادی هرکس علیه همه کسی است»

که میراث مهم و خطیر سیستم سرمایه داری بصورت کل محسوب میگردد. پس به همین منظور است که جهان سرمایه داری بفرز حل تمام پرابلهای اقتصادی جهان خود به سیاست محرک، پیشرونده و آشتی طبقات نزدیک میگردد و مبارزه خود را بمقابل تمام نیروهای صلح، دموکراسی و پیشرفت های اجتماعی معطوف ساخته و می رزمند، ولی بهر حال او ضاع موجوده جهان را که «کارتر» رئیس جمهور امریکا اوزیابی کرده چنین توضیح میدهد:

«نظم اقتصاد جهانی در شرایط فعلیه نسبت به هر چیزی دیگر خواهان آن است، تا تمام دول بصورت متقابل و باهمی برای حل پرابلهای موجوده مشترکاً مساعدت نمایند.»

چهره مشخص وضع جاری در دنیا سرمایه داری مشتمل است بر مناسبات بین الدولی که خود آنرا ترتیب و تنظیم نموده اند، و آن عبارت از بوجود آوردن بلاک های نظامی و سیاسی بوده که بصورت همیشگی در بسط و امتحان آن دول ذینفع تلاش دوامداری بخرج میدهند. تکنیک و میخانیک را که امپریالیست ها بفرز نیل به هدف بکار میبرند، آن امکاناتی را بوجود می آورند که علاقه و دلچسپی عامه را در مقابل این یا آن عضو گروه مستور و پوشیده نگاه دارند. و بر بعضی از اختلافاتی که بین ایشان و آنها یکجه عمل جداگانه و علیحده نشان میدهند پرده افکنند. و به نحو غیر قابل تصور و عدم درک صحیح فقط و فقط در پی آن میباشند تا یکطرفه منافع هنگفتی از طرف دیگر کسب نمایند بدون آنکه داوای تسلط و توطئه مستحکم در اتخاذ عمل خود باشند. امپریالیسم ایالات متحده امریکاهمیش و در هر جا چنان نقشی را میخواهد بقیه در صفحه ۴۳

سگریت پلورونکی

تیره کړی وه او دا و اوس چی کرار کرار ور ځی شپي ته خپل ځای ورځو شی کا وه، په داسی حال کی چی نوډنی نو په پښو کی دځی خید لو او په ستو نی کی دنا وو و علو شیمه نهوه پاتی ، اوله لو پی نی مید موره سو خید له ، دلته ددکان مخی ته گراولاپو ور ځی دکار او سته یا په باب اند پښتوبه سراخیستی و .

واپه ، نهه، لس کلن سگریت پلو رنکی خپل ډنگر ، زهیر او غو تلی پښ دنا پناه ته له به را نه خو ندی کړی و اوید اسی حال کی چی زېر ز بینسلی مخ او څیری او لو- بدلپو څو سترگو بی په څر گند ډول دخواری او خوا شیننی بیان کاوه ، په راز راز چور تونو او فکرونو کی ډوب و، فکر یی کاوره چور تونه یی وهل او داندیننسو په بی پایانه سمندر کی لاهو و . دخپلی ټولی ورځی دکار او سترپاپه باب دخپلی خواری ور ځی او بد - بختی په باب ، او دخپلو په لاسی ور غلیو رو پیو په باب یی فکر کاوره او له دی کاره سره په سم غونډو دخوا شیننی او نا امیدۍ څپو واخیست . او په بدن به یی دغم لری راو څر خید لی ... هغه فکر کاوره او ور په یا دید ل چی سهار په څه نیت اوڅومره امیدواری له کوره راووت ، خپل واپه واپه وروڼه ترده دو کا له مشره خوراو ناروغه کونډه مور ورپه زړه شوه ، ورپه یاد شوه چی مور یی ناروغه ده او باید نن له و چی ډډی سوه یو ځای نیم خورد غوړی هم کور ته یوسی، بیای خپل ورور ور په یاد شو چی په څومره امید واری یی ور تله ویلی و چی که یی ډیری رو پسو وگتلی ، دته ته یوه دانه پکا سه واخلي ... ور په یاد شوه چی ننهم دنورو ورځو په شان، سهارلمانځه مهال بازار ته راځی و دخپل هر ورختی مېرپانه د گاندار له دکانه یی دسگریټو دری ډ بلیه واخیستل چی دادی تر اوسه یی لا دڅر څو لو په هڅه کی دی .پ او ددی ټو لو یا دو نو له ور په یا دو لو سره یی بیا په تندۍ کی دخوا شیننی لېسې و بریښید لی .

د آسمان شینې مخ څو وو دپغو پوښلی و او دبا دان ځاڅکی په ډیر شدت دځمکی پر مخ را تو تیدل . غمځنه ځمکه یی لاڅو بو له او د اوږوږی لښتی یی هری خوا ته بېول . سپ و غو نه ښار په پښ کی نیولی و او ټول ځانونه یی وپړید لو او ایستل - بر پښا وخت ناوخته په ځپلی زوږنی لښتی د آسمان په توپمخ گلار و نه کول او د تالندی هیبتنا کی غرا د یغنی دلا شدت او زور خبرو نه خبرول سپی سیلی دوری لویه په شان کوکی وهلی، ځمکی ، کورو نه ، سمی ، غرونه او دښا د په مخ هر هر شی ته یی ځپلی د لطم څپې وړ حواله کولی . دبا وان شدت وار په واد ډیریده هوا سړه وه، ښار او ښاریان یی ټول له ډیر شدت کرختول .

شپي خپله توره لمن ورو ورو هر یی خوا ته غوړو له او دور ځی څر مخ یی لاله نور او ونا څخه بی بر ځی کاوه ، کو ځی او واپونه له خلکو څخه تش وه، ښا دیا ن په ډیره بیه په وادو نو او کوڅو کی دی خوا هس خوا کیدل ، په منډه منډه یی خپل کارونه سر ته رسول او اصلا ډیر لږ خلک له خپله کوره دباندی تر ستر گو لیدل ، خوډوکی سگریت پلو رو نکي لا همفسی دپغو اېسه شان ، هلته په بازار کی دیوه تر لسی دکان مخی ته تر منا لاندی ولاړو ، غونډ تر خپل یوازینی اغوستی نازکه سوری سوری زاپه کمیس لاندی رپړیدیده او په ډیردیدی کی نری آواز یی همدغه ناری وهلی .

سگریت ...! سگریت ... هغه سهار لمانځه مهال له خپلی زېی چی نږدی څخه راو تلی و ، لو ځی پښی او لوغ سر په ښار کی دی څو اهی خواگرچینه د سگریټو دری ډ بلیه یی دڅر ځلاو په هیله هری خوا ته څرځول - هرڅوک چی یی لیده په منډه یی خان ورساوه او په ډیره امیدواری به یی ورته وویل .

سگریت ... سگریت ... دغه دی سگریت او کله چی به یو نیم څر یدار کو مه دانه سگریت تری وپېرودنوغ خپلی لو یس لسی سترگی به یی په مینه وخلید لی ، په ډیر شوق به یی روپی له څر یداره ترلاسه کړه او دخپل زاپه شوو ید کی کمیس څیرن واپه چپ ته به یی وو اچو له له څو بی ډکه نری څندا به یی په شو نه و وغوړیده، په منډه به یی له مخی د بل څر یدار د مینه لو په امید لری شو او بیر ته به یی خپلی ناری شروع کړی .

سگریت ... سگریت ... دغه دی تآ زه سگریت ... ما شوم سگریت پلو رو نکسی غو نهه ورځ په همدی ترتیب منډو اوگرځیدلو دژ می سړی هوا او دته زغملو یغنی ته

جھیل تیلستک را که در مناطق کوهستانی التای اتحاد شوروی موقعیت دارد اغلبا از لحاظ زیبایی با جھیل بایکال مقایسه می کنند . شفا فیت نقره فام آب، زیبایی سواحل ارتفاع زیاد آن نظر به سطح بحر (چهارصد و سی و شش متر) همه این صفات دست بهم داده و این جھیل را از لحاظ زیبایی طبیعی آن در ردیف جھیل معروف بایکال و امثال آن در دنیا قرار میدهد .

در جھیل تیلستک مانند جھیل بایکال یکتعداد زیاد دریا ها که شمار آنها به هفتاد و یک میرسد سرا- زیر میشوند اما فقط یک دریا بنام دریای بیبا از آن سر چشمه میگيرد

عمق و سطحی جھیل به (سی و بیست پنج) متر میرسد . گرچه از لحاظ عمق به جھیل بایکال نمیرسد زیرا عمیق و سطحی جھیل بایکال به (یکهزار ششصد و بیست) متر میرسد اما نظر به جھیل های معروف جهان مانند جھیل های مشیگان ، انتاریو و تیتیکاک عمیق تر است .

عربکی مشکرفز مطاسته وشریبه

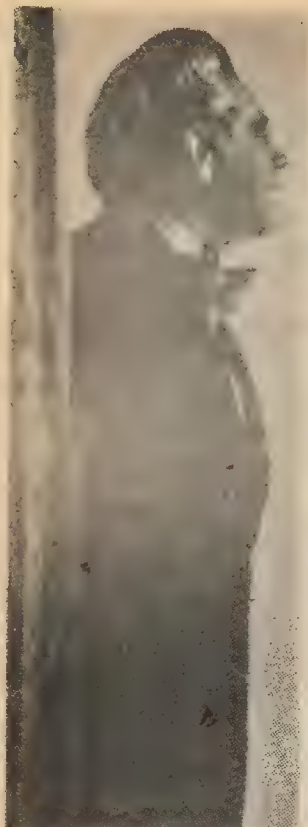
ترجمه احمدشاه

اسرار جھیل طلائی

از زمان های قدیم در سواحل جھیل تیلستک مردم التای از قبیله تیلست زندگی داشتند به این لحاظ در حال حاضر آنرا بنام قبیله مذکور مسمی کرده اند .

مردم قبیله تیلست این جھیل را بنام التین کول که جھیل طلائی معنی مورد افسانه ذیل را حکا یست میدهند مسمی کرده بودند ودرین میگردند . در زمان قدیم خشکسالی شدید بوقوع پیوست . شخصی بود که سکه طلا داشت که در آن تصویر کله ای اسب نقش شده بود امدار مقابل حتی یک لقمه نان نداشت که از آن رفع گرسنگی میکرد . مرد مذکور نزد همسایگان مراجعه میکرد واز آنها میخواست تا سکه را با فرص نانی تبادل کنند اما هیچکس به این معامله حاضر نه شد . مرد با مایوسی زیاد سکه بی بهای خود را به جھیل پرتاب کرد . به این ترتیب

بسیار کم ؟ سا ختمان کف جھیل چطور است ؟ علت تغییر شدید دقلیم درین منطقه چیست که دریک قسمت نزدیکی سوا حل یخبندی ، شدید حکمفرما ست ودر قسمت دیگر آن که از قسمت اولی چند کیلو متر فاصله بیش نداود هوا ، مانند منطقه کریمایملا یمن و نریم ناچیز جھیل را در یافت کردند زیرا جھیل تیلست عمیق است ودرمقابل سرما و یخبندی ډیر تر مقاومت میکند . در ماهی تا بستان فقط اقشار فوقانی آب تا اعماق بیست الی چهل متر حرارت خود را بلند می برند و اقشار دیگر آن در طول سال حرارت مثبت چهار درجه سانتی گریه را دارا میباشند . آب درین جھیل تا حد اعظمی توسط اکسیجن مشبوع است امدار



ارکادی رایکین در حین نمایش

ارکادی را یکین در وقت بسیار غمگین شد زیرا به او اجازه نمی‌دادند از صحنه‌های میر هوجیا تی را اجاره‌دادند اما چندی بعد به این نکته اعتراض نکرد که هم مسلکان انگلیسی او در چو کا ت منطقی که برای خود انتخاب کرده بودند کاملاً منطقی و معقول بودند. زیرا اگر کمی سبی می‌زد تا از پیرو گراسی بیروکرات هاور شوت خوری دفاع می‌کند طبعی است که اجرای نما یشنا مه‌های را که در آن‌ها بیروکراسی، بیروکرات‌ها و رشوت خوری به یاد انتقاد گرفته شوند مجاز نمی‌شمارد. ارکادی را یکین بعد چنین اظهار داشت: «چندو خوب است که در مملکت ما از رشوت‌خوری به شکل تجارت بکلی مجاز دفاع نمی‌شود و هیچ‌کس اینطور فکر نمی‌کند که بیروکراسی از عنعنات ملی ما بشمار می‌رود.»

ارکادی رایکین چون صحنه‌های انتقادی را اجرا می‌نماید بناء چنین شخصی باید به زندگی و مسائل میرم حیات به چشم عقل و منطق بنگرد و اعمالی مانند بیروکراسی، رشوت‌خوری را بدون عاطفه بی‌انتقاد بگیرد. ارکادی رایکین می‌گوید: اینکه کدام اعمال غیر مجاز را بیاد انتقاد بگیرم حتی نیست که از جواب منفی بطور همیشه سخن گفته شود و به شاخه‌های دیگر توجه نگردد. برعکس طنز و انتقاد آن وقت مفید و قابل قبول واقع می‌شود که در خود نکات مثبت را نیز بگنجاند.

ارکادی را یکین می‌گوید: اغلباً از من سوال می‌شود «شما به کدام حق درینو یاتان موضوع مزاح و از بعضی مسائل انتقاد می‌کنید؟ معمولاً جواب میدهم من منجبت يك انسان، يك هنرمند و يك تبعه مملکت به خود این حق را میدهم نخست از همه خود اینرا به خود اجازه‌داده‌ام زیرا اینها مسایلی اند که مرا به این نوع نما یشنا مه‌ها میکشاند و باید حل شوند. خنده و مسخره در مقابل چنین اعمالی مانند بزدلی، بی‌علاقه‌گی به امور محوله، بی‌احترامی و پستی منجبت سلاح عمده بشمار می‌رود و در مقابل با قانون جنایی در يك مقام و مرتبه قرار می‌گیرد و حتی بیشتر تر از آن قابلیت مثبت وارد مینماید.

البته اگر اینطور فکر شود که موفق‌ترین صحنه‌های طنز در جهان و مردم تغییر کیفی وارد می‌کند ساده لوحی شخصی را نشان میدهند در مقابل این نیز بی‌مبوم خواهد بود اگر شخصی شغل طنز را در پیش گیرد و به امکانات آن عقیده نداشته باشد.

ارکادی را یکین تمام زندگی و فعالیت‌های حیاتی خود را در زمان دو لت شوروا به پیش برده و می‌برد. او می‌گوید: من به این افتخار دائم که وظایف محوله و کارهای دشواری را مردم ما به بسط خوبی انجام میدهند و داده‌اند اما سنگین ترین بقیه در صحنه ۹۱



ارکادی رایکین در اجرای نمایشنامه مقابل سربازان دیده می‌شود



ارکادی رایکین در چهره‌های مختلف، نمایشگران را می‌خنداند

ارکادی رایکین بدون شک بنیان‌گذار و استاد بزرگ مینا تور طنز در اتحاد شوروی می‌باشد قیاً تر مینا تور یعنی چه؟ این قیاً تر از هنر مندانی متشکل می‌باشد که نما یشنا مه‌های کوتاه را اجرا می‌کنند. در قیاً تر طنز لیننگراد این نما یشنا مه‌ها بسیار شدیده، میرم و انتقاد می‌شوند. درین قیاً تر نه تنها نما یشنا مه‌ها اجرا می‌شوند بلکه هنر مندانی بعضی از صحنه‌ها را تمثیل می‌نمایند که با خود صحبت می‌کنند و مسائل میرم حیات را به شکل انتقادی و خنده‌آور آن تمثیل مینمایند. ارکادی را یکین در اتحاد شوروی و در خارج از آن از شهرت زیادی برخوردار است. او می‌گوید: «در یکی از سفرها یم به لندن مقامات مربوط به من اجازت دادند تا در تلو یزیون انگلستان بعضی از نما یشنا مه‌ها را اجرا نمایم این پنج دور نما یشنا از نما یشنا مه‌های



هنرنامه ارکادی رایکین را بر سرش و یکتن از مملکتین دوبار گشت سفر هم‌راهی می‌کنند

ترجمه: عبدالله

از سیونیک

کمیدین معروف تیاتر طنز ارکادی رایکین

متشکل بود که در سالهای مختلف در اتحاد شوروی آنها را اجرا کرده بودم. درین وقت بطور غیر مترقبه هم مسلکان انگلیسی-ام اظهار داشتند که بعضی از صحنه‌های کمیدی را از پروگرام خارج سازیم. با خود فکر کردم چه حادثه رخ خواهد داد؟ سخن از چه قرار است؟

یکی از آنها برایم توضیح داد: آقای رایکین ما به نیت نگه‌داری شما پی برده ایم حال شما میخواهید کردار يك شخص بیروکرات را تمثیل کنید اما اسمیکه معلوم است بیروکرات حقیقی برای اولین مرتبه در انگلستان ظاهر شد. یا بطور مثال شما میخواهید رشوت خوری را مسخره نمایید ما بعضی‌ها را در انگلستان عقیده‌داوند

که رشوت خوری يك تجارت کلی مجاز شمرده می‌شود. پس به این ترتیب چرا بر نسب‌های موازین اخلاقی خود را بر هم زنیم؟ و این نیز نکته‌اشما را که میخواهید به اشخاص مخاطبان نام‌های روسی بگذارید و ما را قائل بزنید درک کرده ایم.»



ارکادی رایکین در حال ماست و تمرین

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

در جهان امروز روابط بین المللی و سیاست خارجی در حیات ملت ها ، در فعالیت های احزاب ، حکومتها ودولتها نقش مهمی بازی می کند ، این همه به شرایطی مربوط است که جبر خصوصیات عصر و عمل کرد عوامل مختلفه آنرا بوجود آورده - در آغاز ، باید گفته شود که سر نوشت ملیون ها مردم و حتی تمام مدنیت پاندازه ایکه امروز به شرایط بین المللی ، حل مسائل کلیه یین- المللی وبونزه مساله صلح وجنگ وابسته است در هیچیک عصر گذشته نبود - انقلاب علمی وتخنیک سبب ایجاد سلاح های مخرب کلوی بی سابقه گردیده .

در جنگی که توسط امپریالیست ها شروع شود اگر از چنین سلاح ها استفاده بعمل آید جهان را با امحای ملیون ها مردم ونا - بودی شرایط موجودیت نوع بشر تهدید می کند ، در عین زمان انقلاب علمی وتخنیک باعث رشد سریع نیرو های مولده گردیده نوع بشر را با پرابلم های جهانی ، مانند استفاده معمول از منابع طبیعی ، تهیه کار و معیشت برای همه مردم ، فائق آمدن ریسمانی امور اقتصادی کشور های روبانکشاف وغیره مواجه ساخته ، بر علاوه ، انقلاب علمی وتخنیک باعث وسعت تقسیم کار بین المللی وهمکاری اقتصادی بین المللی در تمام ساحات بشمول استفاده از فضا وابجار وحمايه محیط زیست گردیده .

در عصر حاضر که خود يك عصر عمیقا انقلابی است ، تأثیر نوده ها بر سیاست تزايد کسب نموده ، سیاست های داخلی و خارجی باهم ارتباط نزدیک یافته اند ، جریان ونتایج مبارزات طبقاتی در این یا آن کشور به تناسب قوا در کادر جهانی ، بحالت روابط بین المللی بی اندازه وابسته شده بالاخره يك خصوصیت ویژه عصر حاضر عبارت از موجودیت موازی دولت های است با دو سیستم کاملاً مخالف یعنی سیستم سرمایه داری و سیستم سوسیالیستی که دارای دو سیستم اقتصادی اجتماعی بوده وهر کدام آن با قوانین ذاتی خود تکامل می کنند .. طبیعی است که این حادثه در روابط بین المللی محسوس شده وبه شکل تضاد و عمل متقابل تعابلات عمومی وتکامل قوانین تجسم می کند ..

اساس همزیستی مسالمت آمیز ، که توسط -- زمین جوان شوروی به پیش کشیده شد وتهداد روابط با کشور های سرمایه داری را می سازد چنانچه بعضی از سیاست دانان یوروزوی آنها دارند ، هیچگاه يك مانور وحیده ناگهانی نبوده ، فرضیه همزیستی مسالمت آمیز جزء لاینفک تئوری انقلاب سوسیالیستی است .

تئوری علمی و انقلابی طبقه کارگر بیان می دارد که از اثر رشد نا متوازن اقتصادی وسیاسی کشور ها و امکان پیروزی سوسیالیزم ، اول دویک یا چند کشور يك حالت مخصوص بوجود خواهد آمد که در آن سوسیالیزم وکشور های سوسیالیستی وکشور های سرمایه داری موازی وجود خواهند داشت از جریان وقایع جهانی چنین نتیجه گیری به عمل آمده که اعمار سوسیالیزم نا گسبان صورت تنفی گیرد بلکه يك جریان طولانی تاریخ را احتوا می کنند . از این حقیقت چنین نتیجه گیری می شود که تأثیر برای مدت مدیدی دو سیستم مخالف موازی باهمی همدیگر وجود داشته می باشند .

شک نیست که يك مبارزه حاد و شدید بین سیستم اجتماعی کهنه و از نظر تاریخی معکوم بقا و سیستم جدیدی که با به عرصه وجود نهاده قهرای درمی گیرد و تضاد بین دو سیستم متضاد تعیین کننده دوره انتقالی بوده وامپریالیزم با استفاده از تمام امکانات دست داشته ، حتی مداخله نظامی ، بساری سرکوب کردن انقلاب سوسیالیستی قیام می کند واز طرف دیگر انقلاب سوسیالیستی بیروزمندان اکتوبر ، سر مشق و اتکالی بین المللی مبارزات کارگران جهان ، بالخاصه کارگرانیکه در مراکز اساسی سرمایه داری متمرکز گردیده اند ، می باشد .. با وجود این تضاد عمده در روابط بین المللی يك نیروی بسیار بزرگتر از خواست ، اراده و تصامیم حکومت ها ویا طبقات متخاصم و مخالف با سوسیالیزم وجود دارد که آنها را مجبور می سازد ، با کشور های سوسیالیستی تماس داشته باشند ، این نیرو ، نیروی روابط عمومی اقتصادی جهانی بشمار میرود ...

تئوری علمی طبقه کارگر عمیقاً معتقد است که منافع ملی کشور های سوسیالیستی و کشور های سرمایه داری و منافع حیاتی تمام جامعه بشری حکم می نماید که مبارزه بین کشور های دارای نظام های اقتصادی واجتماعی متضاد باید به شیوه مسالمت آمیز صورت گیرد نه باستعمال سلاح و اختلافات حاد بین کشور ها باید با تقابل سیاسی ، اید یولوژیکی و رقابت اقتصادی در تکمیل نمودن شیوه زندگانی وحل مسائل جهانی از میان برود ، نه در میدان جنگ .. این است معنسی همزیستی مسالمت آمیز ..

در ختم سال های ۱۹۶۰ و آغاز سال های ۱۹۷۰ ع فضای بین المللی ، تمام جریان تکامل در عرصه بین المللی وسیاست جهانی بصورت عموم به تغییرات بزرگی معروض گردید یعنی تغییرات در سمت آرامش فشار بین المللی وکم خطر جنگ جدید جهانی ،

حالا باید فهمید که چه عواملی سبب این تغییرات گردید ؟

نخست : تحکیم بیشتر مواضع کشور های سوسیالیستی ورشد نیروی اقتصاد و تأثیر سیاسی آنها ، همین عامل است که تأثیر قاطع دارد ، زیرا این عامل تلاش مذبحانه محافل حاکمه امپریالیستی را برای حصول تسووق نظامی بر کشور های سوسیالیستی بر ملا ساخت وپیروزی های ممالک صلح دوست ، خلاهایی را در محاسبات غرب بوجود آورد و انحصار آنها را بر مطلق العنانی پایان داد . حصول تساوی خصوصاً در قسمت سلاح های ستراتیژیک موقف قدرت وسیاست جنگ سرد رابه نقطه صفر یعنی منفی رسانیده و برای خود غرب نیز خطرناک ساخت .

دوم : تغییر دو باره نقشه سیاسی جهان در نتیجه پیروزی های مبارزات رهایی بخشی ملی وبروز وتکامل چندین هوجین (دوازده) کشور ای چوان در صحنه جهانی بسیاری ازین مملکت هادکنه های دول امپریالیستی را بدور انداخته در مبارزه ضد اعمال تهاجمی ، مبارزه بخاطر صلح ومصولیت بین المللی در کنار کشور های سوسیالیستی قرار گرفتند . تغییرات بزرگی در مسیر قوا در بین خود ممالک امپریالیستی نیز بوقوع پیوسته یعنی بسیاری از کشور های سرمایه داری که در سال های ۱۹۵۰ با اطاعت کامل ازکشور بزرگ امپریالیستی جهان پیروی می نمودند ومسیر دیگری را در پیش گرفتند .

سوم : رشد نیروی ضد امپریالیستی در جهان : طغیان جنبش طبقه کارگر در کشور های سرمایه داری وتحکیم نیرو های دست چپی در بسیاری ازین ممالک مخصوصاً احزاب طراز توین کارگری ، يك خصوصیت ووسع سیاسی در دهه اخیر عبارت است از رشد وسیع جنبش های دموکراتیک در اکثر کشور های سرمایه داری از همه اولترنجنبش ضد جنگ .

چارم : تغییرات در حلقه های حاکم ممالک بزرگ امپریالیستی ، ورشد تمایلات ریالیستیک در این طبقات ودر سیاست اکثر کشور های غربی ، این يك جریان خیلی مغلق و اغلب متضاد است . تظاهر عمده آن درك تانایج وخطرات ذخیره نامحدود سلاح ها است توسط زمام داران غرب وتیز فهم روز افزون این مطلب که سیاست خارجی باید از دیدگاه جدیدی مورد ارزیابی قرار گیرد . این باید علاوه شود که شخصیت های یوروزوی ایکه بیشتر ریالیستک فکر می کنند از پشتیبانی بیشتر مردم درحوزه های انتخاباتی برخوردار اند ، حقیقتی است که از آن انکار شده نمیتواند . تمام این عوامل در مجموع وانعکاس آن در شعور طبقات ، گروه هاوعده از شخصیت های موثر سیاسی ودولتی سبب شده که در اواخر سال های ۱۹۶۰ احساسات مردم بخاطر تغییر عقیده جنگ سرد در کشور های بزرگ سرمایه داری اوج گرفت . این بود که شرایط عینی وفذهنی تکامل نمود و امکان آن رامیسر ساخت تا از جنگ سرد به آرامش

فشار بین المللی ، تکامل روابط عادی بین دو سیستم مخالف چرخشی بوقوع به یوندد و همزیستی مسالمت آمیز در عمل وقانون توسط غرب برسمیت شناخته شود . عبور از جنگ سرد ، از تقابل انفجار دو جهان متخالف ، به دیانتت ...

جهانی مرتبط بود اما به تلاش وحرکت زیاد نخست از همه به تغییر تناسب قوا در کادر

خلق ها ضرورت احساس می گردید . مخصوصاً خلق هاییکه مسئول سیاست دولت ها بودند تا تقسیم شود که مسايل موردتواغ رانه از طریق غرور بلکه از راه همکاری مسالمت آمیز ، بدون نابل مسلحانه میتوان طور طبیعی حل نمود ..

انتقال از جنگ سرد به دیانتت : درك وسیع اساسات همزیستی مسالمت آمیز درآن واحد صورت نپذیرفت ، مفايستا يك جر یا ن طولانی بود ودر جهان به شیوه های مختلف منظره گردید ودر روابط کشور های سوسیالیستی وسرمایه داری اشکال مختلفی را اتخاذ نمود .

این جریان بصورت بسیار قاطع در اروپابه پیش رفت ، در براغظمی که در آنجا دو نظام اقتصادی ، اجنماعی مقابل با سازمان های نظامی واساسی شان (ناتو) ووارسا مستقیماً در برابر هم قرار داشتند . اولین کشور بزرگ سرمایه داری ایکه با اتحاد شوروی مناسبات خود را بهتر ساخت فرانسه بود ، این حادثه هم از لحاظ اینکه فرانسه يك پیش قراول برای تسهیل عادی شدن روابط کشور های دیگر سرمایه داری با جهان صلح گردید ونیز از لحاظ نقش فرانسه در تاریخ جهان ، سیاست جهان ، اقتصاد وکلطور اهمیت یزایی داشت ، اولین قدم جدید مناسبات میان فرانسه واتحاد شوروی در ۱۹۶۶ بعد از مسافرت پرزودنت دوگول گذاشته شد .

این يك نقطه چرخشی بود در روابط هر کشور و برای هر دو کشور و جریان دیانتت در مجموع اهمیت یزایی داشت ، روابط هر دو کشور در دهه اخیر نمونه عالی ایست برای تجسم اساسات همزیستی مسالمت آمیز وتعاون بین کشور های نظام های مخالف ويك عامل مهمی است در عادی ساختن تمام امور مغلق روابط بین المللی واروپایی

يك واقعه عمده ونقطه عطف در تاریخ بعد از جنگ اروپا عبارت از قرار داد ۱۹۷۰ مسکو بود که سنگ تهداد دیانتت رادر براغظم اروپا گذاشت وهم این قرار داد بمعنی عادی شدن روابط کشور های سوسیالیستی بسا جمهوری فدرالی آلمان بود ، اهمیت این واقعه از موقف خصوصی جمهوری فدرالی آلمان در مجموع روابط بین المللی بعد از جنگ ، از نفعی که او در جنگ سرد داشت وهم از امکانات زیاد که آلمان غرب بدست دارد کم نیست ... چنانچه در مدت ۲۵ سال پس از جنگ ، مسايل مغلقی که با جمهوری فدرالی آلمان وبرلین غربی مرتبط بود ، به نحوی از انحاء بحث محراق تقابل دو سیستم باقی مانده بود وجهان را بروی کار آمدن يك

جنگ عمومی تهدید می نمود ، این است ویلی که عادی شدن روابط جمهوری فدرالی آلمان با کشور های سوسیالیستی برای روابط همزیستی مسالمت آمیز اهمیت یزایی داشت ... کشور های صلح دوست همیشه علاقه مند بهبود وتکامل مثبت روابط با بریطانیایکبر وایتالیا بوده اند ... زیرا این کشور ها نیز موقف مهمی در اروپا وسیاست جهان اشغال نموده اند ... مناسبات با این کشور ها از نظر تعاون اقتصادی : تماس های سیاسی و غالباً مناسبات حسنه بوده است . با بیشتر نمودن بقیه درصحنه ۳۷

رهنما برای کسانی که می‌خواهند

شوهر بگیرند

مساعدت را اند. اگر شوهر با قد کوتاه داشته باشید هیچ ضرورت نیست که لباس های کهنه تان را بدوزید زیرا از یک پیراهن تان یک جوره درپیشی بسازید به بساط آسانی ساخته می‌توانید .
مرد ها با قد متوسط خاصیت اطفال را دارند اما بی اندازه نان نخورند و از مردان قد بلند تعب نمی‌مانند .
چشم های مرد ها آبی، سبز، خاکستری و سیاه می‌باشد ، بدون در نظر داشت رنگ چشم های مرد ها چندان با حیا نمی‌باشند .
مرد های که دارای چشم هاجدب (برآمده) باشند همیشه در جستجو می‌باشند تا در هر قسمت معلومات کافی داشته باشند و از شعار

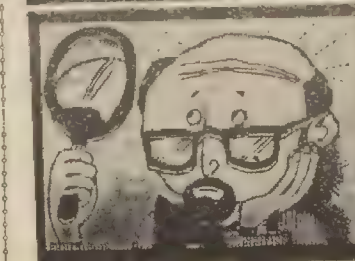


عروس به عقد رفته، هنوزم در تعجب است که شوهرم چگونه است؟!

بتر است تا اولتر بدانیم که مرد یعنی چه: علم درین قسمت تعریف مکمل آنرا داده است .

مرد زنده جان تو باست که به بسیار زودی تسخیر میشود و به حدی میرسد که ظروف را می‌شوید ، کف اطاق را پاک میکند و پول معاش را مکمل به خانم تقدیم میکند . حال به اصل مطلب بر میگردیم . هر یک از قبیل مقبول ، نامقبول سیاه چهره، سفید چهره و بالاخره همه شوهر میگیرند .

از همه زودتر جاق‌ها و لاغر ها و کمی نادان ها زودتر شوهر میگیرند . از همه مشکل تر داناها شوهر میگیرند زیرا کدام مرد میخواهد که زن عاقل تر از خودش داشته باشد ؟ قبل از اینکه شوهر انتخاب کنید به قنوقامت مرد ها متوجه شوید . قد مرد ها مانند در منازل های درجه اول ، درجه دوم درجه سوم میباشد . مرد ها با قد بلند در کار های منزل چندان وارد نمی‌باشند . مرد های قد کوتاه برعکس غرض استعمار بهتر و



نمایی از شوهران دلخواه

ذیل پیروی میکنند «میخواهم همه چیز را بدانم» .

حال راجع به رنگ موها صحبت می کنیم. مرد ها دارای مو های روشن ، خرمایی و سیاه می‌باشند .

مرد های ، با موهای روشن بسیار متواضع خوش باور و ساده می‌باشند معاشی را بدون کم و کاست به خانم تقدیم میکند .

مرد های مو سیاه بسیار حسود و خشن می‌باشند . همینکه بالای زن خود بد گمان شد به بسیار هیجان وعده میکند او را از بین می برد و خود نیز خودکشی میکند . اما نمی داند که اولتر خود و یا خانم خود را از بین ببرد بدین ترتیب ساله را نازل گذاشته و برای همیشه تا شام از خانه خارج میشود، مرد های مو خرمایی بسیار مهربان و خوش خلق می‌باشند . همه موخرمایی ها میخواهند خود را در جمله مرد ها با موهای روشن قرار دهند . اگر شوهر موخرمایی انتخاب میکنند

پس اگر میخواهد شوهر بگیرد بدون وقفه مرد تاس سر را انتخاب کنید این نوع شوهر قیمتی است ! با او در خانه همیشه خوش و مستریج میباشد .

بقیه صفحه ۱۶

اسرار جهیل طلایی

مهم میا شد و در حل بعضی مسائل کمک شایانی مینماید .

از جمله عجایب متعدد جهیل تیلک از عجیه میتوان نام برد که توسط دست . های طلا پی انسان ایجاد شده است . این عجیه باغ و با درخت های میوه دار است که در شرایط ناگوار و در صخره آباد شده است .

شخصی که در قسمت مشاهدات جهیل معروف است نیکلای سمیر - نوف بود ، این شخص در آنوقت

اندازه گیری سطح آب را به عهده داشت . نیکلای در مسکو تحصیل میکرد اما مریض شد . داکتران به او مشوره دادند تا در یک قسمت کناره و خاموش زندگی کند . به این ترتیب

نیکلای به جهیل تیلک آمد و فـکر ایجاد باغ را کرد . در سواحل صخره یی میخ های چوبی نصب کرد و خاک مورد نیاز را از ساحل مقابل در ، قایق نقل می داد . آب در اترطیان

سه متر تبه باغ او را ویران کرد اما نیکلای باز هم به کار خود ادامه داد . در حال حاضر باغ نیکلای سمیر -

نوف در ین نوا حی یگانه نیست . در قسمت های زیاد سا حل جهیل طلایی

درخت های میوه دار دیده میشود مردم از آنها استفاده مینمایند .

انزگی های جدید در تکنالوژی طبی امروز

افق جدید در تکنالوژی طبی امروز

معاینه نموده وحتی بتوانند ذرات و سلول های کوچک مغز آدمیزاد را نیز تحت مطالعه و معاینه قرار دهند .

بنابرین تداوی ذوات هستوی نسبت به امواج پراکنده تداوی شماعی نهایت موثری ثابت گردیده است این طریق جدید تداوی در موسسه ملی مرکز رادیو لوژی در شهر شیبا به فعالیت آغاز نموده است .

بعد از چاره فته تداوی از جمله ۲۴ نفر ۱۲ نفر آن کاملاً صحت و سلامت بوده که بعد از تزریق اشعه هیچ آثار و علائم سرطانی در وجود شان دیده نمی شد آنهاییکه هنوز علائم سرطانی در وجود شان دیده می شد اما نسبت به گذشته احساس آرامی و رضایت می نمودند .

چین که نتایج درخشان این امتحان موفقانه اعلام گردید موسسات و سازمان های طبی در تلاش آن برآمدند تا بکوشند راه های علاج موثرتری را جستجو و این سیستم تداوی را هر چه بیشتر در خدمت مردم قرار دهند اما عمده تر از همه تشخیص مریض بوده که بعداً بتوان در جای معین اشعه مذکور را تزریق و مجادله را علیه امراض خاتمان سوز سرطانی آغاز نمود .

انکشافات پیشرفت های علوم و دانش بشر را قادر خواهد ساخت تا بتواند نوآوری ها و انکشافات جدید نموده و همه انکشافات و دست آوردهای مثبت شان را در راه خلق و خدمت به عالم بشریت انجام دهند هر قدر دامنه انکشافات علمی و راه علاج و درمان بیماری های مزمن و مخفی گشای میگردد به همان اندازه بسان خرافات و اندیشه ها ی ایدئالیستی برچیده خواهد شد .

و معاینه خانه ها عمده ترین کاری است که امروز در جهان پیشرفته توسط کمپوتی صوت می گردد که توسط آن احصاییه و گرونولوژی دقیق مریض توسط کمپوتر ترتیب و بصورت دقیق در اختیار دکتوران موظف قرار می گیرد .

سیستم معاینه دقیق اتوماتیک مریضان در شفاخانه های مدرن امروز به پوسونل کمی ضرورت احساس میکند این دستگاه اتوماتیک الکترونیکی در مرکز يك عمارت واقع و وسایل و ملحقات آن در معاینه خانه های اگری نصب می باشد که از همین جا میتوان مریض را به صورت دقیق تشخیص امعاینه نماید .

چنین دست آورد های علمی در بهبود شرایط زندگی خلش ها نهایت موثر و ثبت تمام میشود انکشاف و بهبود وسایل فایبروسکوپ دکتوران مربوط را قادر می سازد تا معاینات دقیق قلبی ، جگر و شش ها که در گذشته امکان پذیر نبود امروز به صورت دقیق

در حدود نیم قرن قبل اوسط عمر ۴۵ سال در نظر گرفته شده بود، اما امروز بواسطه انکشافات علوم طبی و وسایل ضروری مبارزه علیه امراض این تخمین را تا حدودی بالا برده است چنانچه در جاپان امروز دوام عمر به ۷۶ سال برای زنان و ۷۱ سال برای مردان تخمین میگردد که این رقم در سویدن و ناروی ز یاد تراژ سایر کشور های جهان شمرده میشود .



عملیه فایبروسکوپیک (مشاهده ارگان های داخلی وجود) ناراحتی مریض را تخفیف

می بخشد .

پرورشگاه مار

شش ماه قبل يك پرورشگاه مار بظرفیت در حدود هزار مار دریکی از شهرهای نزدیکی هانوی (مرکز ویتنام) تأسیس گردید . زهرمار به پیمانه وسیع در فارمکولوژی مورد استفاده قرار گرفته و در مارکیت بین المللی يك گرام آن ۴۰ الی ۵۰ دالری ارزش دارد . پرورشگاه مذکور می تواند بیشتر از شصت گرام زهر را جمع و تهیه نماید .

زهر مایع مار در طبابت فولکلوریک ویتنامی ها به پیمانه وسیع مورد استفاده قرار می گیرد و در نقاط کوهستانی و زمین های پایین شهابی آن مملکت زهر مارا را بحیث بهترین دوا جهت معالجه روماتیسم و پولی آرتریتیس بکار می برند . در سال ۱۹۸۰ تعداد ماران پرورشگاه مذکور طبق پلان مرتبه به پنج الی شش هزار ازدیاد خواهد یافت .

چگونه موسیقی جاز در جهان

معرفی گردید



بناسبت فستیوال موسیقی جاز نمونه‌ی موسیقی جاز را از درخت ساخته و به نمایش گذاشته اند

بعدها گیتار و چنگ رانیز با آن توام نمود . اتحاد شوروی خوب دوله نموده اکنون ایسـن اعضای کارگران هنری او علاوه بر موسیقی نوازان شامل درامه نویسان شاعران هنر متدان دیگر نیز بود موسیقی جاز اتحاد شوروی حتی در فلم هائیز راه پیدا کرد چنانچه در فلم سری فیلو (رفیق خوش طیب) چارلی چاپلین آمریکایی می نویسد که آمریکایی هائیز را در آدمیزاد در آن نقطه جهان به ودیعه سپرده است .

انسان های قدیم در مورد کائنات

چه نظر داشتند؟

مصریان قدیم سه هزار سال قبل در مورد فضا چنین نظر داشتند که آسمان بشـلـیک گنبد بر روی زمین قرار دارد و هر شام آفتاب را به قلب خود فرو می برد و تمام شب در داخل وجودش سفر کرده و فردا جدیداً متولد میگردد .

یونانی های قدیم عقیده داشتند که یک سیر آسمانی الی زمین را از آتش های که فاصله دور وجود دارد محافظت می کند، و قتبکه ستاره ها می درخشیدند آنها تصور می نمود که شعله های آتش از طرف سیراز سوراخهای سپرده می شود همچنان عقیده داشتند که سیارات بوسیله فرشته ها از یک جای دیگر متقل می شوند درینوقت زمین مرکز تمام اجرام سماوی تصور می شد . حتی در قرن سوم قبل از میلاد مسیح یکی از علمای یونانی بنام (ارستار چس) سیستمی را ارائه کرد که از آن فهمیده می شد زمین بدور آفتاب گردش میکند ولی نظریه اونسبت بعضی عوامل به اثبات نرسید تا اینکه در قرن ۱۶ میلادی یک انقلاب علمی بوجود آورد و ذهن انسانرا از توهم غلط فہمی وارهانید .

برای نخستین بار موسیقی جاز در سال ۱۹۱۲ در ماسکو بر گذارشد که برای باراول موسیقی جاز سیا هیوستان از ایالات متحد امریکا به مردم اتحاد شوروی معرفی گردید این نمایش در ستدیوم بزرگ خلق در ماسکو به نمایش گذاشته شد چنین به نظر می رسید که درپ های ستدیوم بروی علاقمندان باز بوده هیچ گونه ممانعت درموردخول وجود نداشت . این نخستین باری بود که درین زمان موسیقی کنسور های اروپای غربی و همچنان ایالات متحده امریکا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گردید موسیقی جاز در پروسه رشد و مراحل تکاملی خود راه های پرپیچ و خم و طولانی و تکامل رایکی بعد دیگری عصب گذاشته و در ابتدا باوقص های همچان آمیزنیز همراه بوده است که در فونل ها و رستورانها برگزار میگردد اما کسیم گورگی نویسنده ریالیست اتحاد جماهیر شوروی این گونه رقص و نمایش را فقط وقف هنر ویا موسیقی که برای اندوختن بول بود نام گذاشت .

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ابتدای قرن بیستم موسیقی جاز مورد بحث و گفتگو های زیاد قرار گرفته بود عده زیاد برآن بودند که نواختن جاز رامنع نموده و عده دیگر در نقطه خلاف آن قرار داشته و اصرار می نمودند که جاز هر چه بیشتر به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گردد د یکی از روز نامه ها در مورد چنین نگاشته بود :

جاز موسیقی خوب است که میتواند در تسکین آلام روحی مددگار باشد .

این ناسال های ۱۹۲۹ بود که موسیقی جاز تاحدودی به شهرتش افزوده و به حیث آرگستری عهده در اتحاد شوروی سوسیالیستی تلقی گردید .

لیونید اوتوی سوف میگوید که وی در یکی وازنواخی بحیره سیاه چشم به دنیا مشوده این شهر (اودیس) خیلی هادلیسپ و موسیقی آن خیلی گیرا بود وی میگوید : این امر با لا آخره موجب گردید که عشق و علاقمندی تام که به موسیقی درمن پیدا شده بود جزئی از اجزای بدنم گردد بنا بر همین عشق و علاقمندی بود که توانستم همراهی گروهی آواز خوانان یکجا سرود بغوانم این گروه در ابتدا یک گروه کومیک بود بعدها توانست محبوبیت بین مردم پیدا نموده تعداد زیادی را بدور خود بکشاند .

او میگوید که شهر اودیس مرکز علوم و فنون مختلف بوده نویسنده گان شاعران موسیقی نواز آن مختلف در آن جایش به جهان مشوده اند

در باره سودمندی هنر

زمان های باز پسین که بیشترجا نیدار
عمل بود ند دو یا فتنه که هنر با ابراز بیایی
تأثیر تربیتی و پرورشی بر روان و احساس
آدمی دارد .

اوستو فان در شعر (بقه ها) مظلوم لب
جالب زیادی در باره شعر بیان میکنند
به عقیده او شعر برای پررگسا لان چنان
است که تعلیم برای خود سالان وظیفه هنر
است «که مردم روی زمین را هو شیاء و ترو
بهرتر میسازد» سترا بون شعر را «بخشیتن
فلسفه» و یکی از وسایط عاقل ساختن
مردم می داند .

پلو تا و خ در اثر خویش به نام «در
باره پرورش جوانان» تقریباً همتان
نگنه را باز می گوید «به نظر اوفلسفه
ناب چیزی است که بدشواری فهمیده می
شود» گو یا «شرابی است بدون نوتا به
دیگر» و از آنرو لازم است که شعر را در
آن بر یزیم «طوری که باریختن
نوشا به دیگر در شرا پ ما چیزی بدست
می آوریم که هم سودمند ی اش را نیاخته
است و هم زبان آور نیست البتة ما
نمیخواهیم که شاخه شعر را بشکیم و بنا
بر آن نیا ید به فکر پا سدا وی آن شد
اها با ید در این زمینه اند کی اند یشین
فلسفی را با ید آموخت و با ید به یافتن
ودوست داشتن سود مند در مطبوع
عادت کرد .»

همچنان نظر هو را س کا ملاً معروف است
که می گفت : لذت بختی یا آموزش ، هدفی
است که شعر ا به سویی میروند یا هم
این و هم آن !

مفید یا مطبوع و پلو تاریخ نیز ایمن
نگنه را با ز گفته بود : «آنچه مطبوع است
مفید است .»

دو سده های میانه و دو دور دژنسانس
«شعر» رادانش نشاط بخش «می نامیدند
اما در دوره جدید هیکل و شیلر دو شاگرد
بر ازنده کانت هر چند از راه های
مختلف مگر به یک عقیده متوسل شدند
که هنر ابراز تربیت است . هیکل هنر را
یکی از سه مرز معنوی (مذهب ، هنر
و فلسفه) دانست که دو آن ایده د و شکل
احساسی آن شناخته می شود .

شیلر بر آن عقیده بود که هنر دارای
همان هدفی است که در طبیعت سراغ می
شود .

هنر با ید خوشی را عام سازد و خوشی
شبختی با د آورد و علاوه میکند که : «بدین
صورت هنر برای ما را د زند می اخلاقی
را با ز میکند» . سخن شیلر را ست است
مگر این یگانه را می نیست که هنر دو
برای انسان می کشاید !



هوسااعر برازنده که در تمام قرون و اعصار از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است.

آیا سودی از هنر متصور است ؟ اگر است
کدام ؟ در این نمیتوان شک داشت که هنر
مفید است . هر گاه مفید نبیود به وجود
نمی آمد .

مگر گاهی که هنر مضر است هم وجود
دارد . به سوا لیکه چه وقت هنر مفید
است و چه وقت مضر و سود و زیان هنر
دوچیسست زیلا یا سخی میدیم :

هنر چوامع نخستین تحت عوامل زیادی
به وجود آمد که در عین زمان آن عوامل
اهداف آن هنر بود . هنر ابتدا برای
مذهب ، اقتصاد ، جنگ و غرایز جنسی
پیدا شد و در خدمت همه این ابعاد زندگی
قرار می گرفت .

در زمانهای باستان در میان یونانیان
و رومیان قدیم گاهی که هنر به ارزشهای
گوناگون تقسیم شده بود بعضی اندیشمندان
آنرا ابراز پرورش اخلاق و بعضی و سبیل
مهرت (سفرات - افلاطون) میشمردند.
به سخن دیگر هنر را خدمت گزار نیکو
کاری و حقیقت میدانستند . مفاد عملی
انواع «نازل» یا (صنعتی) سطح سودمندی
تربیتی انواع «عالی» هنر را سر ، های
پیکر تراشی و غیره) را با لای برد . هنر
حقیقت و نیکو کاری را به نخواستن می
آموزد ، این تیوری تربیتی اثر «عالی» در
قدیم ، دو سده های میانه در عصر
انسانس رواج داشت .

پدینصورت هنر با ابراز دلپذیر خویشی
چیزی را می آموزد که بیرون مرز خودشی
است .

آیا این کار از هنر ساخته است ؟ بلی ،
مشابه دیگر ارزشهای همانند آن از هنر
هر چه ساخته است . ارزشهای مذکور
که خود هدف به نظر می آیند در عین
حال و سایل تحقق اهداف دیگر ی بیرون
مرز خود اند . استقلال آنها نسبی است زیرا
یک ارزش داوی چندین هدف میا شد .
ارزشها نه تنها از هم جدا می شوند
بلکه تا یل به یک پا دچی نیز دارند
هر یک به نحوی بر دیگری تاثیر مینماید
و یک هدف دیگری را رد نمی کند . این
ناهمگونی اهداف بدان معنی است که
هر یک ارزش نسبت بدانچه می با ید

نتایج بیشتری باری آورد و نیاز
مندی های و اثری را با سخی میگوید
و تنها «تعداد اهداف» و «تعداد مانی»
ارزشها استقلال آنها را نفی نمیکند .

میرویم بر سر نظر قدما در باره
مفید بودن هنر . در بالا گفتیم که عقیده
سقراط در باره مفید بودن هنر به چه
(خیر) و عقیده افلاطون به چه چیز
(حقیقت) و نظر پلوتین به چه (پیوستن
به وحدت) می انجا مد اند یشمند

هنر در جایی آغاز می یابد که سودمندی پایان میپذیرد» و هر چیز مفید همینکه مفید نیست به زیبایی تبدیل می شود، چون قفل ها، قفس های قرون وسطی، سوبل کهنه، ظروف، اسلحه و غیره .

روح انسانی زمانی میتواند به تماشای زیبایی بپردازد که تمام تصورات غیر زیبایی شناختی را در باره سودمندی آن به دور بیندازد .

در فرجام فیض مولف باجرات «زیبایی شناسی تجربی» بای ریزی تیوری زیبایی شناختی خود بر بنای احساسات ساده (که در عین حال هنر هم نهاد «سنتیز» شناخته میشود) دانش در باره زیبایی را چون بخشی از دانش عمومی درباره دلپذیری شناخت . نظرزدیکتر به این که توصیف تازه ای از هنر است (هر چند آنقدر تازه نیست!) عبارت است از شناختن هنر چون «بازی»، «تجمل» و «ضرورت به چیز های زاید» .

هنر درست است که «از احتیاج برخاسته است» اما نه احتیاج به چیز های زاید که «احتیاج به آنچه ضرور است» . هنرنیز چون حقیقت، حقوق و اخلاق نمیتواند وجود نداشته باشد . درست است که هنر «بازی» است . زیراحین آفرینش اثر هنری تخیل و شخصیت خود هنرمند سهم می شود منتی هنرمند و پذیرندگان اثر هنری تخیل و شخصیت خود هنرمند هیچکدام آنرا بازی تلقی نمیکند در هنر به قول شیلر که طرفدار تیوری «بازی زیبایی شناختی» است: «ما بازی زندگی خویش را اجرا میکنیم» .

(که وی بیشتر هنر دراماتیک را در نظر دارد)، هنر همچنان تجمل است، زیرا لذتی که از هنر دست میدهد خلعت مادی ندارد . این چیز لذت بخش اما از نوع دیگری است . اما چنان نوع دیگری که در واقع وجود دارد و آنرا بنابر «ارزش های ایدئال» تا حد قربانی های مافوق فردی میرساند .

پس هنر از مفید بودن دور است و اصلا آنجا که سودمندی تمام میشود آغاز نمیباشد هیچیک از پدیده های روانی ما ساده و مستقل نیست . تمام عکس العمل های فزیولوژیک و روانی انسان تا مرحله خاصی کلیه در هم پیچیده می میباشد . شخصیت انسان به بخش های مجزا و خاصی مانند : حسی، منطقی، اخلاقی، مذهبی و عملی و غیره تقسیم نشده است . شعور انسان واحد و تقسیم ناپذیر است . ناممکن است که علت (خارجی یا داخلی) که انگیزه کدام پدیده روانی شده است پنهان یا آشکارا عناصری از دیگر زمینه های روانی در خود نداشته باشد .

تأثر خالص روانی از شی آرزوی ناخودآگاه مالکیت آنرا نیز در بر دارد . و این آرزو آغازی برای عمل میباشد . آرزوی مذکور با کوشش توانا با فوکه نمیتواند تحقق یابد زیرا در آن صورت فوری تصور تحقق یافتن آن به میان می آید . کسی که از هکتور هومر به وجد می آید میخواهد مانند آن باشد . گوته در افکنی خویش می نویسد : «نگذار هر کسی تیر مان خویش را بر گزیند و رهسپار اولمب گردد» . آنکه از منظره کلودلور»

به وجد می آید از نظر فکری با آن متحد می شود «اتحاد سمبلیک شخص با اثری که ایجاد وجد کرده است» از لیس . فراعماق هروجندی نوعی علاقمندی روانی می تپد .

درست است که تأثیر مستقیم زیبایی هنری عبارت از تابع ساختن غرایز است . مگر برای کسیکه هنوز آماده نشده است شاید تولید اضطراب کند . چنانکه لوکیان (به صورت غیر جدی) درباره عشق داغی با مجسمه افروخت حکایت میکند .

برمی گردیم به نظریات سبنسر . مثلییکه خوب ساخته شده است در روند تکامل جامعه بیکاره می شود بنابر آن بیکارگی یعنی بی فایده گی خود به زیبایی تبدیل نمیشود . شی مذکور از آغاز زیا بود و برای آن ساخته شده بود که زیبا (و به همان اندازه مفید) باشد . و برعکس شی که بد ساخته شده

است با گذشت قرن ها نمیتواند زیبا شود . در موزیمها د ر کنار اشیاییکه تنها دارای ارزش هنری است (مجسمه ها و تابلو های نقاشی) اشیاییکه هم دارای ارزش هنری و هم دارای ارزش عملی است (اسلحه ، ظروف و غیره) و بالاخره اشیاییکه تنها از نگاه باستانشناسی و تاریخی مهم است مساند «پنجه دست» انسان ابتدایی، چمدن سازانیکه در جنگ مارفون شرکت داشتند ، جراب بند ناپلیون و غیره نیز گذاشته میشوند .

ژادشناسان تاکید میکنند که نیازمندی به آرایش تن در انسانها، بیشتر از تقاضای پوشیدن لباس ظهور یافته است . به پندار آنها انسان از روی ضرورت پیشه ور و از روی غریزه هنرمند می شود . (این عقیده درست نیست زیرا فعالیت زیبایی شناختی انسان پدیده اجتماعی است نه بیولوژیک) به سخن دیگر دانشمندان نواد شناس در مورد تابع



هرکلیس واتنی

تاریخی سودمندی و زیبایی عکس آنچه ر ا می گویند که سپهری گفته است . ژاد - شناسان تاکید میکنند که زیبا بیشتر از سودمند به وجود آمد اما این نظر اشتباه آمیز است . زیبایی و سودمندی در جامعه یا استفاده از نخستین ابزار کار توان به وجود می آید . بحث بر مساله سودمندی هنر از آن رو دشوار است که این اصطلاحات هم به معنای وسیع آن و هم به معنای محدود آن به کار برده می شود . مثلاً کاهیکه از سودمندی چیزی سخن میرانند سود عملی یا آموزشی آنرا در نظر میدارند . میگویند «هنر» گاه «شعر» و گاهی حتی از آن زیبایی طبیعت منظور شان است . بیشتر طرفداران بی فایده گی هنر در میان نقاشان شعرا یافته می شوند .

بناظر به پردازان منتقدین دوگم «هنر برای هنر» فقر تقریباً تمام قرن نوزده بوده است . طرفداران این دوگم تمام عناصر عقلی و اخلاقی را از قلمرو هنر طرد میکنند . هنرناب میخواهند ا عاری از هر آمیزشی ! این هنر دست و پا بسته سالونی ، هنر معنایی، هنر

اشرافی، هنر ذوق های ممتاز و هنر ضد اجتماع است . این قباح در زمان مانه تنها واقعبیت فرامی کند بلکه از عقل نیز می گریزد . هنر فرار، هنر آفتنا، بی مسؤولیت و بی هدف است و آن نه تنها «پسوده» بلکه زیانمند است . و آخرین حد تنزیل فورمالیزم (شکل گرایی) محسوب میشود .

هنر آنقدر هدف زیاد دارد و آنقدر با تمام جهات زندگی اجتماعی مربوط است که نمیتوان به مثابه صرف پیونده لیرو بدان نگریست . بر عکس هنر سودمند تر پس پدیده ای است که تمامیت اجتماعی را میبالت میکند و آنرا انکشاف می بخشد . اما برای آنکه هنر به مقاصد غیر زیبایی شناختی نایل گردد تنها حسن نیت بسنده نیست . هر بیس از همه باید به اهداف زیبایی شناختی خود برسد یعنی لذت هنری بار آورد و برای این منظور لازم است تا تمام عناصر آن با هم بیامیزد و به اثر هنری تبدیل گردد . اگر هنر نمیتواند به اهداف خویش نایل آید هرگز نخواهد توانست به کدام هدف دیگری نیز دست یابد .

لذت یابی از هنر خود نیازمندی بسزورگ اجتماعیست . جامعه هرگاه تنها مصروف کار های بسیار «عملی» و «مهم» عاری از لطیف، تنها برای تسکین غرایز، بقای نفس و ادامه زندگی است نمیتواند تا دیری بپاید . جامعه محتاج نشاط و لیازمند اید یالهاست . واضح است که رفع شدن نیازمندی های واقعی لذتی همراه دارد اما این لذت حسی است و لذتی که هنر می بخشد روانی و هیجالی است . با سروکار داشتن با تخیلات، عقل و دل هر شکل نوعی «بازی» را دارد که تابع نظم و ترکیب معینی است .

هنر زاده هوس ایجاد کاری فردی نیست . هنر لمر فعالیت اجتماعی است و طوری که گفتیم دارای قاعده های مافوق فردی میباشد . و تئیکه از تبعیت هنراز «نظم و ترکیب» سخن میروند همین قاعده های مافوق فردی در نظر میباشد . نظریه عقیده ک . بوگله هنرمند اختراع نمی نماید بلکه کشف میکند .

ناتمام



مرچینکا (در نقش وی-وی-وای ستائینین)

تکان میدهد. تشکر، دوست عزیز تشکر! اجازه بده که بخاطر این روزگرمی، ساگروها، ترا به آغوش بگشیم! (هر دو بغل کشی میکنند.) من راستی راستی بسیار خوش هستم تشکر از کار هساو تلاشهای خستگی ناپذیر! تشکر دوست من اگر من کدام کار با ارزش در این بانک انجام داده باشم، همه از اقر تلاشهای خستگی ناپذیر شما همکاران است. (آهی از دل بیرون میکشد.) بلی، پیرمرد. پانزده سال! پانزده سال! همینطور باور دارم مثلیکه نامشیبوچین است! (با اشتیاق بیش از اندازه) گزاش جطور شد؟ کارش نزدیک به خلاصی است؟

کرین: بلی فقط پنج صفت دیگه.

شیبوچین عالی. خیر تا ساعت سه تیار خواهد شد؟ کرین: اگر کسی مرا حتم نشود. فقط چند لحظه باد تمام میشود.

شیبوچین: بسیار عالی! کاملاً عالی! همینطور یقین دارم مثلیکه نامشیبوچین است. جلسه عمومی ساعت ۴ شروع میشود برای اینکه کار و زودتر انجام شود، بهتر است که نصف آنرا بدی که بخوانم تا خوب به محتوی آن وارد شوم. بیا بده (نصف گزارش را میگیرد.) من تمام امیدم وابه این گزارش بسته ام.

این گزارش برایم به منزله معجزه اهمیت دارد. با آن میتوانم نمایش آتش بازی ترتیب کرده و چشم همه را خیره سازم آتش بازی! همینطور باور دارم مثلیکه نامشیبوچین است. (میشیند وزیر لپ گزارش را میخواند.) چند خسته شده ام! دیشب باز مرضی نفرص به بند. بندتم هجوم آورد و تمام روز را هم ایسو و آنسو دویدم تا

کارها دوبه راه شود و حالا هم فضایی پر از هیجان، چکچک... من بسیار خسته هستم!

کرین: (مینو یسد.) دو... صفر... صفر... سه... نه... دو... صفر

لعنت خدا به ای کار و بار. (با تقوتوق، جوت را به صدا میاورد.) شیطان ببرش! (مینو یسد.)

یک... دو... سه... هفت... دو... یک... صفر... او وعده کرده که برایم بخشش بده. اگر وضع همیتو پیش بره و او بتواند همه ره فریب بده، میخایه که به مه یک ساعت قاب طلا و سه صد روبل بخشش بده. خات دیدیم!

(مینو یسد.) ولی اگر کارها نادرست بود با زانو و خت نه توره گرفت و نه مره داد ده او صورت عصبی خات شدم و ده او وخت کسی از مه گله می نکنه...

صدای فریاد و چکچک از پشت صحنه میشود. صدای شیبوچین شنیده میشود که میگوید: «تشکر! تشکر! بسیار مهوون هستم! شیبوچین وارد میشود. او لباس فرآک به تن دارد و تیکتایی سبید به گردن بسته است والیو می و زیر بغل دارد که به وی همین چند لحظه پیش هدیه کرده اند.

شیبوچین (در دهن دوازه ایستاده است و برای همکارانش نطق مینماید.) همکاران عزیز، من این تحفه شما را به حیث یادگار شادترین روزهای زندگیم، تا آخر عمر نگه خواهم داشت! بلی، راستی اقایان!

یک بار دیگر از شما تشکر میکنم! با سر انگشتانش به سوی آنان بوسه

می میرستند و به طرف میز کرین میرود (دوست عزیز، نزد یگتر یسن کسانم!

تمام مدتی که او روی صحنه است کاتبی میاید و کاغذها را برای امضا کردن میاورد.

کرین: (از چایش برمیخیزد.) صایب! اجازه بتم که پانزده امین ساگرو با نکه به شما تبریک عرض کرده و امید نمایم که...

شیبوچین: (با حراوت دستهایش را

نوشته: چخوف

ترجمه: صدیق رهپو

سال روز

کمیدی در یک پرده

با زیگران:

ادری شیبوچین: رئیس بانک قرصن... آدمیست نه چندان پیر و همیشه عینک بک چشم میبوسد.

تاتیانا: زن رئیس بانک که ۲۵ سال دارد.

کرین: ما مور سابقه دار بانک.

خانم مرچو تکیا: زن حسن که با لایوش مدتی به تن دارد.

سهمداران بانک.

کارمندان بانک.

حاذله در خود با نك قرضه... و خیمهد

بدون يك پلك خوا آنچه ده دفتر هم و ده خانه هم پشت هم کار میکنم. (سر به کلماتش را قطع میکند.) ای مصیبت دیگه ره بی که تب هم ده چاتم افتاده و کاره بتر می سازه تمام ترم میلرزه، جانم کوره آهنگری واره داغ اس، سرفه دان ده دانه نم نیمه نه، زانویم میلرزه ده برابر چشمایم علامه تعجبیه بالا و پایین میشه! (میشیند.) ای رئیس مسخره ام میخایه تا به جلسه شرکار و اپود بته با دی به گلو می اندازد و میگوید که، «آینده هستی بانک... چه مسخره ادبی! (شروع به نوشتن میکند) ... یک... یک... شش... صفر... هفت... میشود شش... صفر... یک... شش... او میخایه ده چشم همه خاک بزنه. به همی خاطر مه با دید تمام عمره مثل پرده کار کنم. اوهر تا ن بگویم! (به طرف میز می رود.) از ای کار ذله شدیم! چار روز میشه که بشینم و شب و روز آنرا در دست گنم

پرده که بالا میرود، اتاق رئیس بانک پدیدار میشود. دروازه طرف چپ، به دفتر عمومی بانک باز میشود. در اتاق دو میز تحریر گذاشته شده است. دفتر کار رئیس طوری با کوچ و چو کی مخملی آتشی، گلدان، ها، پیگه ها، قالین ها و تلفون تزئین یافته است که از آن شکوه میبارد. چاست است.

کرین به دفتر کارش تنها نشسته است و کفشهای گشاده به پا دارد.

کرین: (در حالیکه گله اشرا از کلکینچه بهلویش خا رج مینماید، فریاد میزند) کسی ره به دوا خانه روان کنین که یک پانزده کوپکه دوا اعصاب آورده وکتی

خود یک پیاله آب هم به اتاق رئیس صاحب بیاره! نعلیم که چند دفعه برای تا ن بگویم! (به طرف میز می رود.) از ای کار ذله شدیم! چار روز میشه که بشینم و شب و روز آنرا در دست گنم



از راست به چپ: شیبوچین (در نقش وی-وی-وای ستائینین) مرچینکا (در نقش وی-وی-وای ستائینین)

زویوا



صحنه پایان فلم «سالروز»

تن و یکسی دستی سفری به شا نه دارد،
وارد میشود.

شیپو چین : ها! خرس را یاد کن!
تا تیان: عزیزم! (به سوی شوهرش
میدود و یک بوسه دراز از وی میگیرد.)
شیپو چین : همین حالا در پاره تو گپ
میز دیم . فقط همین دقیقه ! (به سا عش
نگاه میکند.)

تا تیا نا : (در حالیکه نفس نفس میزند.)
پنستم دق شده بودی ؟ خوب هستی ؟ از
ایستگاه بدون تو ف به اینجا آمدم . حتی
به خانه نرفتم . بسیار گفتنیها برایت دارم

اینقدر زیاد که طاقتم نیامد زیاد تر صبر
کنم . بالا پوشم و یکش . من فقط یک
دقیقه اینجا هستم و پس . (رویش را به
سوی کرین مینماید.) چاشت تان بغیر
! (به طرف شوهرش.) خانه از طرف
خبریت است ؟

شیپو چین بلی عزیزم دریک هفته گوستی
ترو زیبا تر شدی ... از سفر لذت بردی؟

تا تیا نا



کرین (دپرتس وی-وی-او- توپوگوف)

خود را شیرین بسازد . تو عجب آدمی
هستی ! من در خانه ادم معمولی هستم و
تسلیم هوی و هوس خشن . ولی در اینجا
همه چیز باید با نزاکت و ادب اجرا شود. اینجا
با نك است ، بانك ! از همه چیز اینجا باید
نشان و شکوه بیارد . (توتو کاغذی را بر
میدارد و آن را در بخاری دیواری می‌اندازد.)
بزرگترین خدمت من این است که شهرت
با نك را بالا برده ام ! او ، نا مش از همه
چیز مهم هست ! تشنیدی که نامم بکش و به
غندی بشین ! شهرت . همنطور یقین دارم
مثلیکه نام شیپو چین است . (کرین
با لاو پا بین میگرده.)

پیر مرد ، چندین بار برایت گفتیم که
ممکن همین حالا سر و کله سبهداران پیدا
شودو تو هنوز همان کفشهای گشاد به
پا داری و این دستمال کهنه و فرسوده او
به دور گردنت ! بین ، رنگ جاکت به
کلی از بین رفته است . با ید یک
دست لباس فراک یا کم از کم یکدور یشر
سیاه به تن میپوشی .

کرین : چا تجوری برای مه مهمتر اؤ تمام
سبهداران است . می بینی که تب تمام
چا نهم بیدواری می لرزانه ...

شیپو چین : ولی ایشرا قبول کن گسه
سرا پا یت از دیدن نیست . تو خوشنمایی
بانك را که برای آن اینقدر کار شده است
از بین میری .

کرین : وقتیکه ای سبهداران آمدند ،
مه خوده پت میکنم . ای کار چنجال نهی
خاید ... هفت ... یک ... یک ... هفت

... دو ... یک ... پنج ... صفر ... خوش
ندارم دیگر ای کلمه بد نماره به زبان بیاری
عفت ... دو ... نه ... (باز ترق تروق دانه
های جوت را بلند میکند.) بهتر میبود که ده
میپمانی شو ز نهاره نمیخاستی .
شیپو چین : چشایات نگو .

کرین : مهمی فامم که امشو تو بری ای

نشان دادنت ها که ره از آنا ن بر خات
کدی . بهتر بود که ده ای باره فکر میکردی

اوناتمام چیزه خراب خات کندن ز نه
کاری دیگه نمیکنن جزای که مشکلات خلق
نمایند .

شیپو چین : بس کن دیگر . زنان جز حتمی
مخل اند .

کرین : راست میگی ؟ ممکن زن شما
از کدام جنس خوب است ، ولی دو شبیه
گذاشته کاری کرده که برای دو روز هوی
بر تنم را س استاد شده بود . یک دفعه
و بدون مقدمه از مه و او هم پیش همه
میرسه که «واسنی اس که شوهرم برای
با نك اسبام جتی و پتی ره که نرخ انها
در با زار اسبام لحظه به لحظه با ین میاید ،
خریده اس ؟ او بسیار پریشان به نظر
میاید .» پیش اد مپای بیگانه ای گپ
از زدن اسس ! مه نمیفامم که شما جرابه
اینا باور میکنن . میخایین که شماره به
زندان بیندازن؟

... ازای ار قام چنان به نظی میاید که
همه چیز کل و گلزار است . سه ... یک
... شش ... چار ... یک ... پنج ... (با
ترق تروق دوی چوت کار میکند.)

شیپوچین : خبر بدبرایت دارم امروز صبح
بازنت آمده بود و از توشکایت میکرد . گفت
که تودیشبوی و خیاشانه اترا میخواستی باکارد
نان بری بزنی . کرین ، این چه قسم
رفتار است که تو میکنی ؟ راستی شرم
نیست !

کرین : سایب اجازه میتن که به خاطر
همی سا لروز از شما خوا هستی بکنم .
مهر با نی کرده به امور خانوادگی ما
داخلت نکنن . به لحاظ آمین کار طاقت فرسایی
که برای شما میکنم شیپوچین (آه) میکنش
هسی ولی بازنان چنان رفتار میکنی کرین تو آدم
خوبی هستی مثل اینک
... سرود و کهنه فکر باشی . نمی
فهم تو چرا از آنا ن اینقدر نفرت داری؟

کرین : و مه نمیه ام که چرا شما ایقه
از او نا یتیبانی کرده و دوست شما
دارین ؟

شیپو چین : کار متدان دیگر به من به
نا ز می یک الیوم یاد کاری هدیه کرده
اند و میدانم که سبهداران میخواستند
برایم خطابه یی ایراد نموده و یک صراحی
نقره یی بخشش بدهند . (در حالیکه با عینک
یک چشمش بازی میکند.) این کار بسیار
عالی است . همنطور یقین دارم مثلیکه نام
شیپو چین است . به یقین کار بدی نخواهد
شد . راستی اگر با نك میخواستند شهرت

پیدا نمایند باید کمی خرج و برچ کنند
خوب به هر ترتیب ، آنقدر مهم نیست . تو
آدمی هستی که میتوان به آن اعتماد کرد و
تو خودت همه چیز را میفهمی .

متن این سخنرانی را خودم نوشته ام و
صراحی نقره یی را هم بنده خریده ام و
همچنان پوش چرمی را برای نطق یا دشده
خریده ام . با آنکه اگر پوش چرمی را
برای متن سخنرانی نمیخریدم ، ۴۵ رو بیل
فایده میکردم ، ولی بلا به پیش . خود نشان
در اینمورد هیچ فکر نمیکنند ، که اینقدر پول
از کجا میشود . (به اطرافش نظر می
اندازد.) چه جای خوبی است اینجا ! او؟
آنان عقیده دارند که من به همه چیز توجه
و دقت کافی میکنم . در حالیکه تمام نلاش
من اینست که در و دروازه ها خوب جل
وبل بزند ، کار متدان نکتنای های پارک
به گردن بزنند ، و نگهبان شیک پوش به
دوران دروازه ایستاده شود . ولی ، نس
آقا ، دروازه های جل و بلی و نگهبان شیک
پوش چیزهای پیش پا افتاده و بی اهمیت
نست . من سعی میکنم اینجا مثل خانه ام
رفتار کنم ، مانند یک خوک بخورم ، و تا بینی
نان بخورم و تا لحظه بکه سراز پا نشناسم
شراب بنوشم ...
کرین : لطفا خود به اصطلاح ده دل ما
شیرین نگو .
شیپو چین : کی بیکار است که در دلتو

رمز سخنگویی حیوانات و پرنده ها



صحنه از زندگی حیوانات و پرنده ها در جنگل

قسمیکه دیده میشود در اوقات زمستان در جنگلات سکوت حکم فرما میباشد همینکه برف روبه اتمام میرود در جنگل سکوت برهم زده میشود، صدای قیل و قال پرنده ها بلند شده و تقسیم مناطق بین آنها صورت میگیرد. همینکه کدام پرنده قسمتی را تصاحب کرد به دیگر هم قطار آن خود توسط نغمه ها خبرداری میدهد تا از ورود در ملکیت او بپرهیزند.

با اینکه پرنده های نر و ماده دارای اعضای صوتیه مطلق مشابه میباشد طوری که دیده شده بطور عموم پرنده های نر نغمه سرایی میکنند اگر چه صداهای آن به عین ترتیب یکی پی دیگر حلین انداز میشوند هدف از (تصنیف های عاشقانه) او این است: (من مجردم و در اوج نیروی خود میباشم دارای آشیانه هستم) این صداها را بعضی پرنده ها (۲۳۴۰) مرتبه و بعضی ها تا (۳۳۷۷) مرتبه در یکروز تکرار مینمایند.

بناستین این نغمه ها و (تصنیف های عاشقانه) پرنده های ماده که نظر به پرنده های نر کمی پسانتر به جنگل رومی آورند نیز به جستجوی جوهره خود آغاز میکنند تا اینکه با کدام یک تشکیل خانواده بدهند.

پرنده های که باهمدیگر عقد (نکاح) بستند دیگر به نغمه سرایی چندان جدو جهد به خرج نمیدهند.

مصونیت سرحدات:

ساحاتی را به صورت عموم جانوران در ملکیت خود داخل مینمایند از لحاظ مساحت داوای

میمون هانی با صداهای دلغراش و نا هنجار خود دیگران را باخبر می سازند تا در قلمرو آنها تجاوز نکنند یا بطور مثال جانوانی که در تندر زندگی میکنند همینکه در فاصله کمی دور کدام جانور دیگر را دیدند یکی پی دیگری می ایستند و اگر جانب مقابل به صف بندی آنها اعتنا نکند از خود صداهای خطرناک بیرون میکنند درحشرات همچنین این قانون مروج بوده و نفوذ در ساحه ملکیت به پروست شدید روپرو میشود در چرچرک هاین عکس العمل هابه اشکال



پرنده های که باهمدیگر عقد (نکاح) بستند دیگر نغمه سرایی نمی کنند

صدای شدید اللحن ظاهر میشود بدون اینکه تصادفات خواه درآب، درخشد بوفوع پیوند با اجرای مراسم خاصی محدود میشود. جانوران درین قسمت از تسلسل آواز و صداهای معین کار گرفته و در هر يك از مراحل صداهای عجیب که حالت معین را منعکس مینماید از خود بیرون می آورند. اول صداهای اختلاطیه را می کشند بعد به حمله آمادگی میگیرند. حتی وقتی که حمله حتمی باشد به جانب مقابل موقع داده میشود تا در همین لحظه تصمیم خود را عوض نماید و حالات را متشنج نماید.

اگر گذشته از اقدامات و تصامیم جنگ و جدال باز هم آغاز گردد طبق معمول بسیار کوتاه میباشد و دیر دوام نمیکند. جانوران چه بزرگ و چه کوچک باشند بعد از حمله اولی از فرار پر هیز میکنند و بعد از یکنه فرار حتمی میشود تعقیب آن از طرف حریف شکل نمایی را بغود میگیرد. در اثر تحقیقات متورود قانون مندی جالب کشف گردیده است. به هر اندازه که دعوا و جنگال بین جانوران صورت بگیرد بدون نیروی جسمانی همیشه مالک منطقه پیروز میگردد زیرا حق اولیت تصاحب ساحه به مالک آنجا بر تریب روانی می بفتشد.

به این ترتیب یکی از پرنده شناسان معروف

درین جایک تفاوت جزئی نیز بنظر میرسد که مجاورین به او کمک می رسانند. مشاهدات و تجاربی که در مجمع الجزایر یا مال در بحیره کار سک انجام یافته عملیه فوق را به اثبات رسانید.

پرنده های که درین قسمت زندگی می کردند دیده شده که چندین بار به همسایه خود غرض از بین بردن و یادآور راندن دشمن کمک کرده اند. درین ضمن از پرنده های که بنام دم چنباک مسمی میباشد میتوان یاد آوری نمود. دیده شده که سه پرنده نر همیشه به یکدیگر کمک میکردند بدون در نظر داشت اینکه در محوطه



ناله های راکه جانورن غرض محافظه و چوچه خود به خرج میدهند توجه همه را به خود جلب می کنند

کدام برنده میمان ناخوانده نفوذ کرده است هر نوبت دشمن را به شکل مشترک دور می رانند. برنده ها همیشه به عین ترتیب در مقابل نزدیکان خود متجاوز نمیانند. همینکه زندگی در راه اختتام میشود برنده نسبتا میمان تر را و در مقابل دیگران نسبتا پرحوصله میشود. زمانی که بالای برنده های که به نام کله سر خک باد میشود اجرا گردیده به انبساط رسیده است که چپل و دو قیصه و دوخت خود را برای محافظه ملکیت خود به صرف می رسانند تا اینکه آبیانه بسازند بعد از عملیات متجاوز گرانه آنها به مراتب گاسته میشود. در مناسبات بین برنده های دیگر نیز از عین قانونمندی بیروی میشود و منافضات منطوقی اغلبا وقتی اتفاق می افتد که هنوز آبیانه ها ساخته نباشند.

کسب اطلاع از وقوع خطر ات: اغلبا دیده شده است که منافضات فامیلی در جانوران بطور غیر مترقبه وقتی قطع میشود که دشمن مشترک در ملکیت آنها رخته کند. آنها را که چند دقیقه قبل با هم جنگ و جدال میکردند منافضات را یکسو گنجانسته و دشمن مشترک را عقب می رانند.

قبل از وقوع احتمالی خطر صداهای مخصوص خطر را میکنند. اغلبا این صداها توسط جانوران متعدد کشیده میشود و هر کدام طوری آنرا اجرا می کنند که برایش آسانتر باشند این صداها مخصوصا در حالاتی شدید میباشد که دشمن عزم تخریب آبیانه را داشته باشد.

صحنه های از زندگی در جنگل

که صدای يك برنده و یا جانور تو سدا جا توران و برنده های مجاور به عین معنی نفق می شود. به این ترتیب بطور مثال اگر حیوانات سم دار افریقای که در فافله های مضلف با هم جمع میباشند اگر یکی از حیوانات خود صدای خطر کشند همه الا و نه از خطر فرار میکنند میمون ها نیز به عین ترتیب عمل میکنند و از نزدیک شدن دشمن مطلع میشوند.

زاغ ها همیشه در چند متری خود انسان را دید صدا های «فافا» میکنند. همینکه زاغ های دیگر صدا را شنیدند همه پرواز میکنند. برنده ها نه تنها هم نوغان خود را از نزدیک شدن خطر مطلع می سازند بلکه از شنیدن صدا های آنها جا تو ران دیگر نیز احساس خطر میکنند. همینکه صیاد به جنگل داخل شود زاغچه ها صدا میکشند و با شنیدن این صدا ها آهو و غیره جانسوران از ورود صیاد به جنگل مطلع میشوند. برنده ها دارای يك نوع صدای مخصوص دیگر میباشد که در موقع بسیار حساس از آن استفاده میکنند این صدا های کوتاه و مسلسل به همه پرندگان از احتما ل خطر بسیار جدی اطلاع میدهد. یکی از پرندگان قیسو ران علوم یو لوژی بنام ایلیچوف صدا های خطر پانزده نوع برنده ها را تحلیل نمود و در نتیجه به اثبات رسانید که «شیمای تلفظ» آنها با هم شباهت تقریبا تام دارد به این ترتیب جانوران از خود در مقابل خطرات احتمالی دفاع مینمایند.

پشک، گنجشک های زنبور خورتیز صدا میکشند. در کشیدن این نوع صدا غرض تر سایندن دشمنان دارا کوپ نیز ماهر میباشد. ناله های راکه جانورن غرض محافظه تخم نوزادان خود به خرج میدهند توجه همه را به خود جلب میکنند بطور مثال زاغچه ها با صدا های بلند در مقابل دشمن از خود دفاع میکنند. اگر نوزاد کوچک دشمن را ببیند به هیاهو می پردازد و والدین آن به بسیار سرعت خود را به محل حادثه می رسانند درنده را مورد حمله قرار میدهند و صداهای بلند جنگل را فرا می گیرند.

خرگوش ها که بزدل و ترسو بشمار میروند در حقیقت چندان تر سولست هم نیستند صدای چوچه خود را شنیدند به کمک آن مشتقا بند. وقتی که مردم جو چه خرگوش را اذیت کنند خرگوش از آنها دور تر فرار را اذیت کنند خرگوش از آنها دور تر فرار نمی کند حتی بعضی اوقات ناله می ریزد تا توجه مردم را به خود جلب کند و آنها را هر چه دور تر از چوچه های خود ببرد. خرگوش با لای پرنده های لاشخور بسیار شباهت به حمل می پردازد. روباه ها نیز از چوچه های خود بسیار دلیرانه دفاع میکنند مثلا اگر در نزدیک غار روباه سگ بخواهد چوچه های او را اذیت کند روباه دورتر فرار نمی کند و اگر سگ او را دنبال نماید بعد از چند لحظه دوباره خود را در حوالی غار خود می رساند. مشاهدات در قسمت گردان جا توران منحصو صا در حالات بحرانی نشان میدهند



صحنه از زندگی پرنده های جنگل



خاطراتی از زندان پلچرخی

کردند که بطور مردم هستند با تمام قوا از سرف و ناموس سازمان و رفقا دفاع کردم که این خود مایه خشم آنها و شکنجه دادن ما می شد. چه خوشی است که دشمن از شکنجه دادن خسته شود و نتواند چیزی بدست آورد و با چهره عبوس و غمناک عرق های خود را پاک کند.

بالاخره نوبت برق دادن رسید. برق را در باها و دستپایم بسته کردند. از شدت درد فریادم برآمد بایک روحایی چرک و خون آلود دهانم را بسته کردند و بعد از دو شب شکنجه روانه زندان پلچرخی کردند.

ناگفته نماند که آنها مرا به بهانه بخشش نامه دستگیر نموده بودند و البته مادر بخششنامه دست داسیم مگر بکلی از آن منکر ندیدیم بخاطر یک بخشش آن از راه حزب و سازمان بود و ما باید انکار میکردیم. صالحه روستا در مورد خاطرات پلچرخی چنین اظهار عقیده میکند:

خاطرات در داخل زندان نزد اسخاص فرق میکند، خاطره یک زندانی که به ناحق زندانی شده، خاطره یک زندانی متعهد، خاطره خورد سالان که بی موجب در سلولهای زندان میولیند. اما اندیشه من همیشه به حزب رفقایم، فامیلم و مخصوصاً فرزند دوتیم ساله ام که در همان روزهای که هنوز بزندان نرفته بودم



فامیل خودم و شوهرم از راه و عقیده من و شوهرم اطلاع داشتند و قبول کرده بودند راهی را که مادر پیش گرفته ایم انجامش پیروزیست و یا مرگ

دار و دسته و باند امین در پهلوی سایر جنایات و خیانت های بیشتر حتی حقوق و احترام بزن را نیز لگدمال کردند اعمال ضد انسانی آنها نه تنها خلاف کلتور و عنعنات ملی خلق افغانستان بود بلکه این دوره در حبان در شما دوویاسه دوره ظلم تاریخ بحساب می رود.

باند امین به نصف های شب بخانه حامله می بردند و بهانه های گوناگون دختران و زنان مردم را راهی شکنجه ماه ها و زندان های ساختند. جهت معلومات و آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز مجله زندون مصاحبه ای بسایک زن جوان و یک دختر جوان که مدت چندماه در دژ خوشنک باند امین زندانی بوده اند داریم که اینسک از نظر شما میگذرد:

این دو جوان با وجود اینکه سر حال و تاد صحت می کردند اما آثار خستگی و کسالت از چهره هایشان هویدا بود وقتی از آنها خواستم تا در مورد خاطرات خویش از زندان پلچرخی برای ما حکایت کنند. ابتدا صالحه روستا شروع به صحبت نموده و در جواب این سوال که روی کدام جرم شما را بزندان انداختند گفت:

علت واضح بود به جرم عشق بوطن، آتش در جان دشمنان ما زبانه می کشید و در صدد بهانه بودند که ما را توقیف کنند و در شرایط بسیار بد مخصوصاً بعد از کودتای فرزند و فا دار (سیا) در داخل حزب تلاش تمام رفقا در این بود که سازمان و به صورت کل حزب را زنده

شده بود از همین سبب زندانی شدن مرا از وی پنهان کرده بودند و برایش گفته بودند که صالحه مخفی شده است و عکس العمل فامیل شوهرم درست بمنابه يك برخورد بايك عضو فامیلی که متهم داشت با حزب و وطنش پیمان بسته است که تا آخرین لحظه حیات در سنگر حزب است برخورد می‌شد با تمام قدرت بخاطر آسایش و آرامی من در داخل زندان می‌گوشیدند و بخصوص که از ناحیه کودک خود به تشویش بودم، آنها در حالت های گوناگون از وی عکس می‌گرفتند در بین قطعی ها برایم می‌فرستادند.

خوب صالحه جان هنگامیکه خبر آزادیتان را شنیدند چه احساسی برایتان دست داد؟ من در لحظه ای که خوشی سراپایم را فرا گرفته بود یکبار بفکر زندگی حزبی قبل از زندانی شدنم، بعد زندگی داخل زندان و تمام خاطره ها از پیش چشمم مانند پرده سینمایی گذشت و اگر شما آقای خبرنگار از کام امن نجات پیدا نمی‌کردید و مانند هزاران هموطن دیگر زندانی می‌شدید و در همان وقت احساس يك رنج را خوبتر درک می‌کردید و احساس مراد همان لحظه رهایی میدانیستید.

فعلا چه پیامی برای زنان و دختران کشور دارید؟ پیام من این است که دوشادوش دیگر خواران و برادران خودمانند يك موجود فعال در تحت و همنامی حزب با تمام فواید آزادی و سربلندی این کشور پیچیده که سالها رنج و زحمت خود داده نگوشند.

بعد از شنیدن سخنان صالحه روستا که خالی از دلچسپی نبود دختر جوان که سیمین نام دارد و محصل آکادمی تربیت معلم میباشد بنام تخریب کار از آکادمی منعست گردیده بود و زندان افتیده بود رسته سخن را بدست می‌گیرد.

هر روز دو زندان باخاطره سپری میشد مگر متأسفانه که قلم و کاغذ بدسترس نداشتیم تا همه را یادداشت می‌گرفتم خاطراتی که شکنجه های روحی آن خواب را از چشمان ما دور کرده بود مثلا یکس از آن خاطره ها در شب وقتی که تاریکی و سکوت مرگبار فضای زندان را فرا میگرفت ساعت يك یاد و شب صدای دریش تنگیان زندان سکوت را درهم میشکست و موثر داخل زندان می‌شد چندین جوان و پیر بیگناه در حالیکه دست هایشان به پشت سرشان بسته میبود آنها رابه موثر بالای کردند و موثر دوباره از زندان خارج میشد و فراموش نشود که باید بگویم اتاق مادر بلاک اول یعنی بلاکی که فرماندان زندان در آن بود موقعیت داشت و اماز داخل اتاق با استفاده از يك جوی آهني که در اتاق داشتیم حاد کات بیرون را تاجانیکه امکان داشت می‌دیدیم و جوی را زیر پنجره فرار می‌دادیم و بالای آن ایستادی شدیم، بلی شبهای بیشمار موثر ها را که مردم بیگناه ما را از زندان بیرون می‌برد تعقیب می‌کردیم و وقتی که موثر به سرک کابل میرسید سمت حرکت آن

مخالف به سرک کابل تغییر می‌کرد و مقابل فوای چهار زوهار که کشتار گاه ساخته بودند بنام بلیگون ایستاده می‌شد و بارسیدن موثر چراغ بلندگون روشن میشد و بعد از چند دقیقه صدای گلوله شنیده می‌شد و شعله های سرخ آن به هوای تاریک نمایان می‌شد و دوباره از چوکی پائین آمده و به بستر خواب به فکر می‌رفتیم، به فکر کودکانیکه پدران خود را از دست میدادند و مادر ای که دلندهای خود را از دست میدادند و مجردیکه صدای پای به هملز می‌شنیدیم از تفکر خود دوباره به بستر می‌نشستم که حالا دروازه زده می‌شود و ما را هم به کشتن

نهایی سمستر دوم نامانده بود و بعد هر چه به جستجوی کار شدم موفق نشدم و کسی برایم کار نداد تا اینکه در یکی از شب های ماه جوزا در خانه که زمین و خواهرم کسی دیگر نبوده هممان بودند، و ساعت دوی شب بود که دروازه با بسیار شدت کوبیده شد و وقتی که دروازه حویلی را باز نمودیم اشخاص موظف مانند گرگ های گرسنه و مجرب با ماشیندار بدون اجازه به حویلی داخل شدند و چهار طرف حویلی را محاصره نمودند و چند تن از آنها داخل خانه شدند بعد از تلاشی نمودن تمام خانه ها و حویلی



سیمین:

متأسفانه قلم و کاغذ نداشتیم تا تمام جریانات را یادداشت می‌کردم.

از من خواستند تا خانه را ترک گفته بایشان یکجا بروم چون از همان اول الی وقت دستگیری برای خدمت بوطن از هیچ چیز نمی‌ترسیدم و بیوقوف نیز هراسی بخود راه ندادم، با خواهرم خدا حافظی نمودم مگر اواز آنها با گریه می‌خواست که بگذارند مادرم را بیستم و بعد بروی اتاق افتاد و مرا بهمان حال و تنها رها کرده همراهی آنها، به طرف موثر رفتیم و دیدم سه موثر برای بردن من آمده دست دموثر وسط نشستیم، موثر حرکت کرد، چون شب تاریک بود نفهمیدم کجا

می‌رویم بعد از موثر پیاده شدم و بیک اتاق رفتیم که در آنجا شخصی پشت میز به چوکی خوابیده بود بمن گفت تو سیمین هستی؟ گفتیم بلی و گفت ما برای خودت کار میدهم (معلمی) من خنده تمسخر آمیز زدم و گفتم شما بسیار لطف دارید و من از شما تشکر میکنم که درین وقت شب بفکر بی کاری من شده اید، از آنجا مرا به اتاق دیگر که اتاق سنگنج بود بردند چهار طرف اتاق مردمانسته بودند مرا گفتند بنشین چشم من بیک جای خالی افتاد و براه افتادم که بنشینم مگر فریادی مرا متوقف کرد که به زمین بنشین بعد شکنجه با تهدید، بوهین، مشت و لگدم برای برق شروع شد و وقتی که سنگنج بیایان رسید، روشنی صبح تازه همه جا دمیده بود مرا به اتاق دیگر فرستادند و در آنجا با یک تعداد دیگر دختران و وطنپرست روپرو شدم که همه خسته و مانده از اتاق سنگنج آمده بودند آنها گفتند که اینجا اسکا ست بعد از آن در فکر خانه و خواهر تنهایی افتادم و چهار شب بسیمین ترتیب سپری شد و بعد به پنج روزی فرستاده شدیم البته يك کاروان بسته بودیم که از پنج الی شش موثر تشکیل میشد موثر ها پراز مردان مبارز و وطنپرست بود و تنها معاون اسکا (نواب) با موثر خود ما را همراهی تا نقریبا یکماه فامیل از من هیچ اطلاعی در دست نداشتند هر چند ایشان روزها ناشام همه روزه به دفاتر دولتی جهت مطلع شدن از چگونگی مجرم بودن و محکومیت ام مراجعه نموده بودند اما تا این مدت هیچ اطلاعی برایشان داده نشده بود.

راستی آنها می‌خواستند که ما باکی ارتباط داریم و به کجا ارتباط می‌گیریم و وطنپرستان رابه آنها معرفی بداریم مگر ما با داشتن اندیشه مردمی و آزادی به این شکنجه ها و رنج های آنها اعتنای نکرد و امیدواری به آینده مستقل و پیروزمند به مقاومت خود علیه هر نوع استبداد آنها ادامه میدادیم.

با شنیدن پیغام آزادی زندانیان سیاسی مسرت زیادی برایم دست داد فکر میکنم در همان لحظه چنان هیجانی بمن دست داده بود که هیچ چنین لحظه را در زندگی ام بیاد آورده نمی‌توانم و یکبار دیگر حس مسولیت و خدمت به خلق در روحم که به جرم آن زندانی شده بودم و از فعالیت باز نگه داشته شده بودم دیدم برای يك دختر وطنپرست ازین بیشتر جای خوشی و مسرت نخواهد بود که موقع بیاید نادوش بدوش مردان و وطنپرست در راه اعمار جامعه نوین حصه بگیرد از وی خواستم تا در مورد صفات يك زن مبارز چیزی بگوید.

بنظر من يك زن یاد دختر مبارز همیشه حقیقت بین بوده و در تاریکی مبارزه را پیش نبرد، يك زن مبارز همیشه همراهی اجتماع هم صحبت بوده و از چگونگی زندگی مردم خود با خبر باشد و در راه مبارزه خود علیه يك جامعه ای که از هر حیث عقب مانده از هیچگونه شکنجه و



حلیان لایق

بهار دروغینه

بیار ساقی گلچهره پاده د و منی
که نقش تازه بریزیم و طرح انجمنی
ازین بهار دروغینه پوی خسون آید
مرا رسیده ز حافظ اشارت سخنی
« ز تند باد حوادث نمیتوان دیدن
هرین چمن که گلی بوده است یاسمنی »
چنان زچرخ فلک سنگریزه می بارد
که نه بسبزه چمن ماندنی به گل وطنی
زهر که می شنوم حرف « سوخته » بالاست
به هرچه میگریم تیغ و آتش و رستی
هنوز قطره خون تازه کار خویشمان است
بدانیکه ننگجد در آن دگر لجنی
بهوش باش که این رهزنان بازی نور
خدای تازه تراشد و هیکل و قنی
متاع باغ کین پرورند و سینه زند
بنام خار بیابان و سبزه ای خشنی
تو آسمانی و اندیشه ای تو ابر بهار
تو نوربخش زمینی ، تو مغز و جان و قنی
تو نقشند جهانی ، تو خلق کارگری
تو بسته بند حوادث ، تو قدرت شکنی
بنوش باده مردی و راه جاره بجوی
که چاره جوی نبوید فراغت چمنی
به خار های بیابان اگر نمی نرسد
بهار چیست که لاف ز باغ نسترنی

۱۳۵۷/۶/۱۷

کابل



دبند خوند

خلوبنت کاله آزاد ژوند هسی پوخ نکرم
لکه پوخ چی کرم یوکال عمر دبند
دآزاد ژوند به ارزښت باندی څه پوهوم
چی بندی سومو متی پوه یی سومو په خوند

دوکتور زیار ، خر خی زندان ۱۳۵۸/۸/۲۳

سرود خشم

آهنگر ان پیر، همه پتک ها بدست
باجیره های سوخته ، در نور آفتاب
چون اختران سرخ ، بتادیکی غروب
چشمان پراز نویسد فرح بخش انقلاب
بتک گران بدست و دهانها پراز خروش
فریاد شان گسسته در آفاق شامگاه
روئیده در دیار افق ، خوشه های خشم

افسرده بر لبان شفق ، بوسه های ماه
بنداستی غریو خدا یان آسمان
بیچیده در گرانه ی خاموش زندگسی
بگرفته از فروغ شفق ، رنگ انتقام
آن گونه های که سوخته از شرم بند می
بنداستی که خشم فرو خورده ی قرون
جوشیده از خرابه ی فر توت روزها
بنداستی که شبون قربانیان جنگ
آتش فکنده در دل آتش فروز ها

از سینه ها رسیده بلبها سرود خشم
افکنده در حریم دل آسودگان هراس
کفتی بر آستانه ی این شامگاه تلخ
درهم خزیده سایه ی مردان ناشناس
در چشمشان طلیعه ی توفانی شفق
آرد خبر زخنده ی خونین صبحگاه
فریاد شان گسیخته در آسمان نسیم
خشم سیا هشان همه جوشیده در نگاه
درهم شکسته است توگویی سکوت مرگ
در رسنخیز این شب تاریک و اسپین
برفی دمیده از دل آفاق دور دست
تاسایه ی گبود شب افتاده بر زمین
خوانده بیاس روز ظفر ، باد شامگاه
سکرانه ی گسستن زنجیر بندگی
آهنگران پیر ، همه پتک هابست
در چشمشان ، طلیعه ی خورشید زنگی
(نادر نادرپور)



گماها

ومن در شام آن هستی سامان سوز
همی غارتگران باغ را دیدم
که هر صبحی گلی از شاخه می چیدند
و بربر میشووند ، میدویدند
خنده میکردند و میرفتند
چه گلهایی !
گل سوسن ، گل سرخ و گل نسرين
گلی زیباتری از زهره و پروین
ولی غافل از آن بودند که روزی
بجای يك گلی
صدها گلی دو باغ می روید
هارون یوسفی

روزنه امید

باغزم و امتنان
با شور شمع و شوق
با قلب پر امید
در کار زندگی
هر دم روان گردد .

خیر است گر تو را
آن نیروی شاد
در بازو ها و پنجه
دیگر نموده است .

تو غصه راه مده
گر چرخ روزگار
هم مال و مکنت
ز دست ربوده است .

هرگز پریش م باش
گر نخلهای مصی
و آن گلبنان عشق و صفای شباب
در بوستان قلبت
پژمرده گشته است .

افسردگی مکن
از گردشی ایام
گر تارو بود هستی ات
از کین و انتقام
فمرده است .

در غم م باش
از نور چشم خویش
کز درد انتظار
گردی کشیده است
امید ز دست مده
گر چند پیر گشته بی و
بسان گذشته بستی

اما -
آنچه دست داده ای
با جامه دیگر
همراز رزم تست
اکنون تو شاد باش و

با غرور تام
در کار زار هستی
جایی به پیش گیر
امروز -

امروز تو می توانی
با نیروی اراده
با حب و عشق مردم
با لذت ایثار
در نور حق و راستی
باراد مردی نام
هر آنچه خواسته باشی
اتمام آن کنی

شمس الحق - یاسا



ویل کول

ویل کول ساوین دی انقلاب ته
یوبی بله انقلاب نشی راو و لای
لسه ویل سره کول ملگری بو به
تشی ویل هستی نشی لولای

دوکتور زیار ، امنیت نسکنجه خای .

۱۳۵۷/۱۱/۱۷

ایه های زمینی

آنگاه خورشید سرد شد
و برکت از زمین ها رفت

وسیزه هایه صحرا ها خشکیدند
وماهیان به دریا ها خشکیدند
و خاک مردگانی را
زان پس به خود پذیرفت

شب در تمام پنجره های پریده رنگ
مانند يك تصور مشکوک
پیوسته در تراکم و طغیان بود
وراه ها ادامه ی خود را
در تیرگی رها کردند

دیگر کسی به عشق نیندیشید
دیگر کسی به فتح نیندیشید
و هیچکس
دیگر به هیچ چیز نیندیشید

در غار های تنهایی
بیمودگی به دنیا آمد
خون بوی بنگ و افیون می داد
زلفهای باردار
نوزاد های بی سر زایدند
و گاهواره ها از شوم
به سکور ها پناه آوردند

چه روزگار تلخ و سیاهی
فان ، نیروی شگفت رسالت را
مفلوب کرده بود

در دیدگان آینه ها گویی
حرکات و رنگها و تصاویر
وارونه منعکس می گشت
و بر فراز سر دلتگان پست
وجهری وقیح فواحش
يك هاله ای مقدس نورانی
مانند چتر مشغلی می سوخت
مرداب های الک

با آن بخار های گس مسموم
انبوه بی تحرک روشنگران را
به زرقانای خویش کشیدند
و موش های موذی
اوراق زندگاری کتب را
در گنجینه های کهنه جوییدند

خورشید مرده بود
خورشید مرده بود و فردا
در ذهن کودکان
بنفوس گنگ گمشده یی داشت
آنها غرات این لفظ کهنه را
در مشق های خود
بالکلی درشت میبای
صویر می نمودند
مردم
گروه سافط مردم
دلمرده و تکیده و مپیوت
در زیر بار شوم جسد هاشان
از غربتی به غربت دیگر میرفتند
و میل دردناک جنایت
در دستهایشان متورم می شد

گاهی جرقه یی ، جرقه ی ناچیزی
این اجتماع ساکت ایچان را
یکباره از درون تلاشی می کرد
آنها به هم هجوم می آوردند
مردان گلوی یکدیگر را
با کارد می دریدند
و در میان بستری از خون
با دختران نا بالغ
همخوا به می شدند

آنها غریق وحشت خود بودند
وحس ترسناک گنجهکاری
ارواح کورو کودنشان را
مفلوج کرده بود
پیوسته در مراسم اعدام
وقتی طناب دار

چشمان پر تشنج محکومی را
از کاسه با فشار به بیرون می دشت
آنها به خود فرو می رفتند
واز تصور شهوتناکی
انصاف پیرو خسته شان تیر می کشید

اما همیشه در حواشی میدان ها
این جانان کوچک را میدیدی
که ایستاده اند
و خیره گشته اند
به ریش ملایم فواره های آب

شاید هنوز هم
در پشت چشمهای له شده، در عمق انجماد
يك چیز نیم زنده ی مقشوش
بر جای مانده بود
که در تلاشی بی رمقی می خواست
ایمان بیاورد به پاکی آواز آب ها ،
شاید ، ولی چه خالی بی پایانی
خورشید مرده بود
و هیچکس نمی دانست
که نام آن کیوتر غمگین
کز قلبها گریخته ، ایمانست .

آه ، ای صدای زندانی
آیا شکوه یاسی تو هرگز
از هیچ سوی این شب منور
نقیی به سوی نور نخواهد زد ؟
آه، ای صدای زندانی
ای آخرین صدای صدا ها

فروغ فرخزاد

میتوان در بهیوی بازیچه اشیای خورد دیگر را
او یزاتن کرد همینکه طفل آنها را بدست
گرفت چند یابد می آموزد که اشیاء به
حالت سخت ، ملایم ، سرد و داغ می شود
میباشند . به هر اندازه که اشیاء اضافی
نر باشند به همان اندازه تجربه به طفل
درین قسمت مکمل تر میشود .

طبق عقیده روان شناسان طفل در اثر
فعالیت نموی بیشتر میکند . برای این
مقصد اشیاء متغییرات غذا کور با بازیچه دیگر را
پیشنهاد کرده که همچنین صدا دار میباشد
در تار پارچه های مدور ، استوانه مساند
و حلقه ها و یزاتن هستند اما هر کدام
اینها دارای اندازه های مختلف میباشد
اندازه های پا و چه های استوانه ای
و مدور نظر به اندازه حلقه خورد
هستند به این ترتیب میتوان از حلقه
بگذراند . هر بار که طفل با این بازیچه
بازی کند معلومات جدیدی را می آموزد
زیرا این بازیچه امکان میدهد تا طفل
راجع به اندازه اشیاء و مقیاس آنها
معلومات پیدا کند . به این ترتیب سعی
شود تا طرق جدید درین قسمت برای اطفال
پیشنهاد شود تا معرفت اطفال را جمع به
محیط پیرامون هر چه زود تر رشد کند
اختراع و طفل این کدام مفید را

ارائه میکنند ؟

قسمیکه معلوم است اطفال به محیط پیرامون
به بسیار هیجان و علاقه نگاه
میکند و هر چیزی که رنگ شاد داشته
بباید توجه آنها را به خود جلب میکند .
همینکه والدین به این نکته متوجه شدند
دفعات زیاد با بازیچه ها را میگردانند و
همه را خود به ترتیب در پهلوی طفل
میکند و اوقات و طفل درین صورت منحیت
ناظر به همه نگاه میکند . و این درین
قسمت اشیاء را را مرتب میشود زیرا
آنها خود در طفل روحیه بی علاقه
را پرورش میدهند . زیرا طفل وقتی که
در حدود ۳ الی ۵ سال داشته میباشد
نه تنها شکل ، تناسب و موقعیت اشیاء
می داند بلکه نکته مهم اینست که طفل خود
میتواند که جهان بازیچه های خود را خود
فکری سازد .



از سپونتیک

ترجمه س

تأثیرات نوعیت بازیچه ها بر بالایی انکشاف روحی و فکری اطفال

درین وقت و محل معین خود را پیش برده
میتوانند ؟ قسمیکه تجارب متعدد نشان
داده است که دو یزاتن اشیاء
ساخته توچه طفل را جلب کرده اند
توانند اما به مجرد اینکه با بازیچه در مقابل
طفل حرکت داده شود چشم های طفل از
حرکت او دنبال میکنند اگر با بازیچه صدا
دار باشد توجه طفل را اضافه تر جلب
میکند .

چطور میتوان در طفل از او ایل دوزهای
زندگی اش روحیه اجرای کارها را
به تنهایی پرورش داد ؟ در حال حاضر
بالای حل این برابرم تعداد زیادی ادبا
روان شناسان دانشمندان و مختصر عین
کار میکنند . چندی قبلی در مسکو به
این مقصد کانگریس نهم « شورای بین
المللی اختراع صنعتی » دایر گردید و بود
و برای اولین بار در آن سمینار « اختراع

موتل جدیدی که تو سط اشیاء
بازیچه ها در اتحاد شوروی پیشنهاد شده
از چوب ساخته شده اما قسمی عیار
شده که برای دست بزرگ سالان مساند
است نه برای دست های اطفال . دسته
بازیچه به پا رجه چوب مدور خاتمه
می یابد و از این سوراخی که درین چوب
ساخته شده تار عبور داده شده و در انجام
تار دو پا رجه خورد چوب بشکل مدور
او یزاتن میباشد که دارای رنگ های
مختلف هستند .

در ابتدا بازیچه به طفل نشان داده
میشود بعد از اینکه طفل کمی بزرگتر
شده سعی میکند تا آنرا بدست گیرد و
بالاخره طریق دوست گرفتن آنرا می
یابد . این بازیچه دارای صدای بسیار
ملایم میباشد همینکه طفل یکی از پا رجه
های مدور را بدست گرفت دفعتاً پا رجه

برای اطفال « جا داده شده بود .
قسمیکه اشکارا ست اطفال دو حال
حاضر زود تر رشد و نمو میکنند . در اینجا
اغلب این سوال مطرح میشود که غرض
نموی هر چه بیشتر اطفال از کدام نوع
بازیچه ها باید استفاده شود .
با در نظر داشت تفاضلهای عصر
لا براتوار اشیاء متغییرات با بازیچه ها در
اتحاد شوروی سیستم معین با بازیچه ها را
برای اطفال پیشنهاد نموده است . بالایی
هریک از این انواع با بازیچه ها که ذیلاً
ز آنها نام برده خواهد شد سه متخصص
یعنی ادیب ، روان شناس و طراح کار
های زیادی را انجام دادند .

هنوز از عمر طفل یکماهه گذشته نمیشود
که مادر مهربان در چیرکت طفل انواع
مختلف بازیچه ها را با رنگ های شاد
مگذارد اما طفل تنها درین وقت به طرف
سقف طاق می ایستد . ای با بازیچه ها





په وکتون کې ماشومان خپل ښوونکي ته په ځير سره متوجه دي

په خپرونو څخه

درب يا لي علي زاد ژباړه

د ماشوم د شخصيت پرو ده باندې دور کتون اغيزه

کله چې ما شوم لو پيرې پخپلو ښوونځيو کې او پر لاره روانې او هم خپله خوله په خبرو پراييزې مود او پلار يې پدې فکر کې چې څنگه بايد هغه وروزي تر څو د هغوی څخه د ټو لنې يو فعال غړی جوړ شي . د همدغې مسئلې په ارتباط له ښوونځي مې ما ټو څخه د هغو کو چيا نو د روزنې په هکله چې لارښوونکي ته د تګ ټا کلي عمر ته ندی رسيد لي زيا تي يو بنسټي شوی . د دغه شان سوالو نو په ځواب کې بايد وويل شي چې وې کتون نو نه د دغه شان مسئلو په بشپړ او صحيح حل کې دکو رنيو سره به ډېره پورې مرستې کوي .

د ښوونځي اتحاد په اساسي قانون کې پدغه هکله داسې څر گند ونه شوی (د ښوونځي اتحاد دولت د هغو کو چيانو دروژني په برخه کې چې د ښوونځي ټاکلي عمر ته نه وي رسيد لي د ځا نګر و مو سسود پرا خو ښکيو په ايجاد کولو پورې نه ستړي کيږي مرستي کوي .)

د ښوونځي سو سيا لستي جمهوريتونو د اتحاد حکومت د استقرار د لو مړنيو کولو نو را هېسي د هغه هيواد په هره برخه کې د وې کتونو جوړول پيل شوي او د وې څخه د وې مخ په پرا ځيږي او همدا او سيدغه هيواد کې د دولسو مليونو تنو څخه زيات ما شو ما ن شير ځواک و و ته سپارل کيږي او وې کتونو ته ځي .

په لويو صنعتي ښارونو کې زياتره کورنيو خپل ماشومان له همدې گټلې

څخه د ښوونځي تللو تر عمره پورې هغو وې کتونو نو ته چې د هغوی د کار ځاي او يا کورته نږدې واقع دی سپارې او په عادي توگه ما شوم دسپار له اتو بجو څخه دماز ديگر تر پنجو بجو پورې په وې کتونو کې وي .

دلته بايد سوال پيدا شي چې وې کتونې او پلرونه د خپلو ماشومانو د روزنې دپاره د ټولو لټونو موسسو څخه څه گټه اخلي؟

د کومسټر وادېښاد (چې د وادېښاد دسپند په غاړه پروت او دوه سوه پنځوس زره تنه او سيد و نکي لري) ټولنپوهانو د هغو تحقيقاتو د تحليل او تجزي څخه چې د دغه

ښاد په شپړ ويلي پيلو صنعتي واحدونو کې سر ته رسولي دغه نتيجه تر لاسه کړې چې وې کتونو نه د کوچنيانو د سپار لويه برخه کې ما دي گټې په نظر کې نيول وړو . سټي ځاي لري . ځکه چې په سلو کې پنځه تنو ميند و او پلرونو د همدې مقصد دپاره خپل کوچنيان وې کتونو نو ته سپارې .

کو رنيو دغه مو ضوع چې دما شو ما نو ساتنه په وې کتون کې د کور په پر تله اوزانه ټما ميږي يو عادي کار بڼه کوي .

په ښوونځي اتحاد کې په عادي توگه دما شو ما نو د ساتنې څلور پر پنځه برخه څرخ په وې کتونو کې د دولت له ځواکونو کيږي او هم د هغو کو رنيو دما شو ما نو ټول څرخ چې زيات کو چيان و لري د دولت له ځواکونو کيږي .

د ځينو ټولنپوهانو په عقيده څرنگه

چې په ښوونځي اتحاد کې مورا و پلار وادېله کور څخه دما ندې کار کوي او په کور کې هېڅوک نلري چې د هغو د ماشومانو ساتنه وکړي نو مجبور دي چې خپل ماشومان وې کتونو ته وسپاري .

مگر دوی تېرو تلي دي ځکه چې په سلو کې يواځې اته څلوېښت کورنيو له همدې کبله خپل کوچنيان وې کتونو ته سپاري .

په اساسي حال کې چې زياتره کو رني د ټولو لټونو روزنې په مقصد دغه کار کوي او دوی عقيده لري چې ټول لټون روزنه تر کورنيو روزنې غوره ده نو پدې توگه په زغرده ويلای شو چې دما شو ما نو

په روزنه کې وې کتونو نه ښه د کورنيو باوري مرستندوي دي او په حقيقت کې (د روزنې په برخه کې) او س د ښوونځيو په شان عامه ښه غوره کړي ده او هم ديو لي څېړنوپه نتيجه کې دا حقيقت تر لاسه شوی چې ديو نسل روحي او جسمي روغتيا او اخلاق په وې کتونو کې دکو چيانو دروژني سره نه شليدو تګي او پکې لري .

د ښوونځي سو سيا لستي جمهوريتونو د اتحاد په اساسي قانون کې دا هم ذکر شوی چې (د ښوونځي اتحاد دولت خپله دنده گڼي چې د انساني شخصيت د سالمې ودې دپاره هراړخيز پراخ امکانات تا مين کړي) .

اوس وينو چې آيا د فرد شخصيت وده کله پيل کيږي .

دا يو انکار نه منو تګي حقيقت ده چې

د شخصيت وده د معلومو ماتو د تر لاسه کولو څخه پيل او د معلومو ماتو لاس ته راوړل اوږده موده غواړي نو پدې توگه يو اوږد عمر به کار دي تر څو د معلومو ماتو په ټولولو سره د شخصيت ودې ته پرا ځيږي ورکړي شي .

دا يوه تصادفي مسئله نه چې د ښوونځي اتحاد وې کتونو په ورځني مهال وېش کې ښوونه ، حساب ، لو ستل خبرې کولو او طبيعت پيژندنې ته ځای ورکړي شو پدې بلکې ديو لي تجربو په نتيجه کې ثابت شوی چې دا ټول دما شو ماتو د معلومو ماتو په زياتوالي او پدې توگه د هغوی د شخصيت په وده کې څو را اغيزمن دي .

په همدې توگه په هغه مهال وېش کې چې د ښوونځي اتحاد د ښوونځي او روزنې ټولنې له غواړنې سره د هره څه نه

ريات تا سر ماتو لوبو ته زيات پاملرنه شوې او ورسره چو خت ماشومانو ته د نابل ښي ، مجسمه جوړولو ، ډول ډول صنايعو ،

تفا شمر اوسندو ويلو زده کړې ته په ملکه اشا وه شوي . همدا رنگه په دغه مهال وېش کې داسې شيانو ته ځای ورکړي شوي چې دما شو ماتو د تفکري ودې سره

چو خت د هغوی احساساتو ته هم وده ورکوي . د مثال په توگه که کوم ماشوم داسې مشخصات ولري چې دنورو ماشومانو

پام ځان ته واړوي او نورو ته د احترام په سترگو و گوري ښوونکي ئې مجبور دي چې دغه صفتونه د ښوونې او روزنې په مرسته

په هغه کې و زېږوي . نو پدې توگه بايد هر کوم چاته او آدم ما شوم بايد دا احساس پيدا کړي چې نور ورته احترام لري او د

احترام وړ دي . او که نامکان لري د ژوند تر پايه پورې ځان بيو زلي او معيوب احساس کړي .

هر ښوونکي بايد خپل شا گر دان په مختلفو لارو داسې تشويق کړي تر څو هر يو يې وکولای شي خپل ځان او پټ خصوصيتونه په خورا جرات سره څر گند کړي

د مثال په توگه د يو ماشوم زيات سميږ کيږي زده دي ، بل ماشوم گولای شي چې

خواږه په ښه توگه پر ميز يا ندي تنظيم کړي او ځينې نور ما شو مان دمور ونسو مختلف ډولونه ښه پيژني ښوونکي ددې

دپاره چې د ماشومانو پام يې د هغو دغو خصوصيتونو ته په ښه توگه او ولي وي بايد

په واد سره هر ماشوم ته په لويو کې غوره برخه ورکړي چې پدې توگه هر ما شوم ځان پر دې نه بولي او پر ځان بې اعتماد نه وي لکدي ټولو سره سره بيا هم وې کتونو د

ماشومانو په روزنه کې د کور ځای نشي نيولای . مگر بيا هم د ميندو او پلرونو سره د هغه

ستر او د ژوند دندې په تر سره کولو کې چې دخپل ما شوم دسا لمي روزنې له امله

په غاړه لري د ليدلو وړ او په ډېره پورې مرستې کوي .

سیرى در جهان هنر

هنر و نقش آن در انعکاس واقعیت‌های عینی زندگی



این تابلو نمایانگر ازدواج‌های غیر اصولی است که بی‌عدالتی و قلدری طبقات ستمگر جوامع را نشان میدهد

حقیقت آفریننده آن بوده‌اند به خود و درباریان خویش نسبت داده‌اند و کمتر نامی از شاعران هنرمندان و نویسندگان مردمی را تذکر داده‌اند. اکثر چنین نویسندگان، هنرمندان در عالم گمنامی بدینا آمده در عالم گمنامی جهان را پدرو حیات گفته‌اند.

امروز که روند تاریخ در دایره مخالفان یعنی به نفع توده‌ها و ستمکشان جامعه دور می‌زند و پستان‌ها گنجش‌های ترقی و پیشرو که از آیدولوژی طبقه پیشرو و انقلابی الهام می‌گیرند درین تلاشند تا آثارشان را مطابق به خواست زمان و ایجابات رفعت

مطابق به قانون‌مندی علمی پدیده‌های اجتماعی که تخلف از آن منجر به نابودی شخص می‌گردد به جامعه عرضه نمایند هم چنان کاوش‌ها و تحقيقات در مورد فرهنگ و کلتور بارینه‌ها بعمل آورده آثار هنری که هنرمندان گمنام جهان کلی و نا برابری‌های اجتماعی و فست را ترسیم نموده بودند در پیشگاه هنرمندان تلافی‌مندان و محققین قرار دهد تا با استفاده از آن دانش پژوهان جوان عصر، بتوانند گذشته را دقیقاً مطالعه نموده و با مطالعه گذشته و حال آینده جامعه آمیزد را بصورت دقیق‌تر، عمیق‌تر و زوفا تر پژوهش و بی ریزی نمایند همه این هنرهای که در گذشته‌های دور مهاله و مبارزه انسانها و طبقات را وانمود می‌نموده است الهام بخش آن اندیشه‌های در دماغ و مغز انسانها و هنرمندان، شاعران و نویسندگان مردمی گردید که همیشه در جهت منافع و مصالح توده‌ها اندیشیده و توده‌ها را آفریننده تاریخ قبول نموده‌اند.

مردمی همیشه نابرابری‌ها، فشار و بی‌عدالتی اجتماعی را در تصاویر گویای شان که چهره محسوس استبداد وقت را بازگو نموده گنجینه‌ها که همه و همه در خدمت خلق و مردم خویش بوده‌اند و نام شان در اوراق تاریخ با شما زرین دوج گردیده و مردم و توده‌های ملیونی ستمکش همیشه به نیکی و بی‌وفایی از ایشان یاد نموده و سپاس گذار آنها اند.

اما برعکس بودند هنرمند دلقک بیشه و شاعر درباری که افسار دربار را به گردن گذاشته چکیده‌های ادبی، هنری و غیره را به مدح و توصیف اقلیت مفت خوار ستمگر جامعه وقف نموده‌اند.

اما از آنجائیکه زندگی اجتماعی در جوامع طبقاتی، مهر طبقاتی داشته و طبقات ستمگر جامعه در هرم جامعه قرار داشته با کمک هنرمندان، نویسندگان و مورخین گمانند خویش همه دست آوردن‌های فرهنگی، بدنی و اجتماعی را که خلق و توده‌های مردم به



مستضعفین که دست تکی بسوی دهر و روان سنگدل دراز کرده‌اند این تابلو صیغه مردم داری هنرمند را وانمود می‌سازد.

زندگی اجتماعی پر از فراز و نشیب‌های است که فراز و نشیب گاهی نهایت دشواری و چالاکانه است و مقابله با آن شرط لازم و ضروری زیست و ادامه پراتیک اجتماعی، دانشمندان و هنرمندان جامعه که اندیشه‌های والای مردمی داشته در بدترین شرایط اختناق، ترور، وحشت و استبداد همیشه جناح مردم را گرفته و اقلیت‌های تلخ زندگی را به اشکال مختلف و طریق مختلف بیان نموده‌اند.

زمانیکه هنرمند تحت شرایط ویژه استبداد مطلق‌العدالتی درباریان قرار داشته باشد بوسه زندگی مقابله نموده و در نبرد رویاروی قرار داشته بوجود آورده و نقاشان چیره دست



فلکلان معصوم نیز مورد استعمار بی‌رحمانه ستمگران بوده که تابلو نمایانگر آن است.

آنچه هنر مندان امروز به آن می‌اندیشند این است که هنر نباید فقط در خدمت هنر قرار گیرد زیرا درین صورت آثار هنری از وراء واقعیت های عینی نشئت گرفته و فقط در دایره هنر هنر برای هنر و یکتوقع تکلف و پیچیده گی های را میمان میاورد که از زندگی مردم و از واقعیت های عینی کاملاً تجرید میگردد اما هنر برای مردم در خدمت مردم جهت ارتقا و تکامل زیربنای و رو بنای هستی اجتماعی شده واقعیت های

عینی جامعه نقطه گره ها و مشکل هارا بازگو نموده و جبهتی را وانمود می سازد که مطابق به قانونمندی عینی تکامل پدیده هاسیرو حرکت میکنند هر گاه هنر در خدمت مردم قرار گیرد و بتواند جبهات کلی زندگی اجتماعی را وانمود سازد گفته میتوانیم که پروسه رشد و تکامل حیات اجتماعی نهایت موزون و مطابق به قوانین عینی تکامل بوده تبادلات اساسی محکمتری ردد جهت رجحان وار تقای کامل می بیاید .

ترجمه : س . ا

اوبدنیآ آمد تا هنر رقص را به اوج

آن رساند



پیشگویی هادر قسمت هنر متاسفانه همیشه تحقق نمی یابند . اغلبا اتفاق می افتد که یک استعداد جوان مانند ستاره روشن میدرخشدا اما جلدی بعد خاموش میشود . به این لحاظ در مورد پیشگویی در قسمت هنر از احتیاط کار گرفته شود . اما نادیا پاولووه این (عجیبه کوچک) هنوز چند سال پیش نداشت که همه را با مهارت خاص درین قسمت تسخیر کردو به پیشگویی های مردم جامعه عمل پوشانید . دوسال بعد از نمایش موفقانه خود در مسابقه سر تاسری شوروی دو باره در سال ۱۹۷۴ در مسابقه بین المللی هنر پیشگان بالت که در مسکو دایر گردیده بود اشتراك ورزید . نادیا درین وقت هفده سال بیش نداشت . درینجا برای اولین جوره نادیا هنر پیشه

هر دو خوش و خندان به سوی تیاتر می روند

جوان ویجسلاو گردیف که چندی قبل در گروه هنر پیشگان تیاتر بزرگ مسکو شامل شده بود انتخاب شد . در نتیجه قرعه معلوم گردید که یکی از آنها نمبر (۹۹) و دومی نمبر (۱۰۰) را انتخاب کرده بودند . در مقابل این دو هنر پیشه جوان ستاره های درخشان جهان هنر بالت نمایش های متعدد اجرا کردند . اما وقتی یکی از روز نامه نگاران از نادیا پرسید که قبل از اجرای نمایش چه احساس میکند . نادیا جواب داد احساس (مسرت) . بلی احساس مسرت نه پراگندگی این نکته خود پسندی هنر پیشه جوان نبود بلکه از احساس پاک درونی او حکایت میکرد که همیشه هنر پیروز میگردد و نه خود پسندی .

بعد از قسمت اول مسابقات نادیا ۱۱۶-۱۱۷ از (۱۲) نمره ممکنه بدست آورد . سپس دو- قسمت دیگر مسابقات نیز پایان یافت و معلوم شد که گردیف مدال طلائی و نادیا پاولووه همچنین مدال طلا را صاحب شدند . نکته جالب این است که همه اعضای هیات ممیز به اتفاق اراء به این عمل موافق رای دادند . در ترکیب هیات اشخاص ورزیده جهان بالت مانند هنر پیشه درجه اول تیاتر بزرگ یودی گریگو رووچ، بالرین معروف کیوبا الیسیا الونس بالرین فرانسوی کلود بیسی ، ستاره های معروف بالت شوروی گالینا اولانووه و مایا- پلیستسگایا شامل بودند .

این شناسایی بالرین جوان در بالت حادثه غیر عادی بود، زیرا بالت خود يك جهان مطلق و متضاد است . کدام نکات و مشخصات نادیا را از هنر پیشگان رقص بالت متفاوت میساخت؟ آیا تخنیک پر مهارت ؟ نه خیر زیرا در آن اوقات نادیا هنوز به این نکات چندان وارد نبود .

نکته جالب که همه را متوجه او ساخته بود این است که او در رقص به اصطلاح زندگی میکرد و قابلیت آنرا داشت . بخاطر می آورند وقتیکه نادیا کوچک در مکتب مسلکی بالت در شهر پرم مصروف تحصیل بود در یکی از نمایشات امتحانی پروگرام ذیل ترتیب یافته بود . قهرمان او دختر کوچک با پیراهن نازک سفید بود که میخواست به پدر خود طوری نشان دهد که رقص بالت را فرا گرفته و میخواهد درین رشته تحصیل نماید . برای این کار خود قیافه ها و ژست های متنوع را به او تمثیل و نشان میداد . درین پروگرام بسیار کوتاه نادیا به اندازه حيله و مکارگی طفولیت را تمثیل کرد که صد فیصده با واقعیات زندگی مطابقت داشت . نادیا هنوز چند سال نداشت که در نمایشات بالت در مکتب مسلکی و حتی در تیاتر شهر پرم در مقابل تماشاچیان ظاهر شد . اما نه در مکتب و نه در تیاتر با دختر کوچک محاسبه انجام می گرفت همه می گفتند : هنوز بسیار کوچک است .

بعد از اجرای نمایشات در مسکو نادیا و گردیف

با گروه هنر پیشگان تیاتر بزرگ عازم امریکا شدند . این پروگرام را کارگردان معروف سول یورگ ترتیب کرده بود . قسمتی را که نادیا و گردیف دو آنجا اجرا کردند توسط مطبوعات امریکا بنام (قسمت پرهیجان نمایشات) یاد کردند .

در سال ۱۹۷۴ نادیا مکتب مسلکی بالت شهر- پرم را به پایان رسانید و به حیث رهبر گروه در تیاتر او پراوالت شهر پرم شناخته شد . چندی بعد به مسکو به تیاتر بزرگ دعوت شد . این دعوت بسیار مهم و ارزنده و در ضمن بسیار مشکل بود . زیرا اگر چه نادیا درین وقت از باریکی های هنر رقص بالت آگاه بود اما ضرور بود تا بسیار کار نماید تا رول های جدید را به طور موفقانه آن انجام دهد .

بتاریخ ۶ نوامبر سال ۱۹۷۵ نادیا و گردیف مردو منچیک قهرمان های رول عمده رادر بالت (ژنرل) در ستنی تیاتر بزرگ اجرا کردند و در همین روز عروسی خود را نیز جشن گرفتند .

در حال حاضر یکی از شخصیت های برجسته هنر رقص بالت ولادیمیر واسیلیف با این جوره ممتاز نمایشات خود را اجرا میکند . اول کار دسته جمعی ایشا تحت عنوان (ایکای اجرا

گردید که در آن گردیف رول انسانی را که میخواهد به آسمان پرواز نماید و پاولووه بعیث دوست صدیق او درین قسمت کار میکردند .

این نما ییش از طرف تماشاچیان به بسیار گرمی استقبال شد . درینسن اواخر این جوره ممتاز در چنین نمایشنامه های معروف مانند قبر مانان (قشنگ خوابیده) ، (دون کیشوت) (سپاوتک) رول های مهم و ارزنده را و در ضمن به بسیار خوبی اجرا میکردند . نکته مهمی و در

ضمن مخصوص که این جوره را از دیگران متفاوت میسازد اجرای رول هابه شکل عجیب و صداقت در کار آنها میباشد . در یکی از روزها از هنر پیشه عمده تیاتر بزرگ یودی گریگورو وچ پرسیدند که این جوره را با که مقایسه میکند ؟ او جواب داد « با هیچ و تکالیف بودا مانادیا راهی را که این جوره در قسمت هنر پیموده فکر میشود بدون رنج و تکالیف بودا مانادیا پاولووه و گردیف این را بخوبی درک کرده اند که با شخصیت های برجسته هنر تیاتر بزرگ رقابت آنها کار ساده نیست . درین ضمن متخصصین بر جسته هنر هوشدار میدهند که فقط تسخیر تماشاچیان توسط حرکات الاستیکی و سپورنی کفایت نمیکند . چیزی که برای دختر پانزده ساله ، بالرین معروف عصر حاضر (عجیب) است مراحل سپری شده اودر هنرش میباشد . این که تا کدام اندازه این جوره به حال فعلی خود باقی میماند پراکتیک آینده نشان خواهد داد . زیرا قسمی که گفته شد پیشگویی در قسمت هنر شکل اتفاقی و ناگهانی را دارا

میشد .

چگونه علاجات امراض را میتوان با مواد آرسنیک انجام داد

در سال ۱۹۱۵ زمانیکه پال ایرلیج دانشمند بزرگ و برجسته آلمان جایزه نوبل را صاحب گردید او به تحقیق راه درمان و نجات آدمیزاد را از مرض تباه کن سفلس کشف نموده بود او بصورت ساده و آسان توانست حق الامتیاز ادویه کشف شده هایدرو کلوریک دای اوکسی مینورسی تولید را بدست آورد. اما باوجود کشفیات بزرگ پال موادی را که به دسترس طبووعات قرار داد خیلی ها ناچیز بود. موادی که دانشمند مذکور روی آن تجربه و تحقیق می نمود ۳۲ فیصد مواد آرسنیک (زهر حیوان کش) را که خیلی ها به حیات زنده جان ها مضر و کشنده است تشکیل میداد اما دانشمند دیگری که با او یکجا تجربه و تحقیق

می نمود از نتایج تحقیق و امتحانات خویش خیلی ها محفوظ و خورسند به نظر می رسید زیرا بعضی تزریق های مواد مذکور در بعضی حالات نتایج خوبی داده بود که بالاخره توانستند تداوی موثری را برای امراض سفلس کشف نمایند در گذشته ها قبل از تداوی سفلس با مواد آرسنیک توسط فشار و عکس العمل سیماب صورت می گرفت که این عمل منجر به تخریب عده از ارگانیزم وجود و سلول ها میگردد.

مرض سفلس در ابتدای قرن ۱۶ از ایالات امریکایی توسط کشتی های اسپانوی به فاره اروپا وارد گردید که این مرض مانند کولرا



دانشمند کیمیا حین تحقیقات مواد کیمیای دولابراتوار دیده میشود

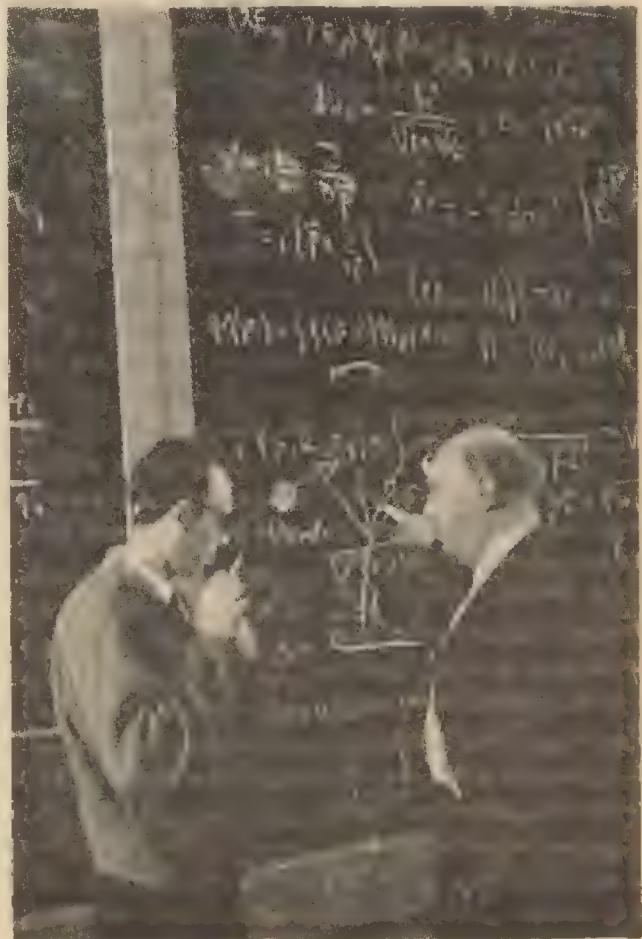
گیری شدت مرض دفتری کشف نموده است تا امروز حیثیت بین المللی داشته و از آن استفاده مزید به عمل میاید.

پال در سال ۱۸۹۹ در موسسه تجربی شامل کار شد که از آن موسسه پول کافی دریافت می نمود که کلیه مخارج زندگی او را تا مین نموده میتوانست و در آنجا به آرومی مصروف کار و تحقیق شده که این امر زیاد ترا و رابطه عظمت و شهرتش رسانید. او عقیده داشت که تداوی امراض با تطبیق سیروم آنقدر موثرتر تمام نمیشود زیرا ثابت شده بود که تطبیق سیروم نمیتواند امراض ساری را از بین ببرد اما تداوی و تطبیق سیروم تنها به امراض که بقیه در صفحه ۵۴

طاعون به زودی اثری از خود بجا نمی گذاشت اما وجود داشت. تعداد زیاد مردم مبتلا به آن پدیده حیات گفتند این مرض بعد ها به اثر رشد و تکاملش ستون فقرات را نیز مورد حمله قرار میداد.

ممکن است علت مبتلایان به سفلس را اطبا و پزشکان متعجب در یافته بودند مگر نمیدانستند که چگونه میتوانند با این مرض خانمان سوز مجادله نمایند اما دانشمند پال ایرلیج به اثر زحمات و تلاش های بیگیش توانست درین راه موفقیت نصیب گردیده و در مان موثر را برای مبارزه و مقابله با آن کشف نماید.

پال در سال ۱۸۵۴ در شهر سلیسیا چشم به دنیا کشود او بعد ازین که تحصیلات خود را به پایان رسانید در رشته طبابت قدم گذاشت او از همان زمان در نگهداری و باکی حجرات موفقیت بدست آورد این کار و موفقیت او باعث گردید که راه را برای رابرت کوخ دانشمند شهیر دیگر در مورد کشف توپر کلوز هموار سازد. که بعد ها رابرت کوخ در موسسه تحقیقاتی و علمی برلین مصروف کشفیات و تحقیقات علمی گردید. پال ایرلیج با کمک ایمیل بهرنینگ توانست تاثیرات ناگوار مرض دفتری را ثبت و اندازه نماید که این مرض تباه کن باعث نابودی و قتل بسیار اطفال درشتین طفولیت میگردد. سیستمی را که پال برای اندازه



دانشمندان در حال فرمول های مربوط دولابراتوار مناقشه مینمایند.

سیاست همزیستی ...

به پرمختیایی هیوادونو کی
له قحطی سرهمبارزه

به دی وروستیو وختونو کی دیو کوسلاو یا زاکریپ په ارغونی بشارکی دتیری د (۹۶) هیوادو د شیرزده پنځه سوه موسسو اوساژمانونو په گېون داستهلای مالونو نړیوال نندارتون پای ته ورسید .

سرکال دغه نندارتون دگېون کونکو هیوادو په ویاړ د لومړی ځل دپاره د پرمختیایی هیوادونو یومور میز جوړشو . په دغه میزکی د پرمختیایی هیوادونو څخه یوزیات شمیر استازوته دگېون کولو چانس پیدا شو . د پرمختیایی هیوادونو مورو میز په خبروکی اصلی موضوع په دغه هیوادونو کی د کرنی دستور د ودی او پراختیا مسله وه . دغه اصل له مخی په مورو میزکی د برخی اخستونکو هیوادونو استازو د کرنی په برخه کی د دغو هیوادونو ترمنځ د زیاتو همکاریو د تشویق او راجلبولو دپاره مهمی پریکړی وکړی . څرنګه چی د دغه مورو میز اجندا د ماهیت او کیفیت له نظره دنورو برانظرونو په نسبت اسیایی افریقای او دغه راز د لاتین امریکی هیوادونو ته متوجه وه نو ځکه د پرمختیایی هیوادو په مورو میز کی د آسیا ، افریقا او لاتین امریکی څخه د پرتشو نمایندگانو ته بلنه ورکړی شوه چی دنورو نړیوالو ارگانونو تر څنګ د کرنی او مالداری په سکتورونو کی پخپلو مربوطو هیوادونو کی د زیاتو مرستو او ځواپوځیزو همکاریو له پاره شرایط او په ژبه پوری امکانات ولټوی .

په زاکریپ کی پرمختیایی هیوادو داستازو په وروستی مورو میزکی په دی څیره بانندی زاته رنا واچوله شوه چی په ځان بانندی متکی کیدلو اصل په پرمختیایی هیوادونو کی د لوی اوقحطی سره د بریالی مبارزوی کولو یوازنی لاره ده .

پرمختیایی هیوادونه په ځانګړی ډول مکلفیت لری چی د ځان دپاره دغذایی موادو دیوه ستراتیژی وضع کړی او په خپلو مربوطو سیمو کی د لوی قحطی او دغذایی موادو د لویالی داوستی بحران دله منځه وړلو دپاره یونوی غاړول طرح اوتسار تطبیق لاندی بی ونیسی .

دمورو میز په خبروکی برخی اخستونکو استازو بریکړه وکړه چی دغذایی موادو دیوی ستراتیژی طرح کولو دپاره باید ټول پرمختیایی هیوادونه سره یولاس او یو موټی شی اودیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم فارمول ته عملی ښه ورکړی . دغه راز دا هم د دغو هیوادونو ستره ونه او وظیفه ده چی دملګرو ملتو د مؤسسی دکر نی او څو را کی مواد و دسازمان په همکاری دغذایی مواد و

دبحران دمختیوی له پاره دیوه نړیوال کنفرانس دجوړیدوله پاره زمینه برابره کړی . لکه چی وروستیو راپور ونو اوستراتیژیکی تحولاتو څرګنده کړیده تر اوسه پوری نړیوال ټولنه (دلویدیځی نړی دسیاسی تشویق د نشتوالی او ناوړو سیاسي روتونو او پالیسو (اټی په دی نه ده بریالی شوی چی دغذایی مواد و د کمبود دستو نړو دحل دپاره اقدام وکړی . همدارنګه نړیواله ټولنه په دی هم نه ده بریالی شوی چی دتیری دغذایی چارو د غوره انسجام دپاره «امنیت سیستم» جوړاوپه کار کی واچوی .

دتیری دکر نی او خوړاکی موادو دسازمان دیوه وروستی راپور له مخی ددروانی پیری په پیل کی ددغو کسانو شمیر چی د لوی فقر او غذایی مواد و د کمبود له ستونزو سره مخامخ دی (۳۶۰) ملیون ترته رسیده حال داچی اوس اوس شمیری څه دپاسه نیم بیلون نئوته رسیږی .

له بلی خوا په اقتصادی لحاظ دتیری په وروسته پاتی هیوادونو کی دغذایی موادو د تولیدانو او حاصلاتو اندازه هم په تدریجی توګه مخ په کمیدوده نوځکه په دغو هیوادونو کی دوارداتی حیواناتو نرخونه مخ په لوړیدودی . لکه چی څرګند ه سویده یوازی په (۱۹۷۹) کال کی به ددغو هیوادو په تجارتی بازارونو کی دوارداتی حیواناتو اندازه څه دپاسه (۸۰) ملیون ټنو ته ورسیدي . دغه کار داسی معنی ودرکی چی ددغو هیوادو سیونکی مجبوریدي چی خپل ضرورت و حیوانات په لوړو نرخونو کی بانندی تر لاسه کړی اوددغه کار په نتیجه کی دانفلاسیون سره مخامخ کیری .

په اوسنیو وختونو کی یوزیات او قام او احمایوی راپور وټه موجوددی چی ښیي په پرمختیایی هیوادونو کی دغذایی مواد و د کمبود دله منځه وړلو دپاره زیات پروګرامونه طرح اوتر اجرا لاندی نیول شویدی خو بیاهم دغه اندازه غذایی تولیدات په نوموړو سیمو کی د لوی اوغذایی موادو دبحران ته ځواب وویلاشی .

لکه چی د پرمختیایی هیوادونو داستازو دمورو میز وروستیو راپورونو کی ویل شویدی په وروسته پاتی او پرمختیایی هیوادونو کی یوازی دغذایی موادو د زیاتوالی په نوموړو سیمو کی د لوی بحران نشی له منځه ولاړی بلکه دغه کار سره جوخت داهم ضروری ده چی د کلیو دپراختیا او د ځمکو ددموګراتیکو اصلاحاتو د وروستی کنفرانس داغلامی له اهدافو سره سم پاتی به ۵۴ مخ کی

روابط با کشورهای بزرگ سرمایه داری جهان سوسیالیستی علاقه مند بهتر ساختن روابط با کشورهای کوچک سرمایه داری نیز می باشد .

اروپا از نظر سیاسی و اقتصادی و ساحات دیگر در میان ممالک گیتی بصورت کل نقش مهم و فعالی دارد اما خود کشورهای قاره اروپا بین خود پراپلم های بزرگی دارند که تنها از طریق داشتن تماس و روابط حسنه با کشورهای قاره دیگر می تواند حل شود . این حقیقت مسلم است که امنیت بین المللی یکی از مسائل حاد اروپا می باشد و به یک ازبای چند جانبه نیاز دارد ، این مسئله بهیچوجه مسئله تازه ، لافال هریک نیم قرن گذشته نبوده و به شکلی از اشکال در اوقات مختلف پیمان آمده ، دو جنگ جهانی که در این قاره بوقوع پیوست تلاش قبلی را در این

مورد بی ثمر جلوه داده یکی از درس های گذشته می آموزاند که مسئله امنیت اروپا تنها می تواند با جد و جهد مشترک ، داوطلبانه ، برادرانه و همه جانبه حل گردد که تمام ممالک را از خود ناپزیرک دربرخواهد گرفت .

کشور های جهان صلح با ، عقیده اند که دو نوع صلح درعالم وجود داشته می تواند ، یکی صلح یعنی وقفه موقتی بین دو جنگ ، که در این وقت هیچ دولت ، نامزد جنگ نمی باشد اما هریک فعالانه برای جنگ و یکبار آمادگی می گیرند ، همین نوع صلح بود که در تاریخ گذشته بشریت بیشتر عمومیت داشت مخصوصا در مرحله سرمایه داری چنانچه دو جنگ جهانی شاهد این احصاست و هر یک به حیات ملیون ها انسان خاتمه داد .

شکل دیگر صلح عبارت از وجود روابط حسنه است بین دولت های دارای سیستم های مختلف اقتصادی و اجتماع که به جنگ و ابکی رد نموده و همکاری همه جانبه را توسعه می بخشند ، منظور از «امنیت» و «امنیت اروپا» موجودیت همین نوع روابط است بین دولت های دارای نظام های مختلف اقتصادی و اجتماعی ... اما حقایق نشان میدهد که دیتانت بین المللی چیزی نیست که یکبار و برای همیشه وجود بخودی بدست آید ، هر قدر هم دیتانت ریشه های عمیق داشته باشد بازهم موضوع مبارزه حاد در عرصه بین المللی است . نخست از همه موضوع مبارزه بین نبرو های صلح و امپریالیزم و در داخل کشور های سرمایه داری بین محافل حاکم و توده های وسیع قوام دارد .

دلایل آن قرار ذیل اند : نخست از همه

باید بخاطر داشت که حتی در شرایط امروز ، که با تناسب جدید نیرو های جهانی متصف است ، سرمایه داری است که تهاجم ، ملناریزم و استثمار خلق های ممالک خود شان و کشورهای دیگر جهان کار برد جبرنه تنها در داخل کشور مربوطه بلکه در سایر کشور ها خصوصیت ذاتی آنرا

تشکیل میدهد ، این حقیقت باید به آن علاوه گردد که عقده ها و امور مغلق نظامی ، صنعتی کشورهای بزرگ سرمایه داری به عامل بزرگ اقتصادی ، سیاسی تبدیل شده

که عمل کرد حکومتها ، پارلمان و احزاب بورژوازی همه را تحت تاثیر قرار میدهد ،

نیرو های ارتجاعی بسیار متعصب ، منافع سیاسی خود را بالاتر از منافع ملی کشور های شان قرار داده ، از جنگ سرد

استفاده کرده بعضی ازگروپ ها وادربالغان های ممالک امپریالیستی زیر نفوذ و اثر خود قرار می دهند ، احزاب راست افراطی که از دیر بنام احزاب محافظه کار یاد می شوند یا نیرو های ارتجاعی یکجا قدم برمی دارند ،

و از پشتیبانی و همبازی آنها دیه های کارگری دست راستی بر خوردار می باشند عامل عمده دیگر ایدئولوگ های بورژوازی اند که با تعصب بر ضد ایدئولوژی هوراساز طبقه کارگر دارند سد راه دیتانت میگردد .

نیروی چپ افراطی عامل دیگری است که با ارتجاعی ترین نیروهای بین المللی همدست شده دیتانت یعنی صلح و آرامش را مانع می گردند و خود را با اسیل ترین مدافعین جنگ هموا می سازند .

یکی از راه هاییکه محافل مرتجع جهان می خواهند دیتانت را رد نمایند این است که آنرا مانند «جاده یکطرفه» جلوه داده میگویند که تنها کشورهای سوسیالیستی و مملکت های جهان سوم از آن بهره مند میگردند ...

بافر نظر داشت این عوامل ودلایل چه میتوان دراین مورد گفت ؟ آیاتجام کشورهای از خود تا بزرگ ، کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی به صلح علاقه مند نیستند ، پس حصول صلح تنها از طریق دیتانت می تواند انجام پذیرد و بصراحت می توان گفت که همزیستی مسالمت آمیز و دیتانت بر ای امنیت جهانی اهمیت حیاتی دارد و همه کشورهای هاز خود ناپزیرک - صرف نظر از نظام سیاسی شان باید به آن علاقه مند بوده و در

تعیل و تطبیق آن بکوشند ...

معنوی ژوندی دی

ژان کافایت

د مثال په توګه کله چې دیوی ورځې دکړ- او نه د کار څخه وروسته دمه کولو وخت او د یوې خړولو وخت رارسیری دغه وچ فرمان موږ ټول لږ ټولی :

(اوزوهر) . یعنی باید سره بیل شو، سپیری ولټوو میاشی وښرو دینخوا وېو دوش ونیسو وتلی شو او د اسی نور کارونه . پر عینی حال

کی باید خپلی ځولې بطلون کمیس نیکر قاشوغه اولونې هم وساتو په تیره بیانته ښایې چې د یوې کوږون یوه شیه له ځانه لرې کړو یوه ګډې په پښه هوا کړلوخ لېږدولو او انتظار باسو او یاداجې په منډه سارا ناستی ته خوا

یا یو یو د بلوک درنيس په وړاندې تیرېږو، ددغو ټولو کارو نو په ترڅ کې نه ښایې چې دکالو او د یوې غوټه له ځانه لرې کړو . په اونی کې ښه ځای او ځنې وختونه درې ځلې سپیری لټوو . د یو کټ پر سر لوڅ درېږو او

سلمانې راځی یو لاسی څراغ سره ژموږ ترڅر او د پښو منځ په ډیر ځیر سره ګور ی

بسی تر څ کی زموږ کمیسونه او نیکرونه د اشنوید نه ست» له خوا معاینه

کیری بدمرغه به هغه څوک وی چې یوه سپیره یږه په کالو کې ولیدله شی. هرکله چې کومه سپیره پیدا کوو باید هغه ووژ نو او ښه نیتانه یی

هم له منځه یوسو . ددی کار لپاره ډیری درې چاری شته چې دلته د مثال په توګه به یی یوه نمونه تاسی ته ووايم .

سپیره په یوه معینه درجه تود وځي گسی له هینڅه ځی له همدی امله نازیان سپری د صفر لاندی یخنی کی لوڅ لېږدوی وروسته له څو شیبو څخه سپری ډاډه کیری چې نوډ

سپین وژي هم له هینڅه تللی دی اوسپری خپله هم که مقاومت ولری ژوند پاتی کیری

کله چې تفتیش پای ته ورسید ښایې کالی بیرته و ټغو ستل شی او خپل برستن

په اوږ وواچوی او د خوب د ځای د ټولو لپاره بیره وکړی او د بریالیتوب په صورت کی

ددغه ځای دخوندی ساتلو لپاره هڅه وکړی چې ددغه ګاو په ترڅ کی اڅ اوډب هم واقع

کیری . او پس له دغو کارونو څخه کله چې سپری خپله وچه ټوپی په لاس کی نیسی نور

پخوانی اشتباهه هینڅه تللی وی. زه د غلېمان ددغه فن متخصصین دی . نوی کولی شی چه

ډیر ساده او عادی کارونه په مشکل کارونو بدل کړی .

د شقاوت واقعیت پدی کی نده چې یو واحد درد پرسیږی باندی د تل دپاره تحمیل کړی، سپری ورو ورو ددغه درد په دغملو عادت کوی که

دهغه ټپ سر چی لږ ښه شوی وی . بیرته خلاصی کړو درد او کړاوی لا ډیری دای دنازیانو رمز او فن دانسانی حساسو وشتودله

مینځه وړلو په لاره کی . ددغه فن په نتیجه کی او پدی توګه یوه بل پس له مینځه ځی.

کله چې دلته راغلو موږ ته یی ویلی :

(تاسی به هیڅکله څه شی ونه لیکي) . څوموږته دغه فرمان حیرانوونکی نه وځکه چې پوهیدو

دغه ټول غلیمانو سره مخامخ یوځایه ورځ یی دیند یانو ترمنځ کار تونه وویشل چې څه

پکی ولیکی . موږ ویلی چې پښه موضوع کی به کومه اشتباهه پېښه شوی وی . خودوی

ژموږ په ځواب کی وویل :

لکه دنورو غوندی تاسی هم حق لری چې پنځه ویشت کلمی ولیکی .

او موږ هم ولیکل، له یی ساری شورا وروسته سپری د لیکلو لپاره ښی کلمی موندله کړو .

یواځی موږ، هوکی دغه ګران موجود کولای موږ کارتونو کی ولیکل. څومره زیار موږ اینه

شوای چې ژموږ د لیکو نو په معنی پوه شی. (شریر) کار تونه ټول کول . موږ سوچ

کاوه چې : کار تونه یی یی لیرلی وی . باید لیرلی وی .

اوس به هرو مرو رسیدلی وی ، داداسی کار تونه ووچي کولای شوای چې فرانسوی کوږ-

نیوکی حتی دیوی ورځی لپاره عشق او خوبنی ژوندی کړی .

نن سبا به ځوابونه را ورسیری . اوس پوره دوی میاشتی کیری چې کار تونه مولیرلی دی .

یوه شپه کله چې دنورو ورځو څخه زیات سترې وواو باران هم اوریدلی دی (شریر)

دحاضری په وخت کی موږ ته زیری را کوی چې دلیکونو ځوابونه موږ ارسیدلی دی . دغه

څیر ژموږ لپاره یی ساری او خوشحالوونکی دی داځکه چې بالاخره موږ ته هم د خپلو غریزانو خبر راوړسید .

د زیری او خوشحالی څخه مو سترگمی پرېښی. دچا لپاره به ځواب راغلی وی !

موږ ټولو لپاره . (شریر) او د بلوک رئیس بداسی حال کی چې کټ کټ خاندی اود خندا له

ژوده یی پلوږی څوږی پیری هماغه کار تونه چې موښپړاونی مخکی لیکلی وو بیرته را کوی دوی اصلا دغه کار تونه ندی لیرلی او یواځی غوښتی

وچي پر موږ باندی ملنډی ووځی. د (سوشو) کارگر (لوی بزرګه) پر غنی تلنکله باندی چې ژماتي څنګ اواره ده تاست

دی او هغه کارت چې په هغه کی یی خپل ټولی هیلې او عشقونه لیکلی وو دخپلو ډنگرو گوټو

په منځ کی تازه وی . زه پوهیږم چې دوه پنځه اواره گلن ماشومان لری .

پر ډنگر مخ باندی یی یوه قطره اوښکه لویږی . دغه سپری چې له کوم شکایت څخه

پرته یی دیند یخانی ټول رنځونه او کړ اوونه زغملی و ددغه روحی صدمی څخه به له پښتو

ولویږی . او، بشرفو نازیانو! سره له دی داسی وخت به راشی چې تاسو به وختی کړای چې موږ

رښخند کړی . یعنی هغه شیبی چې تاسی خپله پخپله ورځپاڼو او وینا وکی اقرار کوی چې ماتی

موکړی ده دغه شیبی چې د تاسی د پوره ماتې نښی نښانی دی ژموږ ژوند ډیری ښی شیبی دی

د ډاډ او ژوره ورتیا شیبی دی . (دا ستراحت کړی)

بیا هم یو بل بریالیتوب . د کاراونی پای ته رسیدلی ده کار دشنبی

ورځی په مازدیګر پای ته رسیدی او بیاد نوشنبی به سهار پیل کیری . ښایې بوښتنه

وشی چې دکانو کارگرانو ته ولی دومره اوږده دخصتی ورکوی . دلیل یی ساده ده . پداسی

شرایطو کی چې موږ کار کوو که همدغه استراحت نه وی یو معمولی سپری نشی کولی

چې ځوانی ژوندی پاتی شی ، څو پدغه شکل د قیدی د قوی تحلیل څوموده اوږد پیری او یو

معمولی سپری کولی شی چې تر شپږو میاشتو پوری مقاومت وکړی . نازیان چې دندریجی

وژلو متخصصین دی همدغه موده یی د معمولی انسان د پوره له مینځه تللو لپاره اټکل کړی

ده څوسره له دی دهغه سازمان په مرسته چې فرانسویانو منځ ته راوړی دی شل کسه فرانسویان

اته میاشتی ژوندی پاتی شوی دی . ژان او (لوی بزرګه) مړه شول ژموږ درې کسه نور

ملګری روغتون ته منتقل شوی دی . دغه حالت دشار لوډ بریالیتوب غږته خاصه

بڼه وریځنی . دبلوک په غولې کی دحاضری نه وروسته قید

یان خپل ټول کالی باسی او خپلو پېښولاندی

یی پدی سلمانی موږ هریوه ته یوه ټوټه صابون را کوی . سره له دی چې لمر شته خوسا په

ډیر سخت دی او موږ ددی لپاره چې ځانونه گرم کړو ټوپ و هوو . هغه ددوازه چی موږ په

اغزی لرونکی مزی سره داردوگاه دنورو برخو څخه بیلولی خلاصیری او قیدیان په خفاسته

دحمام خواته درومی . غښتلی کسان کوم چی دنورو نه پوهی ځانونه حمام ته رسوی نیکمرغه

دی ځکه چې خپل ځانونه دټولو نه مخکی له یخنی څخه غوری . فرانسویان طبیعتاً وروستی

کسان دی . موږ په آزاد ه هوا کی دهغه سمندی اهررو په سیوری کی چې داردوگاه او دکالی

مینځلودخونی ترمځ واقع شوی دی دخپل نوبت. په انتظار ولاړ یوله نیکه مرغه ټول لږ-

ژپږ واکه ته ډیره د خندا وپه صحنه وه. په پرانستی لاسونه اوواړو پښود هغه ښندی

له مخی چې ژموږ ددغه عفونی کولو مسوول دی ، تیرېږو . ددغه عفونی کولو دستگاه یوه

اوږد ده لوله ده چې دیوی ډبلی سره تړل شوی ده او په ډبلی کی (سولفات) مواد اچول شوی

دی . ددغه عفونی کولو مسوول سپری ژموږ په نس او ترڅرګ باندی مواد شیندی داسی ښکاري

چې د ډیر سوږ شاور لاندی ولاړ یو، ساپه موکیری . ځولاتی اوسه پوری کار پای ته نه دی

رسیدلی کله چې د بدن د مخکی برخي ددغه عفونی کول پای ته رسیدی یو بل زندانی یو لوی

برس د ضد عفونی کولو مواد په ډبلی کی ننه باسی او ژموږ په کسو تاتی کسی مویشی

دالومیری ځل ندی چې دغه شان ته ازموینی پر موږ عملی کیری خو ددغو عملیاتو

بدلیل وجریان دتنوع سبب کیږی بدغه شکله دبلوک قیدیان یوه نه هیریدو لکی

خاطره لری . هغه داچې دیوی اوږدوکی هره شپه یی په یو خاص شکل سره یی موږ آزاد

ولو . ددغه ازار وروستی پړاو دا چې پوره پنځه عفونی کولو نه وروسته ښایې چی

دحمام کولو لپاره ډیر زمینی ته ننوځو . دغه دگرمواو بوحمام موږ ته خورا خوند را کوی

دخپل ځان دو چولو لپاره هیڅ شی نلرو لنده څښتنه ډیر زمینی نه بیرته پورته کیږو

زما ځوان دوست (تونی) دکالی پری مینځلود کوټی دکړ کی له لاری یوه قدینه لږ کوی

زه وروسته له دی چې خپل ځان وچوم قدینه لورو ملګرو ته ورکوم . ټولی ډیو پری نجیب ځوان

دی عمر یی دښار لوډ عمر په اندازه دی . دی دوه کاله مخکی دکمونست ځوانانود یسوه

سازمان دجوړولو په تود نیول شوی دی . دی دفرانسویانو د لومړی کاروان سره

اردوگاه ته راغلی دی اوددی لپاره چې په بهرنی ژبو پوهیږی کولای شوچی په یوه ښه کومانډو- کی ځانته مناسب ځای ومومی .

ژوندون

زه په اردوگاه کې دننه ملگرو سره دده په وسيله اړيکي ټينگوم . روبرت له يوکاروان سره داروگاه څخه تللی او هيڅ احوال يې نشته .» (توني) دهنو کسانو څخه دی چې (تاناو) په کلون داروگاه دپټ سازمان لارښوونه په لاس کې لري .

هغه په ډير شور او زوږ سره چې دهغه د مهربان طبيعت ډير نده دی کارکوي . هغه کله چې دښه ماته را کول په غوښت يې راته ورو وويل : «کيف» خپلواک شوی خواالمانيانو دغه موضوع رسماً تائيد کړی نښه دغه خبر د اورد چا و نسی په څير دفرانسويانو ترمنځ خبريږي داسي ښکاري چې وژوونه مو خلاصی شوی وي . کله چې دښي ډوډی خوږل پای ته ورسيد، دغولي په يوه څنډه کې سره توليږو .

اندره زما څخه پوښتنه کوي : سوگوره چې ددواغ ونه وايي ، بابا؟ نه . پوهيږي چې زه هيڅ وخت ددواغ نه وایم .

نوهي کله چې المانيانو څخه دی ويلی، تاسي له کومه خايه خبرياستی .

دادواژ ساتلو اصل دی . خبره دلته ده چې دغه موضوع حقيقت لري . نه ښايي چې آن ډير وټږي دوستانو ته ووايي چې په اردوگاه کې دمعباري يوه پټه دستگاه شته چې په هغې باندی يواځې خوښه خبري اوبس اوک زه دهراژ ونشم ساتلی څنگه کولای شم ډاډه وواسم چې هغوی زما دغه خبره نورو ته نه وايي .

موديس پوښتنه کوي : نوپدی اساس دوستان پولې ته نږدی کيږي اودی خواته راځي ؟

سميون ځواب ورکوي : (دکليف) خپلواکي هغوی دپولنډ دپولي دوه سوه کيلو مترې ته رسوي . اوس ښايي چې (ډيتومير) خواته پرمختګو کړي .

اندره په خوشحالي سره وايي : نو داسي ښکاري چې کار پای ته رسيدلی دی ؟

(سرب) ځواب ورکوي : (نه) بابا ! لاتر اوسه پوری پای ته نه دی رسيدلی . زه نه پوهيږم چې له ډيوسترسين څخه ډيو ستر پوځ دتيرولو په ستونزو باندی پوهيږي که نه ؟ پداسي حال کې چې دغه سمين (دنی پر) يو کيلو متر پلن والی لري . برسیره پردی ښايي پوه شي چې روسان دڅرايو اووو بچاډ ويسمو څخه تيریږي . بايد پدغو سيمو کې چې داړيکي ټينګولو وسيلی له مينځه تللی دی دپوځ دځوراک موضوع اودجېبي دساشه اړيکي ټينګی وساتي .

ددوهی جېبي څخه هم خبر نشته ؟ سوږياځنډ به دغه جېبه هم پرانستله شي .

خوناهر ا تراوسه پوری لاروسان ډيروژل شوي نه دي ؟ نو موږ به (نونل) اختر همدلته تير کړو ؟ ډير امکان لري .

(سرب) بې له دی چې وځاندي پوښتنه کوي : څه فرق کوي ؟ دادی نه خوښيږي ؟ کوي :

يعنی مطلب می دده چې دنوی کال اختريه بل ځای کې را باندی ښه تيریږي .

(سرب) اعتراف کوي : اوکه دغه ځای نه زه وژغورل شم په راتلونکی وخت کې به دا زما وياپوړی چې دلته می دغه شان ورځی تيری کړی دی .

اندره وايي : زه پر عکس . که موږ ددغه چېرې نه ژوندی ووځو هيڅوک به زموږ په خبرو باورونکي دمثال په توګه موږ ته دلته (مجرمين) وايي زموږ لقب مجرم دی . او موږ ته په همدی نوم څير کوي ، ته خپله سوچ وکړه کله چې زه وغواړم خپلوملګرو ته دخپل (مجرميت) ژوند تعريف خپلوملګرو ته دخپل (مجرميت) ژوند تعريف کړم چې څرنگه مجرم شوم او جرم می څنگه زده کړه زما خبری به ومني ؟ او برسیره پردی دغه ژوند هيڅ تعريف هم نلري .

کله چې دخوب نه باخيري بايد ډير ژر خپل سامان په لاس کې واخلي دمتروکو له کډارونو نه تير شي او خپل ځان په يوګار باندی (هر څه چې وي) بوخت ويښتي تر څو چې له وهلو او ټکولونه خلاص شي . آن مستراح ته (دساوانستی ځای) هم بايد خپل سامان او لوښی له ځانه سره يووسی کته در څخه غلاکيږي .

ددی لپاره چې دحاضری په وخت کې دلقنو او خيږ و څخه ځان وژغوري ښايي چې دټولو څخه مخکې هلته (دحاضری ځای کې) حاضر شي او هلته هم بايد گوشي وکړي چېسې دبلوک درئيس څخه ليری ځای پيدا کړي که نه شيبه دهغه خبره درسپړي يعنی هر وقت دليک در او آخر څخه ځان ليری وساتي کله چې کار ته ځي نه ښايي چې داسې د افرادو څنگ کې لاړ شي .

لاسونه ونه ښوړوي . مخصوصا بايد خولی وباسي . دژينو څخه دښکته کيدلو په وخت کې بايد دليک منځنی برخي کې ځای ونيسي . دحاضری په وخت کې بايد خود نمايي ونکړي کوماندوکی تر ټولونه مخکې حاضر شي ، دکار دپيل په وخت کې هيڅکله دژبيل ډولسو داوطلب نشي ، په تيره بيا زياد وباسي چې خارجيانو (بېرزيو) سره يواځې پاتې نشي ، دکار په وخت کې ښکته پورته ښی اوکين ته ځيرو اوسی ، خپل قدمونه او حرکتونه بايد ښه وسنجوي تر څو چې قوت دی بېخايه څرخ نشي . پوره له ډير ضروري وختونو نه خپل انرژي مصرف نکړي ، هيڅکله خپل ځان ونه ښيي او تل بايد زيار وباسي چې گنم او پټ پاتې شي . داش دوپشلو په وخت کې بايد پداسي نوبت کې ودریږي چې دديګی لاندنی او وروستی برخه دی په نصيب شي . دډوډی خوږ لونه وروسته (دکاپو) دټول څخه ځان لري وساتي او يواځې

ځان هغه وخت ونيسي چې کارونه او مسو- ليوونه ويشل سوي وي ځان داسي عيار کړي چې په آفتابي ورځو کې په سپوږمۍ او په سپوږمۍ کې په لمر کې کاروکی . دا بايد زده کړی چې په ژبيل کې دتيرو تيرو دځای کولو په وخت کې دی لاسونه اوکونی ټپي نشي ډېر توجهی له مخی دکار په وخت کې دی بايد ځان خوږ نشي . تل بايد داسې اس په خت کې ځای ولري او هيڅکله تش لاسونه او بيکاره دهغه په وړاندی ونه دريږي . دکار دپای ته رسيد لونه وروسته دسل کسيژون لپاره لمری لري کې ځان ته ځای ونيسي تر څو چې په اسانۍ سره له زينو څخه پورته شي . دهغو ليکونو څخه چې دټپيانو دوډلو لپاره دی لکه طاعون غوندی وتښتي . ددی لپاره چې دماژديگر حاضری نه وروسته ډوډی دوت له ونه رسپړي بايد دخپل نوبت خيال وساتي .

اوپيد خوب په وخت کې بايد داسي يوه تلټکه لاس ته راوړي چې نه لنډوی نه نازکوی اونه نری ، او هغه وکړي چې ددو فرانسويانو منځ کې ځملي اودخپل ځان لپاره اوت ځسای مينده کړي اوداسي هڅو کې چې ژر ويده شي . دادی په پورتنی تعريف سره گويي چې زموږ دغه (جرمه يي) يعنی دمجرميت ؟ ژوند چندانی خوند نلري .

شار لووايي : اوله دغو ټولو کارونو دسره رسولوسره بياهم دخوب په وخت کې دچورابو نو دښه ايستلو له امله يوه درونده خيږه خوري . چورت دی مه خرابوه (دده) چانه روسانو ځانونه (کي ښه) ته رسولی دی . هوكي ، دامو نيکه وږي ده .

همداسي چې غږيدو ، وخت ډير تير شوی او دماژديگر دحاضری وخت را رسيدلی دی . يونيم ساعت په ليک کې او يوساعت دډوډی لپاره دريدل . نن يوه قاشوغه مربا او يوه ټوټه سپين پنير هم په پروگرام کې شته . موږ خپل وجه ډوډی ښه څيره او خپل پټير او مربا پر هغه باندی موښو ، چې پدی توګه ښکلی رنگ غوره کوي .

آوشزبين ! آلمانی کلمی يعنی دکوتی په لور ! ...

څه پيښه ده چه ؟ طبي کتنه ؟ نه هيڅ يوږي هم نشته . دسپړ و دتلولو لپاره راغلی دی . او موږ پدی توګه دخپل ميله مستيانه دخوند اخستلو وخت له لاسه ورکړ . په هره توګه چې وو خپلی دډوډی ټوټی موږه بيسره سره له ستونی نه تيری کړي يوځل بيا موکالی وایستلی او لوڅ لير ودرېدو . دغه پلټنه هم يوساعت اوږد شو . پس له هغه نه دکوتی مسوولين څو ټوټی کاغذ دتلکو پرځای پرمخکې باندی غوږوي . دادری مياشتي کيږي چې سپين وډير والی له کبله په تلټکو باندی نه خپلو يواځې آلمانيان او څوکسه خواص دغه امتياز لري او هغوی له دی امله دکوتی نيمايي برخه

وايستلی او لوڅ لير ودرېدو . دغه پلټنه هم يوساعت اوږد شو . پس له هغه نه دکوتی مسوولين څو ټوټی کاغذ دتلکو پرځای پرمخکې باندی غوږوي . دادری مياشتي کيږي چې سپين وډير والی له کبله په تلټکو باندی نه خپلو يواځې آلمانيان او څوکسه خواص دغه امتياز لري او هغوی له دی امله دکوتی نيمايي برخه

نيسي اودسلو کسويند يانو څخه اتيا کسه دکوتی په منځنی برخه کې ځملي زه لکه نورو سپو غوندي (دسري) او (شارلو) به منځ کې دکاليزی جشن و . تصميم نيسو ددی ورځی په وياډ چې (دکليف) دخپلواکه کيدلوسره يوسمون خوږی ده دخبر و اترو يو مجلس جوړ کړو .

شارلو دلوی له زوره خپل نس په سلو وځي او وايي :

څيره عجيبه ده ، کله چې سپړی وږي وي ، صحيح سوچ هم نشي کولی .

(سرب) ځواب ورکوي :

همداسي ده ، ددماي احتياج به وړاندی هر کار او هر سوچ له مينځه ځي . يوه هسپانوی ماته ويل چې دخپل دند په لمری کال کسی

دڅارويو په خبر يواځې پدی سوچ کې وم چې څرنگه کولی شم دخپل ډوډی وځني جرړه زياته کړم . اوس اوس هغه دکوتی مسوول دی او کولی شي هرڅومره يې چې زده غواړي آس وځوري اوس نوډ دپروپون فکر يې په سرکسي نشته ، خولاوه بدمرغه شوی دی ځکه چې تل خپله ښځه اوددی کوچنيان چې اوه کاله کيږي هغوی

یې نه دی ليدلی ، يادی . شارلو ځواب ورکوي :

درښتياده ، زه تاسوته اعتراف کوم چې پدغه شيبه کې دهپل موږ اوڅور په هکله چرت نه ووم . دلته انسان دڅاروی ښه غوره کوي .

بايد ويده شو شارلو اوددادلوږی په هکله هم سوچ ونکړو .

پدی ترڅ کې (پتي لويي) دسارا ناستی څخه بيرته راستنيدی اوغواړي چې پخپل ځای کې دفرانسويانو په منځ کې ځملي خوله بده مرغه يو او گرايینی دهغه ځای نيولی دی او

هيڅ خبره نه اوري ، هر دليل چې ورته وايي نه يې مني . (پتي لويي) چې ددغی وضعی زغم نشي کولی خپل ځان په يواځې اچوی او گرايینی

هغه بيرته دفرانسو يانو خواته ټپل وهي او فرانسويانو هم زور وهي چې مبادا ځايونه يې تنګ شي . په آخر کې پتي لويي ځان ځايوی اونور بند يان غوږ پيږي .

سرويه فرانسو زن (آلمانی کلمی يعنی فرانسو- يانو چې پي ش) .

پتي لويي ورو وايي :

هر څوک چې ماته لاس نږدی کړی خوله به يې ماته کړم .

(نوبيل)

در نمایش های که انجام شده زنان به خوبی نشان دادند که چگونه بصورت خوب میتوانند هنر رقص ورزشی را با هم یکجا به نمایش بیاورند.

بعد ها بعضی از عناصر رقص اکروباتیک جز این ورزش گردید بنابراین گفته میشود که رقص های اکروباتیک نمیتواند باجمناستیک و اساسات جمناستیک مدرن امروزی در تضاد واقع گردد.

متخصصین این فن عقیده دارند که بازی گنان جمناستیک مدرن که به تدریج از رقص فاصله می گیرند این امر باعث میگردد که به تدریج وبا گذشت زمان جنبه های احساساتی و عصبی خود را از دست بدهند.

در عوض مهارت و ظرافت دختران تنها در قسمت تمرینات فیزیکی تکامل خواهد نمود.

هر قدر ورزشکاران این جمناستیک را که دختران تشکیل میدهند در تمرین این ورزش دقت به خرج دهند بصورت خوبی می توانند هنر ورزشی را با بهبود و تکامل بخشید چنانچه گالیما یک ورزشکار وزیده این جمناستیک است.

او یک ریسمان تباری را با مهارت خاص به پیش انداخته خودش به تعقیب آن حرکت میکند دفعتا خیز زده با پا آفرامیزد این عمل او سبب میگردد که ریسمان مذکور شکل بشوی و حلقه را بخود اختیار نماید با تشکیل این کار او چنداین تمرین رقص اکروباتیک را اجرا می نماید.

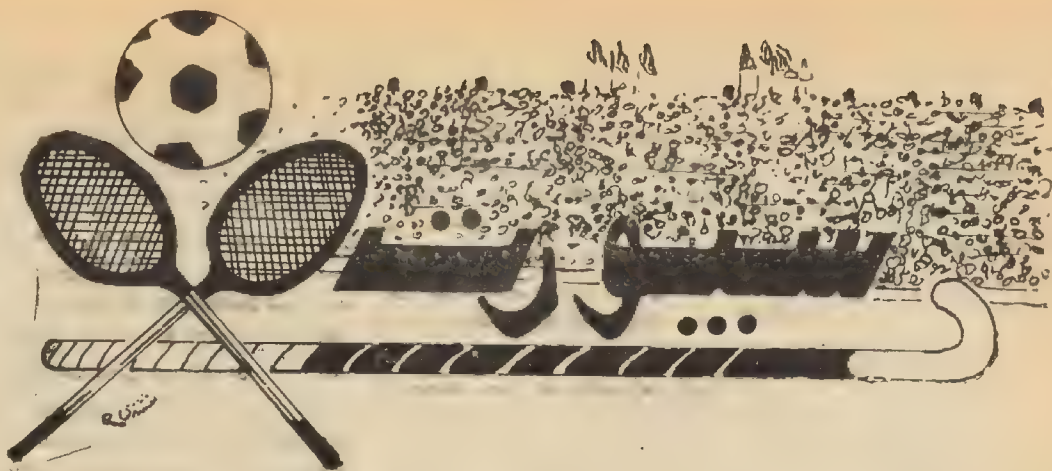
بازی کنندگان این هنر جمناستیک عبارتند از دیوگیمستادور اتساجاشوروی گی گرووا در بلغاریه ریسپر در جمهوری فدرالی آلمان سندوک در ژاپن که با مهارت توانسته اند با انجام این ورزش شهرت بسازی در جهان کسب نمایند.



بازی بانواریکی از خصوصیات عمده این جمناستیک رامی سازد.

گالیما چنان با مهارت توپ را در دست داشته و ورزش را اجرا میکند که بینندگان تصور میکنند که گویا توپ در دستها با زو و اندام او و کاملاً جسیده است و فیکه او توپ را بدور می اندازد بصورت معجزه آسان توپ باره به او نزدیک میگردد همه این کارها با نوازدن اشارات مخصوص موسیقی می تواند صورت گیرد.

زوندون



مرجم : ح عمادی

جمناستیک مدرن و یا آنچه را که المپیک

فاقد آن است

گویند جمناستیک مدرن مذکور از مکتب رقص باله که در سال ۱۹۲۳ تاسیس گردیده الهام ویر چشمه میگیرد این مکتب رقص باله توسط یک نفر امریکایی بنام دونکن در ماسکو افتتاح گردیده بود.

گفته میشود که جمناستیک امروزی تا اندازه به رقص شباهت نزدیک پیدا کرده زیرا در این جمناستیک زنان با حرکات موزون بدن شان چنان حرکات جمناستیکی

است که اشکال ظریف هندی را نیز با خود همراه دارد و در مسابقات المپیک بین المللی مقام ارجمندی را کسب میکند.

نظریات نادرست هم در مورد ریشه و اساس جمناستیک مدرن امروزی وجود دارد که می

دومورد جمناستیک مدرن امروزی نظریات متعددی وجود دارد اینکه آیا این جمناستیک بصورت عمده یک ورزش است یا اینکه نوع از هنر. بنابراین گفته میشود که جمناستیک مدرن امروزی یکی از عمده ترین ورزش ها



ورزشکار بازی جمناستیک مدرن در حال اجرای این بازی

ورزشکاران ما باید آراسته

به اخلاق سپورتی باشند



دختران حین اجرای نمایش با مهارت حرکات موزون را اجرا می نمایند.

آوردند ، که در حدود دو هزار ورزش کار در چمناسستیک مدرن امروزی درجه ماستری بدست آوردند .
نمایش های در جریان است که این ورزش جدید را به حیث يك مضمون ن درسی در مكاتب نیز همگوش سایر ورزش ها به شاگردان بیاموزند . این ورزش جدید مختص زنان و دختران است و گفته میشود نمایش های مشرق در جریان است که این ورزش در مسابقات بین المللی نیز مقام های ارجحندی را حاصل و به جهانیان معرفی گردد .

همچنان اجرای این تمرینات بسا دیسمان نوار نیز عین حقیقت بازی دلچسپ را نشان میدهد . دلچسپی و خارق العاده بودن این ورزش تعداد زیاد مردم را بخود کشانیده است و میلیونها تما شاجی از مسابقات مهم و دلچسپ این ورزش دیدن بعمل می آورند . در اتحاد جما هیر شوروی سوسیالیستی هزاران زن و دختر درین چمناسستیک مد ر ن ثبت نام می نمایند که از جمله ثبت نام کنندگان سیزده نفر شان توانسته اند سرآمد همه گردیده و مدال های بدست

قسمت سوم

نگرشی بر سوابق تربیت بدنی و تحولات ورزشی در اتحاد شوروی

کاپلنوف بسال ۱۹۶۳ شامپيون وزنه برداری شده ، ویکتور کوز نتسوف و ولادیمیر گولو وانوف در سال ۱۹۶۴ از جمله قهرمانان وزنه برداری اروپا و از زمره قایم کنندگان ریکاردهای جدید این رشته شناخته شدند ، اینان با شرکتشان در بازیهای توکیو يك مدال طلا و دو مدال نقره را از مغان آوردند . الکسی واخونین معدنچی و آموزگار وی رودلف پلوفیلدر کارگر برق قهرمانان المپیا توکیو شدند . ایوگنی گریشین دونده ماهر در بازیهای المپیک ۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ که مسابقه دویین پنجم و یکپزار وینچسند متری را برنده شد ، دو مدال طلا و بسال ۱۹۶۴ يك مدال نقره را بدست آورد ، اکثر اعضای خانواده اش در بازی روی یخ هم مهارت بسزایی دارند . از آنجمله (مارینا) خانمش از چهره های قهرمان اتحاد شوروی شناخته شده است تیم ها کی یخ شوروی طی سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۴ ، ۱۹۶۵ ، ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ برای مدت پنجسال مقام قهرمانی را در جهان داشته است

بوریس مایار وف کپتان این تیم به سال ۱۹۵۲ در بازیهای هاکي قدم گذاشت وبا (سپاروتک مسکو) پیوست . تیم یاد شده برای نخستین بار در بازیهای ستاکهولم (پایتخت سویدن) مقام قهرمانی دنیا را حاصل کرد . ولادیمیر کوتس یکی از قهرمانان بازیهای المپیک ملبورن ، شامپيون اروپا و قایم کننده ریکاردهای جدید در مسابقه دویین است . به نحویکه در سال ۱۹۵۷ در دوم ریکاردهای پنجپزار متری را قایم کرد که برای مدت هشت سال ثابت ماند و دیگر ورزشکاری آنرا نتوانست بشکند . وی در اگست سال ۱۹۵۳ طی مسابقه بین المللی بخارست (پایتخت رومانیه) در برابر ایمیل ژاتوپیک دونده تندگام چکوسلواکی و برنده سه مدال طلائی از بازیهای المپیک هلستکی میشی جست و او را شکست داد . یکسال بعد در مسابقات قهرمانی برن (سوئیس) با زهم ولادیمیر کوتس نسبت به ژاتوپیک ورزشکار

بقیه در صفحه ۴۴

خواهند گان گرا نقدر صفحه ورزش مجله ژوندون آگاهند که چندی قبل مسابقات ورزش نور نموت خز انسی سمت شمال در ولایت بلخ خاتمه پذیرفت که در این مسابقات تعداد کثیری از ورزشکاران آن و لا حصه داشتند چند روز قبل یکی او ورزشکاران زیبا یی اندام ولایت بلخ به کابل آمده بود که از طرف ریاست عالی ورزش جهت مصاحبه به دفتر ژوندون معرفی گردید ، خیر-نگار مجله قسمتی از صحبتش را که با ورزشکار مذکور انجام داده جهت آگاهی شما و معرفی بیشتر ورزشکاران بدست چاپ سپرده که خدمت شما ورزش دوستان تقدیم است .
جوانی با چهره جذاب و برخورد شیرین و مواد یانه وارد دفتر ژوندون می شود بعد از احوال پرسسی میگوید : مصاحبه شما می کنید . میگویم بلی بفرمائید میگوید ، از مزار شریف آمده ام و ورزش کار زیبا یی اندام می باشم .
«خوب چرمشود اگر خود را به خوانندگان محترم ما معرفی کنید .
«اسم محمد اسمعیل و در ورزش کتاب های تخصصات نفت و گاز مزار شریف مشغول و وظیفه می باشم .

باید بگویم کلبه های که قبلا در آن عضویت داشتیم کلبه های آزاد بودند که در مسابقات هم حصه داشتیم بعد از پیروزی انقلاب تکیو همدند نور بقیه در صفحه ۴۴



محمد اسمعیل ورزشکار جوان و خوش اندام

قهرمان جهان شطرنج اناتولی کارپوف

داخلی و بین المللی برای کما نیکه به
قهرمانی او مشکوک بودند دیگر جای شک
و تردید باقی نگذاشت .

یکی از نمونه های بارز و فیت های او
در مسابقات افتخار دریا فت پنج مجسمه
کوچک نقره ای است که فعلا ترین دهنده
خانه او می باشد . این مجسمه ها جوایز
«اوسکار» اند که سالانه از طرف اتحادیه
ژورنالستان مسابقات شطرنج برای
بهترین بازیکن شطرنج سال اهدا میگردد
کارپوف بار دوم غرض حفظ لقب قهرمانی
خود برای اجرای مسابقات عازم فلپا شد
درین وقت شهر باکیوتو چه ژورنالستان
جهان را بخود جلب کرده بودو از همه اطراف
واکناف زمین به شهر باکیو سرازیر
شدند . اناتولی کارپوف انسان متواضع
و با همه به بسیار نرمی رفتار می کرد
دری نگذاشت که توچه مردم و درین
شهر بخود جلب کرد . در مقابل حریت
بطور دیگر رفتار می کرد . کورچنوی که
در مقابل کارپوف قرار گرفت یکی ز
بزرگترین استادان شطرنج است اما در
پهلوی این صفات خوب خود در وقت
مسابقات چارو چنبال های را بر با می
کند که به شطرنج هیچ ارتباطی ندارد و همه
خوبی های او را برهم می زند در سال
۱۹۷۴ و قتیکه کورچنوی در مقابل اناتولی
کارپوف مغلوب گردید لیبخوامت خود را
معلوب نشان دهد و دره قابل حکم از
رفتار های غیر سپورتی کار میگرفت و
تاحدی رسید که بالاخره از بازگشت
دو باره به وطن خود یعنی اتحاد شوروی
ایا ورزید .

وقتیکه و یکتور کورچنوی به ما نیلا
رسید نه تنها پسر گرام سپورتی باخود
داشت بلکه میخواست که بازی های
شطرنج خود را جنبه سیاسی بدهد
همینکه به فلپین رسید دریک مصاحبه
مطبوعاتی حرف ها را به باد دشنام گرفت
و اعلام داشت که در حین مسابقات اوضاعی
را بوجود خواهد آورد که برای کارپوف
غیر قابل تحمل باشد . کورچنوی ازینکه
انسان خود خواه است و از لفظ تواضع هیچ
خبری ندارد در فلپین دو مصاحبه مطبوعاتی
با یکی از خبر نگاران مجله امریکا
«سپورتس ایلیوستریتد» چنین اظهار
داشت : «من پیروز خواهم شد هر چه
را با رچه پا رچه خواهم کرد و این راه
اثبات میرسانم که کدام شطرنج
باز حقیقتا قوی ترین در جهان میباشد»
حکم بازی پیشنهاد کورچنوی را مبنی

(۹۳) روز مسابقه شطرنج غرض کسب
لقب قهرمان جهانی که در تاریخ مسابقات
شطرنج از نقطه نظر مداومت بی نظیر بود
دوام داشت . درین مسابقه هیجان انگیز که
بعضی اوقات حالت دراماتیک را بخود
میگرفت جوان (۲۷) ساله بمقام پیروزی
رسید و لقب قهرمانی را بکیو دیست
حاصل کرد . این جوان اناتولی کارپوف
نام دارد .

اولین بازی غرض کسب لقب قهرمان
جهانی در سال (۱۸۸۶) صورت گرفت
در نتیجه ستینس لقب قهرمانی را بدست
آورد . از آنوقت تا حال تقریباً (۹۴) سال
میگذرد . درین مدت (۲۹) بازی غرض
کسب لقب قهرمانی مسابقات شطرنج
بوقوع پیوست و (۱۲) نفر لقب قهرمانی
را حاصل کردند . بعد از ستینس لاسکر
کا با بلا تکی ، الیوین ، ایوی ، بوتو-
نیک ، سمیسلاف ، پتروسیان ، سپاسکی
فیشر و کارپوف بالاترین لقب قهرمانی
را حاصل کرده اند .

بزرگترین شطرنج باز روسی الکساندر-
الیوین تا دقایق مرگ خود لقب قهرمانی
را حفظ کرد . شطرنج باز امریکایی
وورت فیشر بدون کدام عامل از اشتراک
در مسابقه ایا ورزید و لقب قهرمانی خود
و از دست داد و درین شش سال در هیچ
یک از مسابقات شطرنج اشتراک نداشت و ورزیده
است و به عوض او جوان (۲۷) ساله از لیبنگراد
اتحاد شوروی بر مسند قهرمانی شطرنج
تکیه زد .

موقعیت های بی هم کارپوف دو مسابقات

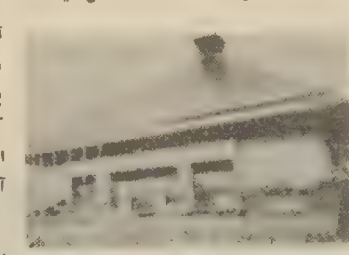


کارپوف بعد از پیروزی بالای کریسف خود

بر استفاده از بیرج سو پس رد کرد .
حکم های بازی که در جمله آن شطرنج
بازان معروف جهان قرار داشت به
پیشنهاد های مشا به دیگر او جواب منفی
داد . بعد از اینکه حکم جواب منفی خود را
درین موارد اعلام داشت کورچنوی
حکم بازی را منتهی کرد که گو یا انها
از اناتولی کارپوف و طرفداران او
پشتیبانی میکنند .

کورچنوی طبق اعلام قبلی خود سعی
میکرد تا به هر ترتیبی باشد فضای بازی
را خیره کند و درین قسمت از طرق مختلف
استفاده میکرد . این نکته به همگان
معلوم است که در جریان پنج ساعت
بازی شطرنج بازان جای قهوه و غمیبره
نوشیدنی ها می نوشند حتی بعضی اوقات
تسکین اشتها میکنند . عجیب است وقتی
که کارپوف از طرف یکی از حضار از
طریق حکم بازی گیلاس ماست را در
یافت کرد کورچنوی پروتست خود را
درین قسمت نیز اعلام داشت . به فکر او
ماست نوعی از اشاره هاست تا کارپوف
را کمک کند .

در قسمت دیگر اظهار داشت که یکی از
اعضای هیات شوروی او را در اغما میگیرد
به این ترتیب هر بازی که با بازی نامی
باخت از رخوت و اغما سخن میگفت



کاخ کنگرس ، در این جامسابقات ادامه داشت

بعد از ختم بازی هفدهم و قتیکه و یکتور
کورچنوی شکست خورد روایت جدید را
پیش کش کرد و اظهار داشت که نه تنها
او را در اغما میگیرند بلکه کارپوف
را نیز درین حالت قرار میدهند و به این
کمک میکنند تا خوبتر بازی کند . به این
لحاظ حرف پیشنهاد نمود تا برده آتیوی
نصب شود برای اینکه بازیکنان
ناظرین دور تر قرار بگیرند تا دیگران
آنها را نبینند . این تقاضای غیر منطقی
او طبعاً رد گردید .

دیوی نگذاشت که به اعمال جدی تردست
زد . در وقت یکی از بازی ها در نزد یکی
کورچنوی



بازی نهایی کارپوف و کورچنوی



کیک باشمعها (سه پیروزی بهشمع) از طرف

دوم باکیو

هیات نمایندگی اتحاد شوروی مردوزن
جوان بالباس سرخ چا گرفتند . اینها
دو تبعه امریکائی از گروه مذہبی «انانده
مارگاستیون دوایر وویکتور ییاتیبارد
بودند که از اثر سوء قصد و عملیات
ترور یستی با لای دیلو مات های هندی
در سال ۱۹۷۸ توسط ارگان های دولتی
فلپین به هفده سال حبس محکوم شده
بودند و تحت ضمانت با آلمان تا غوراستیناف
آزاد گذاشته شده بودند . قسمیکه بعد
معلوم شد ستیون دو یکتور یا به شهر
باکیو عوت شده بودند تا منجیت معاویین
کورچنوی فعالیت نمایند و حتی بعیت
اعضای رسمی هیات نمایندگی خود کورچنوی
آنها را اعلام داشت .

دخول این نوع اشخاص مجرم و ترور-
ریست در فضای بازی های جهانی
شطرنج بی سابقه میباشد . هدف از
دعوت این دو نفر این بود تا بدین وسیله
کورچنوی بتواند با لای حرف بزند ،
اعضای حکم بازی فشار و انانی وارد
نمایند . هیچ کس این را پیشگوئی کرده
نمیشد است که ترور یست های که به
هفده سال حبس محکوم شده اند چه
جنا بای را مرتکب خواهند شد . این
لکته را سازماندهان بازی بوختردک
کرده بود ند نخست از ورود ترور یست
ها به سالون بازی و بعد مانع دخول
آنها به اطاق های دیگر شدند . اما در
مقابل کورچنوی تا ختم مسابقات با این
دو نفر ارتباط خود را قایم کرده بود .
جندی نگذاشت که گامه صبر اعضای

حکم بازی لبریز شد و این اعمال
کورچنوی را که جریمان نورمال و
مساعدا مسابقات را برهم میزند و به
اسامه فدا سیون جهانی شطرنج
مقاربت نام دارد بشدت محکوم کردند
و تقاضا کردند تا بدون گفتگو ترور یست
ها از شهر باکیو خارج شوند . کورچنوی
از اعمال اعضای حکم انتقاد شدید کرد
ارگان های دولتی فلپین و سازماندهان
بازی را منتهی ساخت که آنها از
اناتولی کارپوف چا بندها ری میکنند .

بقیة در صفحه ۵۲

کاخ موزیم پاولوفسک...

به این ترتیب فیو دور پروژه اعمار مجدد قصر را آغاز کرد. ایسن شخص در وقت کار به همه در موضوعات مختلف کمک میکرد و هیچگاه اشتباه نمیکرد. رسامی‌های واقعی مطالعه میکرد و غرض اعمار مجدد مواد زیاد جمع آوری گردید. بزودی در جلسه اعمار

مجدد کاخ‌های لنینگراد از طریق زینووه سخن گفته شد. هریک از سالون‌ها از خود دو سیه مخصوص داشت. همه عکاسی

ها جمع آوری میشد و مطالعه میکردند تا کمیو دی‌ها و نقاشی‌های آن بر طرف شود و یا اگر ضرورت باشد سر از نو ایجاد گردد.

بلان بارک توسط خط‌های مخصوص که علامت درخت‌های قطع شده را نشان میداد پر شد. ضرور بود تا اسناد قبل از جنگ دیده شود و نسل هر ختان قطع شده هویدا گردد زیرا بارک باید شکل سابقه را بخود میگرفت.

برای اجرای این کار عظیم به نیروی کار زیاد ضرور بود. به این ترتیب در روزهای رخصتی همه به کارهای داوطلبانه می پرداختند.

بعد از کارهای مقداری مجسمه سازان، نقاشان، نخته‌فرش‌کنندگان و مپلاکاران به موزیم سر از بر شدند و ضایعات را جیران کردند.

زینووه چون دو لسان خارجی را میدانست به او پیشنهاد کردند تا در سازمان یونسکو متجسس مشاور هنر شناس در قسمت

بقیه صفحه ۹۵

تضادهای درونی...

بازی کند که برنده و غالب باشد و تا هنوز در زمره کشورهای امپریالیستی دارای فرصت‌های متناسب بغض‌کنند تسروت بوده، علاوه‌ت در دنیای سرمایه داری، دارای نیروی اقتصادی و نظامی شامخی است. که در واقعیت امر ایسن

ایالات متحده امریکا است، که مرکز عمده ایدئولوژی سرمایه داری میباشند. هرچرخش عظیمی که در پیشرفت و انکشاف اوضاع بین‌المللی رخ میدهد، به همان اندازه در بین کشورهای سرمایه داری رقابت فزونی می‌یابد، و این نوع خصوصت‌ها و اختلافات زیاد تر آلودت بر حلقه حاد و شدید خود میرسد که بحران‌ات در حال تکوین باشد.

ایالات متحده امریکا سعی فراوان بخرج میدهد تا ارزشی دالرش را در مناسبات تجاری و بازارهای فمروشی کالا را بر ماکیت‌های رقابتی سرمایه داری اش بلند ببرد، به همین منظور است

و عرصه مخالفت‌شان هر روز وسیعتر گردیده و میگردد.

علاو‌ت درین اواخر کشورهای اروپای

غربی این درک واقعیتانه را کسب کرده اند، که به جز از پروسه دیتانت کسدام الترناتیف دیگری وجود ندارد تا تشنج را درین قاره کاهش دهد. یک چارم این دول نسبت به اتانزونی این مسئله را بارها خوب فهمیده اند که به کار انداختن میانگ‌هنگفت بمنظور مما بقات تسلیحاتی عمل پوچ و نامعقولی است که این خود نقش منفی را در مناسبات بین‌المللی و دول‌سوسیالیستی که با ما دارای مناسبات مرزی و سرحدی‌اند میگذارد، و قاره ما را به عرصه مسابقات تسلیحاتی پیونده و پوچ میبدل ساخته مصونیت و آرامش را برای همه اتباعی این سرزمین از بین خواهد برد.

دیتانت در اروپا تا ثیرات مفید و قابل ملاحظه در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی خصوصاً در مناسبات بین‌الدول گذاشته و بر کشورهای اروپایی است که دیتانت را هر چه زیادتر در قاره خود



نمایی از داخل کاخ موزیم پاولوفسک

هنرچندین مهارت ندارند متجسس روزهای جشن روز خود را سپری میکنند. ایسن مهم نیست که کدام اشخاص در نوبت اشیا قبول و دیدنی‌ها تماشا کنند.

تعقیق و تحقیق دهند، اکثریت رهبران سیاسی پوز وازی معتقدند که کنفرانس «۱۹۷۵» اروپا بغض‌پایه شدن دیتانت درین قاره یک واقعه اساسی بین‌المللی بشمار میرود و اگر به اساسات ایسن واقعه تاریخی احترام گذاشته شود و به منصفه تطبیق قرار گیرد اروپا آینده روشنی خواهد داشت.

امروز همه کس از سعی و تلاش اتحاد شوروی، دول برادر سوسیالیستی و تمام نیروهای صلح دوست این‌شکر و احترام را بجای می‌آورند، که ایشان در پیاده‌نودن دیتانت میان روزه خستگی نا پذیر نموده و این دیتانت است که سیاست بلا بازی را دچار انحطاط و پحران‌ات شدیده نموده و نیروهای متجاوز را هوا چه به نا کامی، و در عین زمان مخالفت‌های بین‌دول‌امپریالیستی را کمی نرم‌تر ملامت بخشیده است. و لی بهر حال تشریفات غرب بصورت واضح و روشن باد آور میشود که حال اتانزونی در ارتباطات اقتصادی و سیاسی خود نسبت به قبل ضعیف‌تر گردیده یعنی آن عبادت

بقیه صفحه ۹۶

نگرشی بر سوابق تربیت

چکوسلوواکی پیروز شد و در مسابقات پراگ مدت ده سال کپتان تیم خود بود و در یک تعداد بمقابل چریس چانوی ورزشکار انگلیسی و در مسابقات المپیک ۱۹۵۶ هم پیروزیهای رانصیب شد.

فوتبالبازان اتحاد شوروی در مسابقات المپیک المپورن نیز با کامیابیهای زیادی مواجه شدند، مخصوصا شطارتهای لیو یاشین گولکیر تیم (دینامو ماسکو) بفتح مکو، اتحاد شوروی اروپا و جهان افتخاراتی را حاصل کرد. یاشین سال ۱۹۶۳ ضمن مسابقات فوتبالیکه بانیمهای معروف یکتعداد کشور های دنیا صورت گرفت در مطبوعات سیوریتی لقب (قهرمان مسابقه) را صاحب شد. در سال ۱۹۶۴ بمقابل تیم یوگو سلاویا ریگارد جدیدی را قایم کرد. در مسابقات قهرمانی جهان به سال ۱۹۵۸ در سویدن بمقابل تیم استریا و در سال ۱۹۶۳ در روم بمقابل تیم ایتالیا کپ قهرمانی اروپا

گریگوری گریس فوتبالباز معروف که در المپیک توکیو از خود مهارت های پرمایه را نشان داد، آموزگار و استادش لیاقت و استعداد خلاقه سیوریتی او را بارها توصیف کرده است، چنانچه در سال ۱۹۵۸ مقام قهرمانی را بدست آورد

سیوریت بین المللی اسم او را در ردیف ورزشکاران ممتاز جهان معاصر ماقلمداد کرده است، وی در سال ۱۹۶۳ ضمن یک تورنمنت از خود کار رواییهای میچ و شور انگیز را تبارز داد و یکسال بعد شامپیون ماسکو شد و سپس افتخار شمول را در المپیک توکیو نیز صاحب گردیده و در سال ۱۹۶۵ با حصول مقام قهرمانی ملی در هالم ورزش شهرت پیدا کرد و متعاقبا بسال ۱۹۶۶ در بازیهای دور نموند تمام موقف شایانی گرفت. در سال ۱۹۶۷ میخایل وروتین و ویکتور لیسیچسکی در مسابقات شامپیونی دنیا واقع (تامپری) فنلیند نیز پیروزیهای را بدست آوردند. در سال ۱۹۶۶ تیم فوتبال خردسالان اتحاد شوروی در بلگراد موفقیت های را حاصل کردند و بسیاری از آنان بقتل در مسابقات قهرمانی سال ۱۹۷۰ نیز پیروز بدر آمدند. حصول جایزه بزرگ مسابقه بین المللی اتحادیه فدراسیون فوتبال اروپا از دستاوردهای

مساعی پیروز فندانده شان است تیم مذکور باتیم خردسالان ایتالیا که در یوگوسلاویا مسابقه دادند، مقام اول را احراز نمودند.

در اتحاد شوروی بیش از شصت رشته ورزشی المپیکایی معاصر بین المللی و اضافه از یکصد رشته ورزشهای ملی و بازیهای محیطی بین مردم رواج دارد. مانند: موترانی و آگروباسی، کوهنوردی، بدننن، باسکتبال، بسوگس، بایسکل سواری، قایقرانی، اسب سواری و سوار کاری، چمناسستیک، فوتبال، والیبال، هندبال، بازی روی یخ، سکی بازی، دویدنیا، پهلوانی، هاکی روی یخ، هاکی روی چمن، شناوری، دوویدانی، سرسره بازی، تیشی، شطرنج، بلیارد، پنگ پانگ، بگی دوانی، کرکت، چوگان بازی و انواع رشته های دیگر که ذکر همه آن در اینجا نمیگنجد. از آنجمله رشته پهلوانی، پهلوان شوروی همیشه در مسابقات بین المللی پیروزیهای را بدست آورده اند.

بقیه صفحه ۴۱

ورزشکاران ما باید

زیاد تر علاقه داشتند به هر حال در پهلوی صحت کامل، ورزش تمام افراد جامعه را نیرو مند تر می سازد و همچنان بین افراد جامعه مصمیمیت زیاد تر را می آورد که نمیتوان او صاف ورزش را در چند کلمه و یا چند سطر خلاصه کرد و همین انگیزه باعث شد تا یک ورزشکار شویم از روزیکه ورزش می کنیم فکر می آید و علاقه ام به کار دو چندان گردیده امیدوارم تمام ورزشکاران جوان ما در گسترش هرچه بهتر بازی های سیوریتی متحد امکان بگویند.

خوب عملیکه باعث برد در مسابقه زیبا بی اندام میگردد چه می باشد؟ در قدم اول ورزشکار زیبا بی اندام باید دارای اندام مناسب به زیبا بی اندام باشد، عضلات سیوریتی داشته تمرین زیاد کند و بیشتر از همه یگانا چیزیکه در برد مسابقه زیبا بی اندام رول عمده و بسزا دارد (فیگور) می باشد اگر یک ورزشکار زیبا بی اندام حرکت فیگور را درست انجام داده نتواند بنظر من موفق نباشد.

خوب اسمعیل جان اگر به ورزشکاران جوان جامعه ما پیمای داشته باشیم بگویید!

بیایم به عموم هوطنان ورزشکاران جوان ما اینست که اولتر از همه از انقلاب نظر آفرین گورتا بیجان دفاع کنند. و در نگهداری ناموس وطن از هیچ گو له فداکاری دریغ نه ووزند، تانیا ورزشکاران ما دایما آراسته به اخلاق سیوریتی باشند و هم چنان در بلند بردن هر چه بیشتر سطح ورزش دجامه ما گوشش خستگی ناپذیر

از طرف ریاست عالی ورزش در ولایت ما آمريت ورزشی تاسیس و تمام کسپ های آزاد مربوط به آن گردد که فعلا تحت رهنمایی های خوب آن آمریست به تمرینات خود ادامه میدهم البته در پهلوی رهنمای های تخنیک و تاکتیک ایکه از آن آمریت برخوردار هستیم مشکلات دیگر مام از ناحیه نداشتن جای مناسب تمرین و وسایل ورزشی حل گردیده که این خود سبب تقوی و بلند بردن سطح ورزشی در جامعه ماست

محمد اسمعیل کارگر به ما سخوالی سخنان خود را چنین ادامه داده گفت: یک ورزشکار وقتی موفق بوده می تواند که تمرینات مداوم را فرا میوش نکرده در پهلوی تمرین به خصوص زیبایی اندام که از جمله سیورت های ثقیله می باشد خوراک درست هم داشته باشد. که به نظر من هر ورزشکار باید از طرف صبح اگر توانایی داشته باشد یک میلاس شیر و یکدانه تخم بگوید چرا که اگر انرژی کامل نباشد توانایی بلند کردن دمبل را که نسبتا کم وزن می باشد نخواهد داشت و یا اینکه حرکات ورزشی را به صورت درست و فنی آن انجام داده نخواهد توانست.

نامبرده افزود: به نظر من هر بازی سیوریتی و هر حرکت سیوریتی در نگهداری صحت به اندازه یک خرطه دوا موثر می باشد چنانچه از روزیکه خود ورزش می کنیم از چارو چنبال یا دو کوران رها بیایم یا فتهای مخصوص دکتور را ایکه نسبت به هر یفی و تشخیص مرض باور



را برنده شد، موصوف تا سال ۱۹۶۵ در پنجاه و هشت مسابقه شرکت کرد و عضویت برجسته را در اداره فدراسیون فوتبال اتحاد شوروی حاصل کرد. همچنان (ایگور نیتو) یکی از چهره های درخشان فوتبال در مسابقات المپیک المپورن از شهرت فراوان برخوردار شد و در بازیهای سکی و التلیک نیز مهارت های را از خود نشان داده و با اشتراکش همراه تیم سیارتک بسال ۱۹۴۹ در تاروی، تیم اتحاد شوروی را معروف ساخت و کپ بزرگ سیوریتی را دستبابت کرد. در سال ۱۹۵۲ عضویت تیم المپیک شوروی را کبابی کرد و تا شانزدهم می ۱۹۶۵ برای

یک مدال برنزی را در قهرمانی تیم خویش حاصل کرد همچنان دارنده یک مدال طلا بی المپیک توکیو شد. روی برشته ورزشکاران شوروی تنهادر سال ۱۹۶۵ طی سی و سه مسابقه تیم قهرمانی اروپا و جهان شرکت کردند و در عین مسابقه مقام اول را بدست آوردند، ورزشکاران اتحاد شوروی از جمله یکصد و شصت و پنج مدال طلاي مختص مسابقات باخذ یکصد و شانزده مدال نایل گردیدند. بدنبال چهره های معروف ورزشی از میخایل وروتین و برنده چندین مدال طلا و قهرمان سال ۱۹۶۶ چمناسستیک (دور) نموند میتوان یاد آورد که انچن مطبوعاتی



پوگاتشوفا هنرپیشه، صاحب نام تیاتر، تلویزیون، فیلم و آواز خوان موفق.

تا زگی ها در فستیوال فلم در بلنا ربا سهم گرفت و دستدارانش بیحد مبهوت ساخت. موفقیتش بعدی بود که جایزه طلایی را که بنا م (افسانه طلایی) موسوم بود به وی دادند. متعاقباً ری (زوبوت) یکی از شهرهای پولیند دریک مسابقه آواز خوانی بین المللی سهم گرفت آنجا نیز پیروزی از آن اپوگاتشوفا نبود یکی از عواملی که تا اینحد در شهرت (الابوگاتشوفا) یا ری نموده همانا دسترسی او در فهمیدگی و اراده بود در شعر است. او اشعاری به پختگی اشعار شکسپیر را تحلیل مینماید و می خواند. خاصاً زمانی «الابوگاتشوفا» بر سکوی شهرت تکیه زد که شعر (من بخود حسرت می خورم، تو هم میخوایی) بسان من برایم حسود باشی (شکسپیرا) بگو نه خواند که شنونده رادیو انگشت حیرت میان لب گذاشت واز دل و جان خریدار استعداد و هنر او گردید.

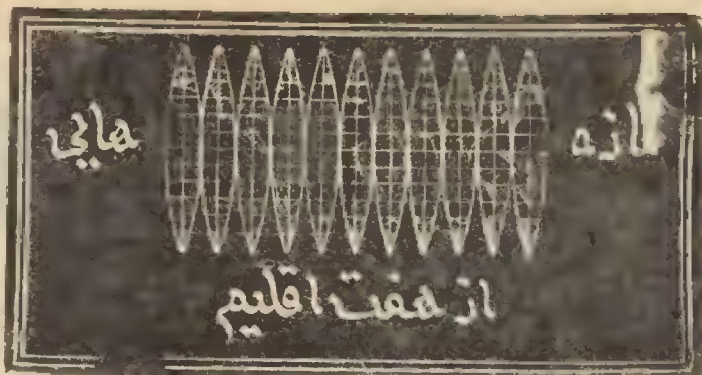
الابوگاتشوفا را عقیده برینست که هنر باید در خدمت توده ها و خلق بسا شد باید برای خوشنودی همه مردم در هر کجایی که اند چه بالایی مزه چه در کارگاه، باید کوشید.

میخواند بگو نه که شنونده بحر... تپج می بخشید. او خودش ندا شمعیان آهنک هایش و قفه ایجاد گردد و خودش به تفریح بپردازد زیرا او یک هدف داشت که باید برآورده میشد و آن عبارت بود از خورسندی جیسولو جست ها و رفع خستگی آنها که برای آسوده خالی مردم عریزی میگردند. این آواز خوان و هنرپیشه صاحب نام باری سوار بر کشتی کوچک، تا نزدیک لبه های بحر و سواحل کشتی اش را می راند تا به کارگزار حفر معادن منطقه (تیو من) که سخت مصروف کار بودند، بسراغشان بشتابد و چنان آواز بخواند که او شانرا مسحور نموده و تا نای کار بیشتر بدهد و با آهنکهای خویش باعث رفع کسالت شان گردد.

این اتفاق یکسال قبل بود آنوقت (الابوگاتشوفا) هجده سال داشت. موصوف هنرپیشه ایست سخت گیر و مشکل پسند کمتر به اشعار و کمیوزهای دیگران فضا میبخشد و این بدان ملحوظ که خود یک کمپوزیتور موفق است و در انتخاب استعارید طولا داد و خود ش از موزیک چین هایی می فهمد. از نگاه او میان لغات و میلودی ها و اشعار یک ارتباط عمیق وجود دارد و همین ارتباط است که در روح و قلب شنونده یا بیننده اثر میگذارد «الابوگاتشوفا» معتقد است که چنگ زدن هنر به قلب دستدار هنر کار و سادای نیست بلکه خارق العادگی میخواند با یستی موثرترین و کوتاه ترین راه رابرای تسخیر قلبها و خوشنودی علاقه مندان هنر و تسکین روح در مواقع ناراحتی با لخره اتخاذ کرد. الابوگاتشوفا

گاهگاهی پا رجه های تراژید نیسز میخواند و از عهده ایفای نمایشات تراژیک نیز پیروز مندانه بدر شده میتواند چون او دیگر تنها یک آواز خوان نیست بلکه هنرپیشه تیاتر و هنرپیشه فلم نیسز است، او هنرپیشه ایست صاحب کرکترهای متعدد. گاهی قیافه در دالود بخود میدهد و مریض بچشم میرسد، دقتاً

بیحد خوسند جلب نظر میکند، بساری شوخی و مزاح را راه انداخته و چه بسی لحظاتی که شدید به گریستن متوسل میگردد و بخاطر اینهمه پختگی در کار آواز خوانی و تمثیل است که وی به یسن



پوگاتشوفا هنرپیشه نوعدوست بر سکوی شهرت

دارای سقف سفید نیز بود آواز میخواند در طول راه قبل از آنکه به مهمانخانه «نیگورین» با چیزهای جالب و دیدنی بر خودیم، با قیافه های حسسته و زله کارگران معادن نفت و گاز، با قیافه های آنانی که تازه از پیاره فرود آمده بودند در کانتینر جیولوجست ها گرد آمده بودند تا از لود سیکر هاضدای موزیک دل انگیز را که آنسوتر کنسرت داده میشد بشنوند. در تالار کنسرت جاییکه کارگران و سایر جیولوجست ها برای رفع خستگی آمده بودند یک ویلنی بچشم میخورد و در واقع این «الابوگاتشوفا» هنرپیشه مردمی بود که با آواز فریبنده اش و با قیافه خوش ترکیبش نگاه ها را بخود میکشید و تا اعماق قلب تماشاگرانی می بخشید او بیهم آواز میخواند، خیلی ها خوب

در هو تل متعلق به جیولوجست ها که در شهر کوچکی بنام (زالیکارد) در نزدیک دایره قطبی قرار دارد. صدای دل انگیز گیتار آدم رابو جدمی آورد. از میان پنجره شفق قطبی بدرون اتاق نور افشانی مینماید. درین محیط شاعرانه که کارگر-

ان معدن و زمین شناسان اقامت گزیده اند صدای ملیح و پر جاذبه دختر جوانی توجه آدمی را بخود می کشد. ملاحت و گرمی صدای بعدی است که تا اعماق قلب شنونده مستمع نفوذ میکند مگر این زیاد اوزند و قابل تقدیر نیست که دریک سرزمین مشرک محلی که نه درخت، نه به و نه آثار چرخ های ارابه ها هیچکدام آنجا دیده نمیشود چه آنجا رفته نمیتواند و فقط در فواصل دور چلکه هایی جلب توجه میکرد. زیباروی در وسط سالون که



پوگاتشوفا در حال آواز خوانی دیده میشود



سرگرمی ها و مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کبیر



نگاہ اندوہ و یا تفکر

دختر زیبای رادرین کلبشه میبید
آیا او بکدام جهت نگاه می کند و یا اینکه
در تفکر فروز رفته است هر چه فکر
میکند و لی از شما میخواهم که از نگاه
روان شناسی بنویسید و باریک قطعه فوتو ی
خویش ارسال دارید تا باضمون شما یکجا
جای گردد.

از بین رفته باشد ۱۰-خواهان آبادی کشوراند
نصف گی ۱۱-الف الف، هر زیروح توسط
آن محفوظ است، نیم آله، مرض ۱۲-درین
هالن، تکرار يك حرف، قبول كردن پشتو،
گردد بند، ۱۳-منظم آن خرسا است، يك آله
موسیقی، ۱۴- اگر به صورت درست نوشته شود
معنای مرغوادری میرساند، باموی سرو-
کار دارد، خودش الف است، هرگاه يك حرف
بآن علاوه شود تومی شود، ۱۵- یکی از اعظم ها،
بگام کردن يك حرف انسان میشود .
طرح از (شیر محمد هوتکیار

جدول کلمات متقاطع

افقہ :-

۱- ازبای مشهور، حرف ربط ۲- آغاز اسم احمد غفرمال پشټو، آله موسیقی، نوعی از خوردنی‌ها، ۳- باسافی همراه میباند، حالت خطرناک، ۴- از هر دو طرف یک شکل دارد، هنوز در درخت است. آغاز یاری ۵- منظم آن بیشه اکثر مردم کشور مایمباند، بایکجا شدن ض و م ضخم میگردد، ضدیش، هم چشمی ۶- در قلم بجوئید، نوعی از پول باکم کردن یک حرف فکر میشود، سرالفا با آغاز ۷- برهنه پشټو، از طرف اخیر اسم مؤنث، اول ملنگ، خودش نو، ۸- فعل امر، از هر دو طرف به یک قسم خوانده میشود، خودش واوست، اسلحه خطرناک، ۹- با علاوه شدن یک حرف معنی غیرت در پشټو، باخانه یکجایمباند، یک منطقه در کشور مایا علاوه یک حرف، آغاز نگار ۱۰- ابتدای دنیا، درابر پیدا میشود، یک کشور صنعتی اخبار رابه سمع خلق می‌رساند، ۱۱- اسم یکی از گوها، در خود پیدا، پیدا میشود، از آن طرف یکی از حیوانات، در باطن دیده میتوانید، ۱۲- خوردن آن ضروری است مگر به عین سکل خورده نمیشود، با علم جیولوجی سرو کادارد، در بهار واقع میشود، ۱۳- مسترد کردن، نصف ساعت، معنای آن ناواری میشود، برای دوست نزدیک گفته میشود.



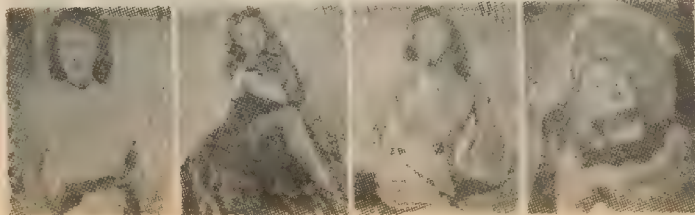
چه تا ثیر دارد .
به این عکس خوب متوجه گردید بعضی
مادران عادت دارند که دائماً اطفال خود را
با اشکال گوناگون تهدید مینمایند
خوب هرچه که درین عکس می بینید و از آن
برداشت می نمایند در باره این سوالات
ما جواب بگوئید :

۱- در همین لحظه در فکر کودک ازنکا ه
رو حی چه انگیزه خلق میشود .
۲- ازنکا ه رو حیات با لای گو د کچه
تاثیر دارد .
۳- دو آینه ه این کودک چه نوع به جامعه
تقدیم میگرد .
۴- با کودک چطور رفتار می دد تا تشجیع
آنان مشت باشد .

جواب سوالات فوق را از نگاه روحیات
برای ما بنویسید و در ضمن يك قطعه فوتوی
خویش را ضمیمه آن برای ما ارسال دارید.

اسمهای این ستاره گان را برای ما ارسال دارید .

شاید شما ستاره‌ها را در آسمان دیدید یا شاید که شهرت جهانی را گسب نموده اند و اسمای آن در تاریخ سینما درج می‌باشد ما از جمله آنها چهار چهره زیبای سینما می‌باشیم در این صفحه حجاب نمودیم و از شما میخواهیم که تنها اسمای این چهار ستاره زیبای سینما را بنویسید.



طرح از: شمیم محمد هوتکیار

عمودی :-

۱- شهر تاریخی کشور ما، یكولایت‌گشود- در روح است، در یكی از ولایات واقعاتست
ضندن، ۳- عبور و مرور ازنگاه عوام در یكی از قسمت ها، نوعی از ساعت، چیز یست‌كه
دیدنه نمیشود، ۴- ضنزنده در یشتومگر حالت‌جاری آن، در اخیر اول، در ماهین‌يكار می‌رود
(یشتو)، در لنگ موجوداست، سر سر- به مردم نرسید وبه مواجه شد،
بواسطه آن‌حرکت صورت می‌گیرد، سر سیمار اقطع بسازید ۶- حالت دیوانگی، آمیزو هجات
در یشتو، ۷- خودمیه، ضد زندگی، در كلمه مالك موجود است، اشاره به خود، تصفیات،
۸- منظم آن از خوانندگان وادیو، بدون آن‌رنده ناکمیل است، زندگی زیروح به آن
بسته می‌داد ۹- منعكس كننده آرزوی مردم، عددی در یشتو، با كم شدن يك حرف چیز یكه



فاروق حریق

د خلکو انقلاب

دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
دا انقلاب دنوی خوند انقلاب
د هیلو د انقلاب
دنوی خونده سره
دنوی ژوند انقلاب
له ارمغانه سره
زمونږ هیواد ترهغی
له عزم اوسانه سره
ښائی همدا انقلاب
له هر افغاله سره
دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
دا انقلاب دنوی خوند انقلاب

دآبادی انقلاب
دپرگنو انقلاب
دادبشادی انقلاب
دهر پزگر انقلاب
دهر کارگر انقلاب
دهیواد موت موت ته مو
دخوشحالی انقلاب

دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
دا انقلاب دنوی خوند انقلاب

احترام

لشکر زحمتکش انسان سلام
پر همه انسان جهان احترام
صلح پخلتان جهان آرزو
کار بانسان زمان آبرو

مشت شود کار گیتی ما
پست شود دشمن هستی ما
لاله سرخ آرزویم چنین

شاهد پاکم آبرویم همین
شادتر از این سختم کی سخن
سبز تر از این چمن کی چمن
شعر از محمد نذیر «زهیر»

وجدان

- همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم په محکمه وجدان تسلیم نمائید . وجدان رهنمای
بی نظیر وقاضی بی طرف است .
(مونسکیو)
- رضایت وجدان بالاترین معرّت هاست .
(ژول شیمون)
- وجدان یگانه محکمه ایست که احتیاج به قاضی ندارد .
(.....)
- کسیکه در هر امری وجدان خود را تابعیت می کند هیچگاه خسته نشده و از
زندگی ملول واز روزگار متالم نیست .
(باکون)
فرستنده : ملک «شرف»

نامه عاشقانه

عزیزم سلام برآن چشمانت مانند چراغهای مرسدس بنز سصد که فاصله دو صد متری
را روشنی مبخشد . هلیکوپتر خیالم در فضای توهر لحظه چون مگس بی پروا یا طسراف
پایله جای هر طیران است و میترو وجودم از فراغت هرآن فیوس میپرانند نمی دانم که در
سوجبورده قلبم چه دست بازی کرده ای گروپ چشمانم کم نور و چراغ خطر رخسارم
هر لحظه سرخ میشود . دیشب از غمت و رنج فراق را گرفته بدفود خنده را از دهانم
کشیدم و به عوض آن بطری اشک وآه را چارچ نمودم تا تو بدانی که از هجرت چطور
چاقو دسته میکنم وآن وقتی که تنگی نگاهت رایبه من نشانه گرفتی و با کارتوس
خنده بمن فیر نمودی دیگر یاری سخنرانی بمن حرام شده بود، جز اینکه بمن آه را
بر بالینت منفجر سازم . بعد ازین قصد کرده ام که پلک گوشه پایم را چارچ نمایم تا دیگر
هرگز آواز ترا نشنوم .

دیدیتو وجودم از سردی عشق کو لعابۀ دیزل میخورد، کاربتر سینه ام از جرت صدای
آزکستر جاز را گرفته است . به استیشن سرم چنان صد مه وارد کرده ای که اکنون
لودسپیکر دهانم از خبر های مهم وجودم جز نالش چیزی دیگر را پرو دکاست نمیکند .
افسوس که اشتراک صبر از دستم رفته است و بزرگ تحمل فیل گردیده و دایمو هم
کار نمیکند و پای غضب هرآن بی تاقی را سلف میزند و گرنه کلچ رسوایی رازیر پا
گرفته گیر عشق را تبدیل می کردم .
خیر بهر صورت از خداوند خواستارم که ویرنگ وجودت شارت گردیده و گیر بکس
اشتهایت را بسوزاند و از غم و یشمانی هر شب هارن بزی .

میهمن

من بلبل بهار گلستان میهمن
آری همیشه مرغ غزلخوان میهمن
من زاده شجاعت مردان میهمن
دل داده شهابست شیران میهمن
پرورده محبت احسان میهمن
من جانفدای کوه و بیابان میهمن
من قطره سحاب خروشان میهمن
رخشنده یاد اختر تابان میهمن
سروده محمد نیاز و شربت باقری

من عاشق دیار فروزان میهمن
قلبم بوصف خاک مقدس همی تپد
تا جان مراست حب وطن دردلم بود
به قله های شامخ این مرز بوم قسم
آزاده ام به یمن سعادت درین دیار
ای مدعی بچشم حقارت مبین گهی
در یادبان رحمت این مرز «باقری»
در آرزوی عظمتش از جان و دل (نیاز)

کارگر

تو ای کارگر !
تویی سازنده تاریخ
تویی روشنگر شب های تاریک
تویی شگوفه آفتاب زندگی

تو ای کارگر !
فخر دارم به تو

فخر دارم به تو ای ضامن فردای روشن
فخر دارم به نامت ای معمار آزادی و خوشبختی
فخر دارم که زنجیر ها شکستی

تو ای کارگر !
بتو می بالد امروز خلق های رنجبر
بتومی بالد امروز روح مزدوران و مظلومان
بتومی بالد امروز قلب محنت بار ز جهنمش
کز چنگال ددمنشان رها ندید انسان را
غریب نواز

سیل خروشان

طوفان موج خلق
خشم بی امان او
لانه دشمنان ریخت
بازوی دهقان
نمره کاریگران
ظلمت شب را شکست
سیل خروشان خلق
نمره شادمانه اش
صخره بخارا شکست
بازوی توانای خلق
موج بی امان او
گردن اعدا شکست

حشمت وی



بدون شرح



بدون شرح

زن محتاط

در يك روز قشنگ و آفتابی آقاخانم در خیابان قدم میزدند. خانم نوزاد قشنگ و مقبول را نیز در بغل گرفته بود. وقتی پیش يك لبنیات فروشی رسیدند خانم به شوهرش گفت :

- برو دوازده دانه تخم مرغ بخر .

مرد برای اجرای دستور رفت و چند دقیقه بعد با پاکت تخم مرغ برگشت .

زن گفت :

- بسیار خوب . حالا تخم مرغ هارا به من بده و تو بچه را بغل بگیر .

- چرا ؟

- چون من قرا خوب می شناسم هر وقت که مردی از کنار من عبور کند و یا من تصادم کند، هر چیزی که به دستم باشد به ز میزنم !

بدون شرح

تکت دیشب است

تازه نمایش شروع شده بود که آقا و خانم نفس زنان از راه رسیدند ولی مأمور کنترل سالون تگاهی به تکت های آنها انداخت و گفت :

- متأسفانه با این تکت هائی که دارید به سالون بروید .

چرا : عیب و نقصی دارد ؟

- عیب و نقصی ندارد . فقط تکت دیشب است .

مرد بطرف زنش برگشت و گفت :

- هزار دفعه گفتم قدری عجله کنی تا به موقع برسیم و تو گوش نکردی .

برای پدرم معلوم شود

عاشق دلخسته که از جنای دلداری به تنگ آمده بود بالاخره تصمیم آخر را گرفت و بالحنی جدی به دختر جوان گفت :

- عزیزم ! این آخرین حرف من است . اگر حاضر نشوی با من ازدواج کنی با يك گلوله مغزم را تکه تکه میکنم .

دختر که از شنیدن این حرف بسیار خوش آمده بود خنده ای قشنگی کرد و گفت :

- بسیار دلم میخواهد چنین کاری را بکنی .

این کار جواب دندان شکنی به پدرم نخواهد بود . چون او فکر میکند که اصلاً مغز ندارد .

مستی و راستی

در يك می فروشی شهر لندن بعد از آنکه کله ها تا اندازه ای گرم شد یکی از مشتریان مردی را کنار کشید و آهسته به او گفت :

- میخواستم موضوع خصوصی و محرمانه ای را خیلی دوستانه به تو بگویم . يك ساعت پیش که میخواستم به اینجا بیایم اتفاقاً از پیش منزل تو گذشتم پنجره اتاق خوابت روشن بود و پرده های آنرا هم تکشیده بودند .

- خوب، خوب

- بلی، آنوقت دیدم که زنی و مردی مشغول معاشقه اند .

مرد فکری کرد و گفت :

- مردچه شکلی بود ؟

قدش کوتاه نبود ؟

- چرا ؟

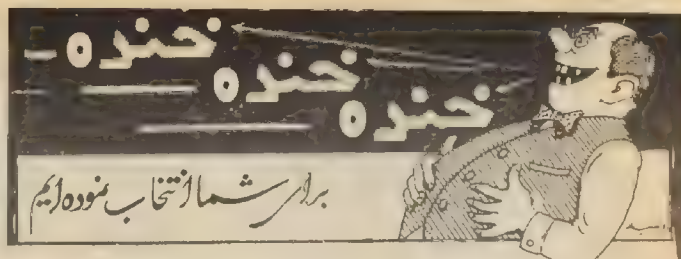
عنك نداشت ؟

- چرا ؟

مرد سری تکان داد و گفت :

- فهمیدم ، زوژ بوده است .

او با هر زنی که پیش بیاید عشقبازی میکند .



از بالا به پایین بدون شرح

به من احتیاجی ندارید

در وسط سرك ایستگاه راه آهن خانم مسنی بعد از آنکه مدتی سرمایه به اطراف نگاه می کرد چشمش به یکی از باربران ایستگاه افتاد. او را صدا زد و گفت :

- آه : آقا، بیزحمت بیاید اینجا . من یکی وبستره را راگم کرده ام .

باربر شانه هارا بالا انداخت و جواب داد : - خوب . بنابراین به من احتیاجی ندارید .

اژ: نیوتایمز
ترجمه: خان محمد گوارا

آی، ال، او: در فضای همکاری

تغییرات مثبتی که طی چند سال گذشته در اروپا رخ داده تأثیر مساعدی بالای فعالیت سازمان های بین المللی این قاره داشته است، بجای اختلافات سیاسی وایدیولوژیک آنها (سا زمانها) حالا به کثرت راه های توسعه تقاضم متقابل و اتخاذ تصمیم مشترک را جستجو می کنند. ثبوت تازه این مدعا کنفرانس ناحیوی سازمان بین المللی کار (آی، ال، او) میباشد که اخیرا در جنوا برگزار گردید. درین کنفرانس هیات های نمایندگی بیش از سی کشور اروپایی ونمایندگان نعبات اختصاصی ملل متحد و دیگر سازمان های دولتی و غیر دولتی حضور بهم رسانیده بودند.

بسیاری از هیات های نمایندگی خاطرنشان ساختند که حمایت موثر از منافع کارگران، که یکی از اهداف منشور آی، ال، اومی باشد، بدون مبارزه موثر بخاطر صلح، منع مسابقات تسلیحاتی، و گذار به خلق سلاح واقعی، غیر قابل تصور می باشد. تاکید گردید که برای اجرای این اهداف، ابتکارات سیاست خار جی اتحاد شوروی که هنگام سخنرانی لیونید برژنف دربرگیرن بیش کشیده شده است دارای اهمیت بسیار می باشد.

کرکترسازنده این کنفرانس از دوی این حقیقت آشکار است که کنفرانس مذکور باآزای موافق نه فیصله نامه را بر خلاف سه فیصله نامه کنفرانس گذشته به تصویب رسانید.

چیزیکه مهم است، تعداد فیصله نامه ها نیست بلکه هاعیت این فیصله نامه ها آنست که سه ساحه وسیع از جر یانات کار واء در حدود صلاحیت سازمان بین المللی کار، دربر می گیرد. درمیان این ساحه وسیع، بهبوسود

شرایط کار و ماحول تولید، همکاری درساحه تامین اجتماعی، انکشاف تبادل تجارو ناحیوی در سازمان وتنظیم فابریکه، نتایج استفاده تخنیک جدید، حقوق اتحادیه های کارگری روابط کار، مسایل مربوط به مهاجرت کارگران ومقررات وظایف برای نو جوانان، قرار دارد. البته، هریک از اسناد، به صوت جداگانه مهم و بارزوش می باشد.

گرچه، عمو ما احساس می شد که احتمالا مهمترین فیصله نامه، سندی که همه اسناد دیگر رادر بر می گرفت، عبارت می باشد از سندی که توسط کشور های سوسیالیستی تقصین گردیده بود و به سهگیری سازمان بین المللی کار دو همکاری اروپا تملق می گرفت. این سند به دارالانشاء سازمان بین المللی کار

هدایت می دهد که به زود ترین فرصت ممکن نتایج تحقیقاتی مربوط به جوانب اجتماعی و اقتصادی خلق سلاح، و طرح پلان پیشنهادی را دربارہ سهگیری ممکن سازمان بین المللی کار چپ مطالعه نتایج اجتماعی و اقتصادی خلق سلاح و ارتباط بین خلق سلاح و

انکشاف برای مطالعه متخصصین دولتی ملل متحد، تقدیم نماید.

این حقیقت که نمایندگی های اختصاصی ملل متحد، خصوصا سازمان بین المللی کار، برای حل مساله خلق سلاح اشتراك مسا عی خواهند نمود، دارای اهمیت کمی نمی باشد، اسامبله عمومی ملل متحد این سازمان هارا موظف به سهگیری دراین امر مشترک نموده است.

مسابقه تسلیحاتی که از طرف حلقه های معین در غرب براه انداخته شده منابع مادی و قوای بشری عظیمی را می بلعد، می توان آن را برای اهداف تولیدی مورد استعمال قرار داد، که بار سنگینی را بر دوش مردمان کارگر کشور های سرمایه داری می گذارد. نظامی گری روز افزون اقتصادی رشد سریع بیکاری را تعجیل می بخشد.

گروپ متشکله میشکان دربارہ تحقیق منافع عامه، بطور مثال، پیشبینی می نماید، که یک میلیون وسه صدو شصت هزار وظیفه (محل کار) امسال در ایالات متحده در نتیجه مصارف فوق العاده نظامی از میان خواهد رفت. عین پروسه در مورد اروپای غربی، چنانکه به استناد سازمان بین المللی کار بیکاری به سطح عظیمی مجعوعا هشت عشاریه شش میلیون رسیده است، و در یک عده کشور هابه صعود خود ادامه می دهد، دونظر گرفته شده می تواند.

تصمیمی که از جانب کنفرانس به ابتکار کشور های سوسیالیستی اتخاذ گردید به سه ضرورت توسعه همکاری اروپایی در مورد تهیه وظیفه و بیشه کن ساختن بیکاری اشاره می کند به علاوه، قبول اتخاذ اقدامات قانونیکه هد

آن دادن اطمینان از حق انتخاب آزادانه کار بدون تمیض می باشد، به وظیفه دوچه اول ارتقاء داده شده است.

این امر میرساند که کنفرانس دومورد تجارت اقتصاد و همکاری های علمی و تخنیک و تأثیر آن بالای سطح استخدام دلچسپی فراوانی نشان داده است. بهخصوص، خاطر نشان گردیده است که سفارشات شوروی برای پیش از یک میلیون نفر در اروپای غربی وظیفه تهیه می نماید. کشور های سوسیالیستی بطور تغییرناپذیری به توسعه همکاری باشراکای غربی خود در عرصه های مختلف آمادگی نشان داده اند. لیونید کوستین رئیس هیات شوروی در کنفرانس تاکید به عمل آورد که (بایان مسابقه تسلیحاتی، انکشاف همکاری اقتصادی بالمر متقابل، پیوندهای تجارتی و علمی و تخنیک بین شرق و غرب، بین شورای تعاون اقتصادی متقابل و جامعه اقتصادی اروپا، بین ممالک انکشاف یافته و روه انکشاف) می تواند و باید بتواند به ازدیاد در چه رشد اقتصادی، حل مسایل اجتماعی و کار هرد تمام کشور هاموفقانه کمک نمایند.

نظر هیات شوروی فعالانه از جانب دیگر اشتراك کنندگان کنفرانس حمایت گردید و در عین زمان، نیروهای محافظه کار، آنانیکه هنوز تا کثیر قابل ملاحظه بالای سازمان بین المللی کار دارند از سازمان می خواهند که معض با جوانب تخنیک جریانات اجتماعی و کار سروکار داشته و از مسایل حاد امروزی بدور باشد. آنها آرزو دارند به بهانه غیر منطقی (دوری از سیاست) سازمان بین المللی کار رابه موقف (صلح طبقاتی) و (همکاری طبقاتی) سوق دهند. گرچه، تجربه نشان میدهد که بهبود شرایط زندگی و کار در اروپا نمی تواند از طریق انزوا بلکه از طریق همکاری دو جانبه و چندین جانبه دول تمام قوای عامه باشد ف اطمینان بخشیدن از صلح دوام دار و تکمیل دیتانت سیاسی بادیتانت در عرصه نظامی حل شده میتواند.

انسان‌های قدیم

وستاره‌ها را تحت مطالعه قرار داده یک کتاب بزرگی را که نمایندگی از مفکوره و نظریات او میگردد تألیف کرد. کوپرنیک درین کتابش اظهار عقیده کرده بود که آفتاب اداره کننده فاعیل سیارات بوده و تماما به دور او گردش مینماید به همین قسم گردش زمین بدور محورش و تغییرات شب و روز را توضیح کرد. عالم دیگری که بعضی زاویه های تاریک این پدیده را روشن ساخت و اجسام سماوی را بهتر و روشن تر مشاهده و مطالعه گردید از آن گالیله می باشد. موصوف بحث یک فزیک دان اینالوی اولین کسی بود که توسط تلسکوپ کائنات را نظاره کرد و با خوشی زایدالوصفی کوه های سطح مهبناپ ونیس و چهار ستاره نزدیک به چوپتر را کشف نمود او ستاره های بی شمار دیگر را که قبلا هیچ دیده و شناخته نشده بود دید او استنباط نمود که آفتاب هم بدور محور خود گردش میکند.

دانشمند دیگری که توانست در مورد سیر و گردش اجسام فضاوی نظر بهتروفتات بخش تر بدو بنام کپلر مسمی بودی در سال ۱۵۷۱ در جرمنی متولد گردیده است. کپلر شخصا آنقدر به سیارات نظاره نمیکرد ولی با ستاره شناس بزرگ دنمارک بنام تیوچو کار میکرد و معلومات و مشاهدات تیوچو را در زمینه سیارات تحت مطالعه و تدقیق قرار میداد. کپلر برای بدان نظر کوپرنیک را که میگفت سیارات حرکت انتقالی خود را در یک مدار دایروی انجام میدهند از بین برد در عوض او کشف کرد که سیارات برعکس نظر کوپرنیک این حرکت خود را در یک مدار بیضوی انجام میدهند.

شخص معروف دیگر در زمینه اینکه چرا سیارات بشکلی که هستند بدور آفتاب گردش میکنند قانون فوه جاذبیت را که اقسام و سیارات را در یک مدار معین نگاه میدارد، بوجود آورد بنام نیوتن یاد می شود. همزمان با او کپلر را از سیر و گردش سیارات را که در چه نوع مدار حرکت خود را انجام میدهند، افشاء

کرد ولی ازینکه چرا سیارات در یک نوع مدار بیضای سیر می نمایند موضوعی است جدا که نیوتن آنرا تحت مطالعه و تدقیق قرار داد و در نتیجه قانون جاذبیت را اختراع کرد و اظهار داشت که اجسام یکدیگر را به فشار متناسب به حجم کتل آن واصله آنها از همدیگر جذب مینماید او این مفکوره را به قانون حرکت ارتباط داد چیزی را که کپلر از لایلی مشاهدات تیوچو کشف نموده بود اکنون نیوتن در باره هر کدام از سیارات توضیح داده و حساب مینماید.

دست آورد های نیوتن در یک کتاب بنام (پرنسپ های طبیعی ریاضی) بطبع رسیده است. این کتاب قانون حرکت و جاذبیت او را دربر داشت از فهمیدن قوه جاذبیت او تأثیر مهبناپ را برمد و چقدر میتوان تشخیص کرد. او اولین تلسکوپ انعکاس نور را که تا حال بحث یک اثر در موزیم حفظ گردیده است اختراع نمود. کشفیات قابل ملاحظه او در اینک میتوان توسط یک منشور روشنی را به اجزای آن (رنگ های مختلف) جدا نمود. سبب پیشرفت معجزه آسای در زمینه مطالعه سیارات گردید.

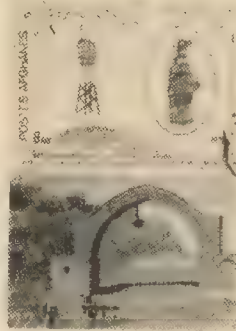
عالم برآورنده دیگری که درین راه خدمات ارزنده بی انجام داده است البرت انشتین می باشد. در سال ۱۹۱۹ وقتی که ساینس دانان مصروف مشاهده آفتاب گرفتگی بودند انشتین تیوری هیجان آور را که (جاذبیت روشنی را خم میسازد) بوجود آورد به سرعت تمام تیوری نسبیه اویک اصطلاح روز گردید.

انشتین که در آلمان تولد گردیده بود به عمر ۲۶ سالگی کتاب مخصوص تیوری نسبیه خود را در ۱۹۰۵ بطبع رسانید او در ۱۹۱۶ کتاب دوم یا کتاب تیوری عمومی جاذبیت را بچاپ رسانید در ۱۹۲۱ نسبت کشفیات او بشمول روشنی و برق فزیک دان موصوف جایزه نوبل را بدست آورد.

همه افراد خود چه زن و چه مرد خدمت میگوایند من به حیث یک خواهر از همه دختران و زنان افغان توقع دارم که با روحیه انقلابی و خستگی ناپذیر در راه عمران و شکوفائی هرچه بیشتر افغانستان عزیز خدمت نمایند تا وطن عزیز ما از دسایس شوم دشمنان خلق این دیار پاک گردد.

خوانندگان عزیز گرچه شنیدن صحبت و حکایات خاطرات زندان پلچرخ صالحه جان و سمن جان خیلی دلچسپ و شنیدنیست مگر تگارش همه آنها از حوصله مجله مایشتر میباشد که ما به همین اندازه از خاطرات شان اکتفا می نماییم.

جمع آوری تکت های پستی



و بد سترس هم دیگر بگذارند.

(۴) کلکسیونر های تکت های پستی با جمع آوری تکت های مناسب طرف توجه خود میتوانند بطور غیر مستقیم عمل پس انداز را انجام دهند و بدین ترتیب برای مصونیت آینده خویش یک اندوخته مادی داشته باشند زیرا کسا نیکو تکت های پستی را جمع آوری مینماید تکتها را نظر بقیمت روی آن تهیه اما در صورتیکه بعد از سپری شدن چند سال دوباره به فروش برسانند بایک قیمت خوبتر و بلند تر امکان دارد آنرا بفروش برسانند.

(۵) ازینکه در تمام ممالک جهان سالانه به هزار ها مناسبت تکت های پستی طبع و نشر میگردد و جمع کنندگان میتوانند تمام آنها را جمع آوری کنند آنها نظریه به ذوق و علاقه خویش تکت های همان مناسبت های بین المللی، ملی و هنری را تهیه میکنند که طرف تأیید و علاقه شان باشد و این تکتها را در یک یا چند جلد البسم پستی با استفاده از انبور (پنس) مخصوص

ص تکت های پستی جایجا نموده کلکسیون خویش را تکمیل مینماید. (۶) برای رهنمای بهتر علاقمندان متعلمان و جوانان عزیز شعبه رهنمایی موزیم پستی قیلا تیلیس وزارت مخابرات حاضر است به سولات و پرسشهای آنها جواب قناعت بخش ارایه نماید علاوه بر جهت آشنایی و تأمین علاقه جمع کننده گان تکت های پستی افغانی یک موزیم در منزل اول مقابل دروازه ورودی وزارت مخابرات تا سیمس و به فعالیت خویش ادامه میدهد.

انسانها در زندگی اجتماعی نظر به تماسهای ما حول خویش جمع آوری اشیای طرف توجه مثلا جمع آوری آثار هنری، تابلو ها نقاشی ها، کتب، مجلات روزنامه ها نسخ خطی و یا بعضی اشیای زینتی کم قیمت و گل های طبیعی پروانه ها و غیره که شامل هزار ها قلم خواهد گردید میپردازند. اما نظر به گذشت زمان برای همه ثابت گردیده که بهترین چیز و سرآمد سایر علایق جمع آوری تکت های پستی میباشد که دارای فواید و مزایای زیاد میباشد که از جمله نکات چندی آنرا ذیلا جهت مزید معلومات علاقمندان توضیح میدهم.

(۱) جمع آوری تکت های پستی باعث ازدیاد معلومات علمی، هنری، نقاشی، کلتوری تاریخی طبیعی، جمع کنندگان تکت های پستی میگردد زیرا تصاویر تکت های پستی که آثار هنری نقاشان رسامان، عکاسان متبحر جامعه بوده معرف کلتور هنر، تاریخ و ثقافت اصیل یک مملکت میباشد.

(۲) باعث انکشاف ذهن جوانان و اطفال میشود زیرا تکت های پستی که اثر نقاشان ورزیده و عکاسان ماهر میباشد ذوق هنری جوانان را که آثار لطیف و زیبا طرف تأیید شان است بر می انگیزد همچنان آمیزش رنگها، تفاسط خطوط احساسات اطفال و جوانان را پیدار میسازد.

(۳) باعث معرفی و آشنائی بیشتر علاقمندان تکت های پستی میشود به این معنی که انجمن های قیلا تیلی و کلکسیونرهای تکت های پستی حین تبادله تکت های مورد نظر بایکدیگر تماس نزدیک گرفته باهم آشنائی بیشتر پیدا میکنند که این انجمن ها در هر محیط و مملکت متفاوت میباشد علاوه بر شایگانان مکتب نیز حین تفریح و در اوقات فراغت میتوانند جهت اكمال کلکسیون های پستی خویش باهم تبادل افکار نموده تکت های مورد ضرورت یکدیگر را تهیه

کمیدین معروف تیا تر...

و در ضمن خطرناک ترین وظیفه خلق مسا جنگ علیه فاشیسم هلری بود.

ار کادی رایکین نه تفنگ در دست گرفته و نه علیه دشمنان جنگیده و نه توپ ها را با شانه های خود از جا های صعب العبور گذراند و نه پل ها را منفجر ساخته و نه کدام قبر مانی دیگر درین موارد از خود نشان داده است اما او از روز

اول تا ختم جنگ (۱۹۴۱-۱۹۴۵) درجه جنگ قرار گرفته بود (به استثنای اوقاتی که تیان به فریه جات و شهر ها در مقابل مردم غیر نظامی نما یشتا می ها اجرا می کرد) ار کادی رایکین نیز وظایف محوله خود را انجام داد در مقابل عساکر خشک و بوری و قوما ندان های جنگ نما یشتا می ها

اجرا کرد و اغلبا نما یشتا می ها را طوری عیار می ساخت که مسایل حربی و نظامی را در بر می گرفت یعنی عساکر را اضافه تر در مقابل فاشیست های هلری تحریک میکرد و آنها را به کمک نما یشتا می خود و امید اشت تا اضافه تر به وظایف خود پی ببرد و هر چه زود تر فاشیست ها را نابود کنند. هنوز سه روز از آغاز

جنگ نگذشته بود که ار کادی رایکین در پروگرام نما یشتی خود قسمت «صحنه شیطان» را جا داد. درین نما یشتا می صحنه های از عصیانیت هلری را تمثیل مینمود.

درین چار سال جنگ ار کادی رایکین فاصله های زیاد را از یک جبهه به جبهه دیگر جنگ طی کرد. عساکر کوشش

میکردند تا هر چه خوشتر از ایشان محافظت کنند اما باز هم اوقاتی میرسید که از ریسک کار می گرفتند.

اغلبا نما یشتا می ها ی او در جا های اجرا میشد که در پهلوی آن گلوله های توپ و طیاره اصابت میکرد راه هایی را طی میکردند که از طرف هلری ها هر روز تحت گلوله باری قرار میگرفت

عساکر در اطراف آنها جمع میشدند اضافه تر از همه وقایع تیان تر در شرایط خراب تر قرار میگرفتند زیرا اوقات میبود که طبق درجه حرارت هوا لباس در تن نمیداشتند یا اشیا را که با لای میزد به قصد پیشبرد نما یشتی قرار میدادند توسط باد به دور برده میشد. نما یشتا میان مشکلات آنسها درک میکردند و یکی از عساکر به آنها کمک میکرد همه را دوباره به ترتیب با لای میزد میگذاشت.

بصورت عموم نما یشتا میان در اوقات که در شرایط بسیار دشوار نما یشتا می ها صورت میگرفت از آنها به گرمی استقبال میکردند نه کدام خطا عمل

بین اجرا کنندگان نما یشتا و تماشاچیان نه کدام پرده و نه کدام دیگور خاصی موجود بود اما یک نکته مهم این بود که همه به اینها اعتماد تام داشتند.

در روز نهم ماه می سال ۱۹۴۵ روز پیروزی خلق شوروی با لای فاشیسم هلری تجلیل میگردد. این روز بدون شک روز تولد مجدد بشریت گفته میشود.

ترین روز در همه جا خوشی برپا بود و فکر میشد که زجر شکنجه های را که مردم شوروی و خلقی بسیاری از کشور ها از اثر اشغالگری ارتش اشغالگر فاشیستی آلمان متحمل شدند در خواب دیده باشند.

در زندگی و فعالیت هلری او کادی رایکین یکی از هنرمندان معروف جهان چارلی چاپلین رول مهم و بازی کرد است. بدین مناسبت ار کادی رایکین چنین میگوید: «چندی قبل شخصی از جهان چشم پوشید که با او شنا مناسبتی نداشتم اما در مقابل من حیث معلم

اساسی در قسمت هنر خود فکر میکرد این شخصی چارلی چاپلین بود. این خایه یزرگی بود که له تنها جهان هنر بلکه بشریت از او صدمه دید.» مشکل است گفته شود که کدام چیز او را به همه یزرگ نشان میداد اما به فکر ار کادی رایکین چیزی که او را نزد همه محبوب نشان

میداد این بود که چارلی چاپلین به بسیار مهارت چیزهای مضحک و اغشراق های هلری را با افسردگی و غمیگی انسان توان میساخت.

پدر ار کادی رایکین حافظه جنگلات را بعد از داشت و سعی میوز میزد تا رایکین نیز شغلی را انتخاب کند که پدرش به آن علاقه مند است و همه وقت کوشش میکرد تا ار کادی رایکین از هنرمندی دور نگه داشته شود. پدر رایکین معتقد بود که هنر شغل نیست به فکر او شغل و حرفه واقعی قدانی، داکتری و محافظه جنگل بود.

رایکین با پدرش زبان مشترک پیدا نکردند و به این ترتیب رایکین در لیلیه به زندگی بر داخت و در استیوت تیان تر به تحصیل آغاز کرد. رایکین میگوید من خود را حق به جانب فکر میکردم و دوستانم از من حمایت کامل میکردند

و هر یک از آنها سعی میکردند تا به این و آن ترتیب نعمات فامیلی را برهم زنند. ما فکر میکردیم که پدر را ن و ما در آن ما افتکار عقب مانده را در سر می پروراند و به چشم در ست به زندگی نظر نمیکند.

ما میخواهیم بطرز جدید زندگی کنیم. رایکین افکار پدر را و وقتی در کورد که خود بد شد و بعد به درجه پدر کلان رسید. او تشویقات پدرش را فهمید زیرا او فکر میکرد که پسرش اشتباه غیر قابل اصلاح را مرتکب شده است. در نتیجه یگان آرزویش که پسرش نظر به او باید بهتر زندگی کند برآورده شد

رایکین درین مورد چنین میگوید: اگر چه این به اثبات رسید که من در قسمت انتخاب شغل خود حق به جانب بودم و آرزو ها یم برآورده شد اما با زهم همه

را در مقابل پدر نمیکشیدم زیرا درین وقت مدشته های خود را بخاطر می آوردم زیرا ضرورت است تا از همه نتایج

زندگی در سر عبرت گرفته شود. رایکین میگوید: «از اثبات دانی که از اطفال میکنند خوشم نمی آید اضافه تر نکاتی انسان را غمیگی میسازد و قتی گفته شود که همه ثانی در اطفال اثرات بد میگذارد.

این همراهی یزرگ است. اگر اطفال مانظر به ما خوبتر و بهتر زندگی نه کنند زحمات و غمها شخصیت انسان را پرورش میدهند. انسان در موجودیت دیت خوشی پرورش میشود و این وقتی است که هیچ از ما یشتا زندگی به او مشکل تمام نمیشود.

من درین قسمت به فشار بعضی اشخاص پیرواساسی را نمی بینم که میگویند که جوانان در سابق عاقل و درخت ها

سبز تر بود... جوانانی که من با آنها ملاقات کرده ام بسیار جلب توجه میکنند و قابل ستایش اند. و نه تنها این که آینده آن آنها است بلکه آنها

کار و زحمت را دوست دارند در مقابل زحمات و مقایسه هستند و سعی میکنند تا نظریات مترقی خود را در عمل پیاده کنند من به جوانان نظری می اندازم و می دانم که همه به جای خود است. ما دارای نسل آینده بسیار قابل ستایش هستیم. اینطور باید باشد!

است که در تمام مسایل جهان نمیشود چایان و کشورهای اروپای غربی را خواهان میباشند و خود سرانه مانند سابق عملی را مرتکب نمیکردند. و هم دول امهر یا لیستی سعی بخرچ میدهند تا اگر میتوانند تضادها و اختلافات درونی خود را حل و فصل نمایند.

و از طرف دیگر میانه نیروهای صلح و سوسیالیسم و دموکراسی و جنبش طبقه کارگر چنان به فعالیت خستگی ناپذیر خود ادامه میدهند که نیروهای متجاوز و امهر یا لیست را لحظه به لحظه به پرتگاه نیستی و نابودی می کشانند، ولی دول سرمایه داری بنظر آنکه دیتا لت را مواج به

شکست نمایند سعی میهند تا اختلافات درونی خود را با تشدید اختلافات بین المللی مستور و پوشیده دارند، ولی بهر حال تغییرات بین المللی به تفسیح صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بوده و شرایط بهتر و بهتر تری را آماده نیروهای صلح دوست میسازد.

تضادهای درونی

تقیه صفحه ۴۳

همیشگی خود را که در پی سودجوی زیاد بود از دست داده است.

چیزی دیگر یک بصورت و صنی در تضاد های کشورهای امهر یا لیستی افزوده میشود همانا مواج شدن این دول به پرابلم های وسیع جهانی است، که یکی ازین پرابلم ها برای این کشور ها همانا جنبش طبقه کارگر و طرفداران این جنبش است. که بورژوازی انحصاری قیلا متوجه این مشکل نبودند، و لسی حالا که در کشورهای امهر یا لیستی شکل مالکیت بر وسایل تولید انحصاری گردیده، جنبش طبقه کارگر در مخالفت با بورژوازی انحصاری عرصه را برای انحصارگرگران تنگتر ساخته است. و این مشکلی است یزرگ که بورژوازی به آن مواج است.

در کنفرانس برلین احزاب کمونسیت و کارگری در سند آخری خویش این فیصله را درج و تثبیت کردند که: «در کشورهای مرمایه داری فعالیت طبقه کارگر و دیگر نیروهای سیاسی و اجتماعی آقدر در حال پیشرفت و انکشاف اند که حامی صلح و همکاری بهای متقابل بین مردم بوده و این خود فکتور فوق العاده مهم و با ارزشی است که در مبارزه بخاطر استحکام و تقویت دیتا لت نقش قابل طمع و تعین کننده را دارا است»

در تحت تاثیر تغییرات بین المللی موجوده اصلاحات قابل ملاحظه ای در روابط بین کشورهای سرمایه داری نیز وجود آمده است، بهر حال در میاست خارجی اتا زونی نسبت مشکلات و پرابلم های موجوده جهان این چرخش بوجود آمده

سگرت پلورونکی

هو! خوار سگريټ پلورونکی هره ورځ سهار وختي له کوره راووت، بازار ته راته، دهمدي مهربانه او زړه سوانده دکاندار، دکان ته يې چې د دوی يوازينی غمخور و او وځپله مرسته يې نه تری سيمو له، ځان را رساوه دوه دری ډبله سگريټ يې دخر ځلاو له پاره په پور تری اخيستل، او وروسته له هغه چې سگريټ به يې له دکانداره تر لاسه کړه، نو هغه وخت به دده اصلی کار پيل شو، په منډه به يې به واټونو اوسې کونو کسې گرځيدل شروع کړه، دهر هر چا مخي ته به يې سگريټ نيول کسه گوندی کومه دانه تری و پیری. ترما ښامه به يې همدا کار و او کله چې به ماښام سترې ستومانسه دسگريټو له خرڅولو را خلاص شو، نو غونډی رو پي به يې دسپارنی دکاندار مخي ته کښيښودلی، لومړی به يې دهغه دسگريټو بيه ور کړه او په ور پاتي رو پيو به يې چې دده دتولی ورځي دکار او زحمت گټه وه، دوه دری وچي ډوډی وپیرلي او مخا مخ به دخپل کور په خواهي شو...

وې سگريټ پلورونکی په خپلو چور تو نو و کسې وړک و او دوخت تیریدو ته يې هيڅ پام نه وړ او ښت. هغه سړو غونډه کرخت کړی وو اوسر تر پایه د چنار دپانی په شان رین دیده، خو پدی وخت کې هغه ته تر دی ټولو خبرو دی کار ډیر او زښت در لود چې بیا هم خو شیبی همدی سړو او یخنی ته طاقت راوړی او ځان ور ته کرخت کړی که گوندی چیري یو دوه سگريټه نور هم و پلور لای شی. آخر ددې نشوه کو لای چې ژر کور ته لاړشی دا ځکه چې له دری ډبله سگريټو څخه داو پوره خوار لس دانې سگريټه لا ور ته پاتی وده تراوسه پوری يې هیله په هیله چې دببي روږی پوره کړی وی. شپه تیاره وه خو هغه باید چې نور هم معطل شوی وای او سگريټ يې خرڅ کړی وای ترڅو چې اقلا دو چې ډوډی رو پی خولاس نه ور شی...

ماشوم سگريټ پلورو نکي همدغسې سړو او یخنی ته ولاړ و

سر تر پایه رین دیده، په ډیره امید واری يې غمځپلی سترگی یوی او بلی خوا ته اړ و لی، په مات زړه به يې ساه په ستونی کې سره را غونډه کړه او ناری به يې کړلی: - سگريټ... سگريټ... دغه دی سگريټ... خو څوک پرمخه نه ور ته، او که به چیسری کوم لاروی دده له مخي تیر هم شو نو غیر له دی چې کومه دانه سگريټ دی تری و پیری همدغسې به يې خپله لار ونيو له او په خپل کار پسې به لاړ.

شپه داوه اوس پوره تیاره شوی وه، خوار سگريټ پلورونکی لا په بازار کې دکان مخي ته ترما لاندي ولاړ و او دباران په شدت اورید لو ته يې کتل، چې یو وارله لری دیوه موټر دڅراغ رڼا ترسترگو شوه چې دده په خوا راځي. سگريټ پلورونکی همدغسې په خپل ځای ولاړ و او له سترگو او پزی څخه يې دسړو له شدت او به بېدلی، چې موټر دده و جل ته را ورسید او له مخي يې تیر شو ماشوم هلکی په موټر پسې تر شا و کتل او ویسی لیدل چې موټر ودرید، بیر ته په شا راغی او دده مخي ته ودرید.

سگريټ پلورونکی لا همدغسې حیران په خپل ځای ولاړ و چې دموټر دکې کې هنداره کښته شوه او په موټر کې ناست ځوان ن چی غټ غو ښینی مخ اوسری سړی پرسیدلې سترگی يې در لودی، ده ته لاس و ښور او وړ څخه و یې غوښتل چې نژدی ور شی. سړ واخیستی هلکی و غوښتل چې دموټر خوا ته ورشی، خو د باران اوریدلو ته يې پام شوه او دځان او سگر یتودلند. یدلو و پری بیرته په خپل ځای ودر او، خو لنډی شیبی لا په همدی تر تیب نه و ی تیری شوی چې په موټر کې ناست ځوان په ډیر کبر او غرور ور ناری کړی چې دهغه خوا ته ور شی، سگريټ پلورونکی نوره معطلی ونکړه او په بیره یی دځوان خوا ته ورمیده کړه، دموټر دکې کې خوا ته ودرید او په ریدیدلی آواز يې ور ته وویل:

- زه دی په کارو م؟

په موټر کې ناست ځوان دهلکی د دی پو ښتنی په اوریدلو او پری پور ته ور غور ځو لی، بیایي له ځان سره څنگ ته ناستی ښکلی او ښایسته نجلی ته په معنی داره نظر وکتل، دواړو په زوره زوره وخنډل او وروسته له هغه په وړینو جامو کې پټ ځوان په ډیره له تکبر او ریشخنده ډکه لهجه سگريټ پلورونکی ته وویل:

- هو «پلاره!» ته می په کاروی خپه خونه شوی... هاهاها... او بیا دواړو په لوړ آواز په سړو اخیستی ماشوم باندي وخنډل او وروسته له څو شیبی څندا په موټر کې ناست ځوان په داسی حال کې چې د ډیری څندا له لاسه يې په سترگو کې او ښکې راټولی شوی وی، هغه يې په خپل چاغ ور غوی پاکولی، هلکی ته مخ ور واپاوه، ویی ویل:

ژر شه، یو ډبلی سگريټ را کړه! ماشوم په خورا معصومیت ځواب ورکړ:

- کاکا جانه یو بشپړ ډبلی خو نشته، بس دغه څو دانې پاتی دی، که یې غواړی چې در یې کړم... او په موټر کې ناست ځوان په داسی حال کې چې دهلکی دخو لی پیښی يې کولی په ډیر قهر ور ته وویل:

- خو دانې سگريټ دی ستاسروخوری... زما بشپړ ډبلی په کار دی او ته وایي چې «خودانی باتی دی!»... هی...

څو لحظي چپ شو، وروسته له هغه يې زیا ته کړه:

- ښه څنگه ر ډر ډر اته گوری؟ چې بشپړ ډبلی نشته یوه دانه خو به وی که یه... ژر شه هله چې شپه می همدی ستامنهحوس په څنگ کې تیره شوه...

دا يې وویل او تر څنگ ناستی نجلی ته يې سترگی ور واپو لی، په ډیر شوق يې ور ته وخنډل او په سپینه غاړه کې يې لاس ورواچاوه. سگريټ پلورونکی، چې سر تر پایه باران لوند کړی و په بیره یوه دانه سگريټ له ډبله راویو ست او له اور لگیت سره يې

یو ځای ځوان ته ونيو.

ځوان، سگريټ تری واخیست ویی لگاوه او وروسته له هغه یی بیر ته په څنگ کې ناسته نجلی په غیږ کې ونيو له.

وېرو کې سگريټ پلورونکی څو لحظي همدغسې چپ په خپل ځای و درید که گوندی ځوان يې د سگريټو رو پي ور کړی، خو چې ویی لیدل چې، هغه لا همدا سړی بی خیا له په موټر کې له نجلی سره لگیا دی، نو په بیره او رین دیدو- نکي آواز يې ور ته وویل چېس دسگريټو رو پي يې نه دی ور کړی. او چې ځوان بیا هم ځواب ور نکړ، نو خپله خبره يې په لوړ آواز دوه دری واره ور ته تکراره کړه.

پدی وخت کې ځوان خپلی سړی سترگی مخا مخ د سگريټ پلورونکی مظلومو سترگو ته ونيو لی، سر تر پایه يې ور ته وکتل، لمړی يې څو شیبی ور باندي وخنډل او وروسته له هغه يې بداسی حال کې چې قهر او غضب يې له ورايه په سترگو او څیره کسې بریښیده په ډیره غضب ناکه او له سپکاوی څخه ډکه لهجه ور ته وویل:

- پیسی غواړی؟... دڅه شی پیسی؟... ها؟...

بیایي ماشوم د سر لندو- وینتانو ونيو د خپل ځان خوا ته يې ور کش کړی او ورته تکرار يې کړه: - ووايه دڅه شی پیسی؟... ها؟...

او وړوکی سگريټ پلورونکی په ډیره ویر جنه او وار خطا لهجه ځواب ور کړ:

د... س... سگ

سگريټ پیسی... او مغرور ځوان چې دما شوم له دی ځوابه لا په قهر شو، په ډیر قهر هلکی بیا دځان وخوا ته ورکش کړ، ورته و ویل:

واخله!!... ها، ها، ها... اوله دی خبری سره سم یی هغه په ډیر شدت پوری واهه، بی گناه هلك په لندو خټوکی و اوید، سر تر پایه په خټو ولړل شو، دزړه سو خوونکی ژړ اېږ يې په سړه هوا کې د ځوان له مغروری څندا سره وپیچل شو او په ډیر شدت دموټر دخو څید لو پښه دالری پرېکړه.

فهرمان جهانی شطرنج...

با زی ها در با گویو (۹۲) روز طول کشید. در طول این مدت حرفه با هم (۳۲) با زی شطرنج را ادامه دادند که ازین جمله (۱۱) بازی آن با نتیجه خاتمه یافت حرفه با (۱۰۲۷) حرکت انجام دادند و در عقب میز شطرنج (۱۷۵) ساعات راسپری کردند. این دور مسابقات کار یوف و کودچونی نگر به سال گذشته بسیار حاد و هیجان انگیز بود حتی نظر به مسابقات سال (۱۹۷۲) بین روبرت فیشر و بوریس اسپاسکی در ریکجا و یک مرکز مملکت ایسلند که نتایج مسابقات در بازی ها در هم الی دوازدهم خاتمه یافت برآیند قابل توجهی بود.

هفت بازی اولی بین کار یوف و کورچونی با موفقیت های متغیری نتیجه بازیان یافت در دور با زی هشتم کار یوف با قریبانی یکی از «پایه» های وسطی نواست (شاه) حرفه را تحت حمله شدید قرار دهد و با زی او به نفع خود خاتمه دهد.

بعد از سه بازی دیگر حرفه توانست توازن را برقرار دهد و با زی سیزدهم ابتکار را در دست گرفت و در لحظه بازی تمام به روز آینده موکول میشد کورچونی در شرایط مساعدتر قرار داشت در روزی که با زی تمام با دید خاتمه می یافت کورچونی بطور غیر مترقبه رخصتی گرفت.

در روز های که با زی ها به شکل ناتمام باقی ماند لاپرا توار سازندگی کار یوف شب و روز کار میکرد. درین لاپرا توار معا و لین کار یوف شامل بودند و عبارت بودند از:

- یوری بالاشوف که در قسمت شطرنج دارای فکر و خاطر بسیار عالی میباشد. - ایگور زایتف شطرنج با زیادتی عالی که در قسمت حل ناگهانی شطرنج از مهارت زیاد برخوردار بود.

- قهرمان جهانی سابق شطرنج میخائیل تال که به گفته خودش از شعبه کنترل تکنیکی (لابراتوار) با زرسی می نمود و تقاضای زودتر درک میکرد.

تحلیل مسائل معمولاً به شکل جوهری صورت میگرفت و بعد با هم دیگر در مورد مذاکره میکردند. درین تحلیل موضوع کار یوف نکته ضعف را بطور آنی درک میکرد و مباحثات سر از نو آغاز میشد. رفقای کار یوف به بسیار زحمت او را وادار میساختند تا به خواب برود و برای بازی

تا سه نمره اضافه تر به نفع خود بکشند و ضرور بود تا یک پیروزی دیگر حاصل نمایند و مسابقات و بطور نهایی به نفع خود برسانند. اما تا وقتی که این پیروزی نهائی را حاصل کرد روز های دشوار در اما نیک را تحمل نمود.

چون کار یوف درین وقت روحی و جسمی بسیار خسته شده بود در بازی

های او اشتباهات دیده میشد. قبل از اینکه کار یوف عازم با گویو شود پنج ماه مسلسل از تخته شطرنج دور نمی شد و روز و شب

بطرف دانه های آن میدید و مسایل منطبق آنرا با خود حل میکرد در نتیجه بسیار خسته شده بود. رخصتی های که در خلال مسابقات کار یوف می گرفت اصلاً رخصتی گفته نمیشدند زیرا درین روز ها هم کار به شدت ادامه می داشت و با رفقای خود در مورد مسایل منطبق شطرنج مذاکره میکرد.

دو نتیجه پیروزی نزدیک با لای کار یوف تأثیر روانی را وارد نمود. زیر اوقتی که فکر شود کار تقریباً به اتمام رسیده با نیروی مکمل انجام آن بسیار مشکل میا شد و البته نمیتواند در لحظات اخیر فعالیت مکمل خود را بکار اندازد کار یوف به عین ترتیب این نکات را یاد آوری میکرد و به بسیار نرمی اعتراف می کرد «من انتظار تسلیمی را داشتیم به این ترتیب اناتو لی کار یوف در طول سه سال که قهرمان شطرنج جهانی بود از (۱۸۶) بازی فقط (۶۱) آنرا باخته بود در با گویو نیز فقط دوبار مغلوب شد در عین حال از چار با زی سه بازی آنرا (که دو بازی در نتیجه اشتباهات صریح

یو قوع پیوست) که در عین حال برای کورچونی نیز غیر مترقبه بود باخت و با زی به هر حله پنج مقابل پنج رسید.

درین وقت ضرور بود تا کار یوف از تأثیر روانی مغلوبیت های خود دور تر شود بنا رفقای تصمیم گرفتند تا عازم مانیلا شود. درین وقت تیم منتخب با سکتبال اتحاد شوروی در مانیلا در بازی نهائی

قهرمانی در مقابل تیم با سکتبال یوگوسلاوی قرار گرفته بود. گرچه تیم با سکتبال اتحاد شوروی درین مسابقه مغلوب شد اما کار یوف به حالت بسیار خوب به شهر با گویو برگشت و مانند دو ندهای کفایه

های زیاد را طی میکنند در دقایق اخیر نفس دو می پیدا می شود با حالت نورمال و اود مسابقات شد.

در بازی سی و دوم کار یوف به حملات نهائی پرداخت و مقتصد بود که این بازی

نهائی خود هد بود که به پیروزی اش خواهد انجامید. کار یوف بازی بسیار را مانند قهرمان ها انجام داد و به حرفه موقع نداد که به حملات مقابل دست بزند غرض آنما بازی ناتمام سی و دوم کورچونی حاضرنه شد. همچنین در محفل

رسمی اختتام بازی ها نیز حاضر نگردید و به بسیار زودی از شهر با گویو عازم مانیلا شد و پروتست نوینی از خود به

اعضای حکم گذاشت. حکما سازمان دهان بازی ها، رئیس فدراسیون جهانی شطرنج و بعد کانگرس فدراسیون جهانی شطرنج تقاضای بی اساس کورچونی را بکلی رد کردند.

در بازی اخیر کار یوف استفاده مکمل خود را ظاهر ساخت. در نتیجه در این مکتب شطرنج اتحاد شوروی صفحه دیگر زمین جا گرفت.

بقیه صفحه ۹

شبهه‌ی از جنایات ضد بشری...

جمهوری خلق کمپوچیا برسمیت بشناسد آنگاه اردوی خلق ویتنام بلافاصله از کمپوچیا خارج خواهد شد.

جمهوری خلق کمپوچیا با پیروی از سیاست زیست با همی مسالمت آمیز و دوستی با همه ملل بدون هرگونه تبعیض و براساس احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، طور روز افزون حمایت ملل جهان را جلب میکند خلق کمپوچیا با پشتیبانی بین المللی جمع نیروهای طرفدار صلح و موکراسی و ترقی اجتماعی مخصوصاً با حمایت دول مرقی و سوسیالیستی بر جمیع طرح های امپریالیستی علیه کشورشان غالب خواهند شد و کار عمران مجدد ملی و اعمار یک جامعه پیشرفته و عاری از هر گونه ظلم و استثمار را طور مطمئن به پیش خواهد برد.

وزارت خارجه کمپوچیا طی ابلاغیه‌ی سی که در جولای ۱۹۷۹ با ارتباط به کمک عساکر ویتنام به عساکر کمپوچیا انتشار داد گفت بموجب معاهده دوستی و همکاری بین جمهوری خلق کمپوچیا و جمهوریت سوسیالیستی ویتنام، اردوی خلق ویتنام به اقامت خود در کمپوچیا بمنظور کمک بانیروهای مسلح کمپوچیا برای از بین بردن عناصر باقیمانده طرفدار رژیم فاشیستی پول پوت، ینگساری و سایر عناصر مرتجع ادامه خواهند داد. موجودیت اردوی خلق ویتنام در کمپوچیا کاملاً مربوط به روابط برادرانه دو کشور است و کدام کشور دیگر را تهدید نمی کند، مادامیکه توسعه کلان منطقه و امپریالیستان طرح های مداخلوی خود را راجع به کمپوچیا ترک داده، استقلال و حاکمیت ملی

خواره تاسی جوړوی..

رشد کی زیات موثر دی دژوندانه دپیل نه د بلو غی (خوانی) ترپایه پوری د بدن په وده او نه تکا مل کی تعیین کوو نکې نقش لو بوی او دامید وای اوشیدو ور کو لو په وخت کی دوجوداړتیا دی ویتسا- مین ته زیاده وی .

داوینا مین دکلسیم او فا سفور جذب دکلمو څخه ممکنوی ددی ویتا مین کموالی دهلوو کی دپا سته کیدو او کړیدو سبب کیږی . ددی ویتامین دکموالی له کبله دکلسیم او فا سفور دزیات اخیستلو سره سره دهغوی جذب دکو لمو پوا سطه صو- رت نه نیسی څرنگه چی دهلوو کی پاسته کیدل او کوروا لی په ماشو- مانو کی زیات لیدل کیږی لدی کبله دگرانی میندو پا ملر نه دی ټکو نه اړوم .

ویتا مین ای :

څرنگه چی وو یل شو چی دا ویتا مین په غوړو کی دمنحلو ویتا- مینو له ډلی څخه دی او دتو دوخی په مقابله کی مقاوم دهغه کموالی عضلو یو ډول التهاب منځته راوړی چی د بدن دعضلا تو دکمزور تیااو



مین دی په کموالی اخته نشی باید هغوی دلمر وړا نکو ته واول چول شسی که په ورځ کی ۵-۳۰ دقیقو- له پاره ما شوم لوڅ لمز ته واول چول

سی کافی اندازه ویتا مین دی د هغوی د بدن په یو ستنکی کی جوړ-

یږی وریخ دوپی ، کالی شیشه ددی ویتا مین دجوړیدو ما نه د بدن په یو ستنکی کی کیږی . ددی ویتامین

مقدار په هغو غذا گا نو کی لکه د جرگی هگی ، کوچ ، شیدی ، څکر نظرو پیلو پیلو مو سمو او ځای توپیر لری . چی دمحا سبی له نظره د ډاډ وړندی . لدی کبله که دځان او خپل ما شو ما نوروغتیا سلا متی او ښکلا غواړی نو ددی

چگونه علاج امراض

پیدایش علل امراض موفقیت های بسدست میامدند .

بوجود آوردند در ابتدای نام ایریج- هانا ۶۰۶

ادویه را که آنها برای تدای مرض سفلس

یاد می شد بعدها این نام به اسم سلفرنز مسمی

گردید و در سال ۱۹۰۸ موفق به دریافت جایزه

نوبل گردید کمپنی هوست برای اولین مرتبه

به مقدار ۶۵۰۰۰ این ادویه را تولید نموده طور

مجان به اطب در سراسر جهان تقدیم داشت .

بال در روز ۱۶ ساعت کار میکرد در آن

روز کار و هیران متعصب مذهبی اواره باد

تغیر بستند و جزای برای او تعیین نمودند .

پال در سال ۱۹۱۵ به عمر ۱۶ سالگی چشم

از جهان بست . او در زندگی کم نان میخورد-

کمتر سگرت می کشید اما ۲۴ دانه سیگار رادر

یک روز کار ترجیح میداد . پال کمتر علاقه

به تقریب و خوشگذرانی داشت .

در سال های ۱۹۳۳ و ۱۹۴۵ تلاش های

صورت گرفت که مستبدین طرفداری هتلر کلیه

دست آورد هاو کشفیات او را نابود سازند .

اما باوجود تلاش های مذبحانه آنها نتوانستند

چلو رشد و تکامل علوم را سد سازند بعدها

موسسات تحقیقاتی دیگری بنام پال در سراسر

اروپا باز گردید که در هر جا نام او به افتخار

و کمال احترام یاد می شد .

از طبیعت بوجود آمده باشد میتواند مونسر

نابت شود .

امروز به انزجحات دانشمندان مواد کیمیاوی

زیاد کشف گردیده که میتواند با علل دایشه

امراض مبارزه نموده آنها را از ازدیاد و تکرار

حدیش تر میتواند جلو گیری نماید . این

که چگونه میتوان با مواد کیمیاوی علل امراض

مانند سفلس ودفتری واز میان برداشت زحمات

زیادی را لازم و ضروری داشت . کشفیات پاک

ایریج در مورد مبارزه و محدودیته های امراض

سفلس مانند کله بود که فقط ریشه و اساس مرض

را مورد حمله قرار داده بود .

پال آم عجیب بود اواز طعن و اتهامات که به

اومی بستند هیچگاه دل افسرده و پژمرده نمی شد

او با دقت و احتیاط کارش را دنبال میکرد او

عقیده راسخ داشت که بر اتهامات ناجوانمردانه

آینده بالیزم میتواند بابر هان عملی و قوانین

عینی تکامل غلبه حاصل کند که کارو فرجام

کارش نیز به همینگونه که او عقیده داشت منجر

گردید .

دانشمند بزرگ جاپانی سوجی دوهانا نیز با پال

در تحقیق و کشفیات علمی کمک های لازم بعمل

آورد دوش به دوش با او با همکاران و شاگردان

که در موسسه به آنها کار می نمود در آموزش

په پرمختیایی

نوی نړیوال اقتصادی نظم دجوړیدو دپاره کاروگری باید تر ټولو دمخه پخپلو مینځو کی سره یووهی شی او هرډول کپتالستی اقتصادی مانو و سره مبارزه وکړی .

په زاغریپ کی دپرمختیایی هیوادونو- استاز و په دی خبره باندی ټینگار کړیدی چی داجتماعی اصلاحاتو ستر اتیز په پرمختیایی هیوادو نوکی دلوی دله مینځه وړلوسره لویه مرسته کولای شی .

دمدور مز به خبر وکی موافقه وشوه چی دځمکو دموکراتیک اصلاحاتو داصل دپه نظر کی نیولو سره باید کړوند گرو او باغ لرونکو دگرنی ضرورت وپ ماشین الات برابر کړل شی او په ضمن کی ورته دگرنی دترویجی او اصلاحی چارو په باب ټولی نوی طریق او عصری میتودونه و ښودل شی .

په بیلابیلو پرمختیایی هیوادو نوکی دکار او عمل پروگرام طرح او په کور نیو زیر مو او بشری قواو باندی زیاته قوه واچوله شی .

دزاغریپ په ښار کی دپرمختیایی هیوادو په مدور مز کی درایوبه قاطع اکثریت موافقه وشوه چی په ځان باندی داتکاداصل دپیاوړ

تیا او دیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم دجوړولو دپاره دپرمختیایی هیوادو په مینځ کی دصمیمانه همکارو موضوع ډیره مهمه اویو ضروری کار

منځل کیږی . همدارنگه دغذایی موادو د تولیداتو دسطحی دلورولو او په اقتصادی او تخنیکسی چارو کی دیوه کیلی بدلون درامنځ ته کولو دپاره دپرمختیایی هیوادو نو ترمنځ په زړه پوری همکاري یو مهم کار بلل کیدای شی . پرمختیایی هیوادونه که چیری وغواړی چی دیوه

امپریالیزم عمده ترین ...

پوشیده نیست. این به اصطلاح مدافع حقوق بشر طی بیست سال تجاوز و جنگ افروزی در ویتنام صدها هزار انسان بیگناه و وطن پرست را مقتول و یا معدوم نمود و بیست تریلیون اعمال غیر انسانی و خلاف کرامت انسانی و حقوق بشر و ادب و سرزمین مرگ تپید. از نا پالم گرفته تا بمب های میکروبی و کیمیاوی بر خلق ویتنام قهرمان استعمال نمود مزه را به آتش کشید و حتی با استعمال مواد کیمیاوی زمین ها را غیر قابل زرع ساخت.

آری، این است شمه ای از خدمت گذاری های بشر دوستانه و آزادی طلبانه ای؟! امپریالیزم که امروز با بسرخ کشیدن پرده ای حقوق بشر؟! و آزادی؟! جار و جنجال بزرگ را برای برانداختن است. و هر قدر انسان ها آگاه تر می شوند امپریالیزم نیز جامه بدل می کند و تازه ترین شکل تکمیل امپریالیزم استعمار خوارانه از طریق مستقیم و مدار خله مستقیم است. صورت می دهد بلکه با دست نشانده ساختن و مفاد ساختن و تطمیع مما لک مختلف در مناطق مختلف جهان بهر سو دست اندازی می کند.

امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکا با راه انداختن توطئه ها و دسیسه ها در مناطق مختلف جهان فکر می کند که در هر جا که بخواد هد مانند چلی پنو چت هارا بر سر قدرت آورد و آنرا محافظه نماید تا خلق را به خاک و خون بکشد ولی این امر در عمل ثابت شده است که ناممکن می باشد چنانچه

پنو چت و وطن ما (حافظ امین جاسوسی را با وجود بکار بردن هر نوع حیله و نیرنگ نتوانست از طولان خشم خلق برهانند.

جای بسیاری تا سلف است که در مناطق مختلف جهان مرجعین بر سر اقتدار کشور های آله ای دست و پیا ده کننده ای نقشه های

و دیگران برای زیبا می منازل دانست. کسیکه تا اندزه در این هنر آشنا می دارد می داند که این نوع نقاشی ها بیشتر جنبه تفریحی دارد تا هنری بهر حال چه این نقاشی ها بر خوردار از محتوا باشد یا نباشد برای دیوار ها و ساختمان ها بیکه فاقد زیبایی اندیک نوع پوشش بشمار میرود، ولی این پوشش نظر

مختلف مملو ساخته است و با اصرار زیاد به ولی نعمت خود وسعت این کمک هارا طلب است. چندی قبل هنگامیکه برژینسکی (چون ارواح خبیثه و سرگردان) نفا ره به اصطلاح موضوع افغانستان را برگردانست و وادارستان را بکستان شد. جنرال صا حب مصرانه از دربار امپریالیزم خواهان کمک های وسیع تر شد.

آیا جنرال صا حب اعمال دوستانه و غمخوارانه ای امپریالیزم انگلیس (سلف امپریالیزم امریکا) را در مورد نیم قاره فراموش کرده است که حالا کشور اسلامی ویرانه را به زرد خانه ای امپریالیزم تبدیل می نماید. به همه مرجعین به صراحت اعلام می گردد که هر نوع تبلیغات و اعمال تحریک آمیز تنها به سود امپریالیزم و استعمار است و منطقه رانا آرام ساختن است. امپریالیزم امریکا که با این فعالیت های خود می خواهد ژاندارم دیگری در منطقه ایجاد نماید (قبلا امپریالیزم امریکا رضا شاه را در ایران با پلان های وسیع پنتاگون بمشابه ژاندارم استعمال می کرد و بطوریکه تا ریخ شامه است خشم خلق ایران را برآورد و انداختن انقلاب اسلامی ضد امپریالیزم این توطئه ها و نقشه هارا نقش بر آب ساخت که این موضوع برای همه کسانیکه آله ای دست امپریالیزم قرار می گیرند از جمله جنرال صا حب سخت آمو زنده است و توطئه آن

بذوق نقاشی فرق میکند و شاید نقاشی هم در این امر مسئولیتی نداشته و او بیشتر ذوق و نظر فرمایشی دهند مراعات نموده باشد. بهر صورت این نقاشی های دیواری نظر به دید اشخاص فرق میکند. یکمده آنرا ستوده اند و عده دیگر هم از آن انتقاد نموده اند و آنرا فاقد زیبایی و هنر دانسته اند، تا نظر شما چه باشد.

نقشه های تجار و کاروانه و مغرضانه خود را عملی سازد، امریکا که سخت در جهان تجرید است و همه به ما هیت اصلی آن پی برده است اکنون می گوید که به زعم خود را برای انداختن موضوع نام نهاد افغانستان ذهنیت جهان نیان را از اعمال شوم خود منحرف سازد. مگر همین حالا خلق آزاد ده بی ایران برای کشیدن انتقام ازین دشمن بشریت و جهت اعتراض علیه دفاع و پناه دادن شاه فراری ایران لانه جاسوسی امپریالیزم امریکا را از صد روز به اینطرف در اشغال خود ندارد؟

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

«مها فرت برژینسکی به پاکستان و بعضی کشورهای شرق میانه و بطور خاص دیدار وی از آنجه مناسبت امپریالیزم کمپ پنا هگزینان می نامند، ادامه وقف مغرضانه ای است که امپریالیزم امریکا در مورد افغانستان بعد از مرحله ی جدید انقلاب افغانستان اتخاذ کرده است...» خلق های مسلمان سرا سر جهان از افغانستان و پاکستان و مصر و غیره هیچگاه فراموش نمی کنند که این امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکا است که باعث سرگردانی آوارگی بیچارگی و فقر آنها شده است و به مقدس ترین مقدسات مذهبی آنها خیره سرانه بازی می نماید و اسرا ئیل صهیونیست را بمشابه او باش تجاوزگر تطمیع و مسلح می سازد.

زنده باد خلق های آزاده جهان روی امپریالیزم مانند همیشه سیاه باد

دیوار های جدید

دیوار های جدید

دیوار های جدید

دیوار های جدید

نقشه های تجار و کاروانه و مغرضانه خود را عملی سازد، امریکا که سخت در جهان تجرید است و همه به ما هیت اصلی آن پی برده است اکنون می گوید که به زعم خود را برای انداختن موضوع نام نهاد افغانستان ذهنیت جهان نیان را از اعمال شوم خود منحرف سازد. مگر همین حالا خلق آزاد ده بی ایران برای کشیدن انتقام ازین دشمن بشریت و جهت اعتراض علیه دفاع و پناه دادن شاه فراری ایران لانه جاسوسی امپریالیزم امریکا را از صد روز به اینطرف در اشغال خود ندارد؟

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجتناب خود در افغانستان (حافظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صراحتا مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکان ملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:



چند نمونه از دیوارهای رنگ شده

نقاشی‌های که در بعضی از دیوارها دیده میشود فاقد این تازه‌گی است زیرا نه با معیارهای قبول‌شده نقاشی برای براند و نه توجه به بیننده را جلب میکند.

بعضی از این نقاشی‌ها علاوه از اینکه فاقد زیبایی‌اند آزاردهنده نیز است مانند دیوارهای منعکس‌کننده که از رنگ‌های تند و درخشان بیشتر کار گرفته شده است.

این نقاشی‌های دیوارهای بیشتر در ساختمان‌های بکار رفته که فاقد زیبایی منظره بیرونی اند و صرف بجا طرح‌ها نشان عیوب این دیوارها است. رهگذران بلد و سیاح که این نقاشی‌ها را مشاهده میکنند باید این متأسر میگردند زیرا تصور نمی‌آید که هنر نقاشی چقدر رو به زوال نهاده است. و این هنر زیبا و کهن صرف به همین نقاشی‌های دیواری محدود مانده است و بس.

یک‌کده کسانیکه این نقاشی‌ها را دیده‌اند در مورد چنین ابراز نظر میکنند بعضی آن نقاشی‌ها مانند سراب است و فریب

مسافر یک‌ه از دور این نقاشی‌های دیواری را می‌بیند بتصور اینک که هر چه است در همین جاست بسوی باغ و بوستان می‌شتابد ولی هر قدر نزدیک میگردد بیشتر به حقیقت آگاه میگردد و بالاخره جز دیوار رنگ شده چیزی نمی‌یابد.

باید گفت که این نقاشی‌های دیواری چیز تازه و بکری نیست. این شیوه را سال قبل از امروز رواج داشته است، با این تفاوت که در آن روز گاری نقاشی‌های دیواری از وسایل

محدودتری نسبت به امروز برخوردار بودند. و نقاشی تازه راه خود را در قطار سراسر هاباز کرده بود.



چند نمونه از نقاشی‌های دیواری که بعضی از آنها فاقد زیبایی اند و برخی دیگر آن

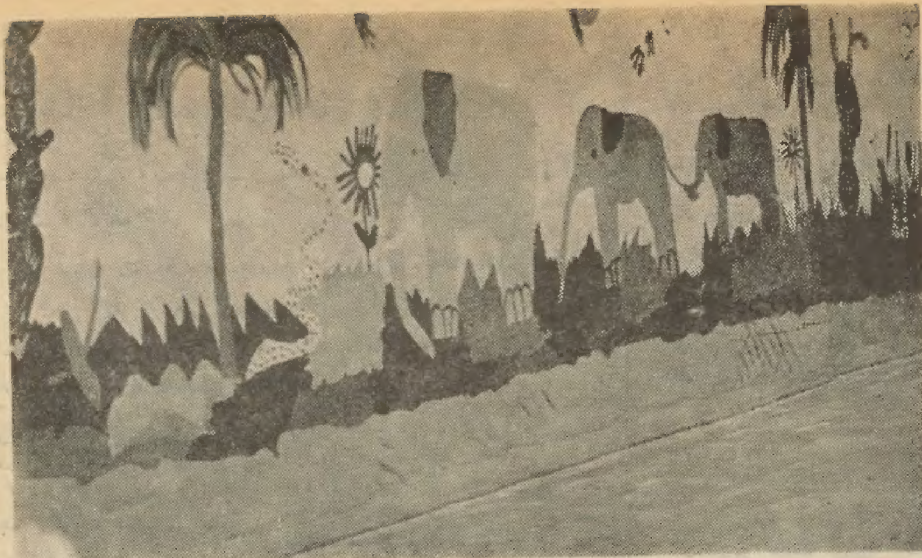
ترجمه: ر. ا.

دیوارهای جدید برای شهر نقاشی روی دیوار یا پدیده‌ی تازه که راه خود را باز کرده است

دارای زیبایی‌اند که میتوان به آن نقاشی گفت. نوآوری و تازه‌آفرینی امروز در بسیاری از هنرها دیده میشود لکن

تماشاگر را متأسر میسازد، زیرا این نقاشی‌ها جز رنگ آمیزی روی دیوارهای کج و معوج چیزی دیگری نیست، اما برخی دیگر آن تا اندازه

از چندی بدین طرف موج نقاشی‌های روی دیوار در اروپا رواج فراوان یافته است. بعضی از این نقاشی‌ها طوری است که بیننده و



گاهی این نقاشی‌ها فریبنده است

برای زیبا ساختن دیوارها و سازه‌ها ختمانی این چنین نقاشی‌ها امری لازمی و حتمی نبوده بلکه میتوان از راه‌های دیگر نیز بر زیبایی آن‌افزود مانند پاک نگه‌داشتن این سازه‌ها ختمانی از دود و بعضی کثافات دیگر.

یک‌کده دیگر با تمایزهای این نقاشی‌های دیواری می‌گویند: وقتی انسان به این رسمیه می‌نگرد فاصله و تفاوت که میان آثار نقاشان حرفه‌ای و پرور فیشنل و آماتور وجود دارد بخوبی مشهود می‌نماید. هر قدر انسان به این رسمیه دقیق‌تر گردد بیشتر این فاصله و تفاوت‌ها را می‌بیند لکن با تمام اینها این شیوه و اشکال در ذات خود بی‌نتیجه و خالی از فایده نیست. مهمترین اصل که در این نقاشی‌ها مشاهده میشود کار جمعی را نشان می‌دهد و این خود وسیله ارتباط است بین نقاشان و هنرمندان. بهر صورت این نقاشی‌های دیواری‌ها را می‌توان تزیین بقیه در ص ۵۵



بعضی از این نقاشی‌ها به شیوه خاص ترسیم شده

جوان در برابر سودجویی‌های شخصی و منفردانه بعضی می‌نویسند: «اوصاف حبان ثروت این نقاشی‌هایی دیواری باعث شده که یک‌کده زیادی از نقاشان و هنرمندان جوان مصر - وف کار کردند و کار مشترکی برای آنان ایجاد گردد. یک‌کده هم چنین عقیده دارند که تغییر دادن دیوارها و سازه‌ها تو سطر نقاشی یک مساله مهم و یک پروبلم عمده نبوده اگر از جنبه بی‌سمبولیک این نقاشی‌ها بگذریم، باید گفته شود که این کارها فرود و نزول هنر نقاشی را نشان می‌دهد. و تمام این کارها جز تظاهر چیزی دیگری نیست.

اما بعضی از این نقاشی‌های دیواری واقعاً زیبا و جالب است یکی از بینندگان در مورد این نقاشی‌ها چنین ابراز نظر می‌کند: «منزل من نزدیک این سازه‌ها نقاشی شده است. من هر روز مشاهده می‌کنم که عده زیادی از این نقاشی‌ها دیدن می‌کنند و این امر باعث شده که بازار یک عده از دو کالنداران رونق داشته باشد.

آرتیستانی که این نقاشی‌ها را بوجود آورده اند یک عمل مثبت را برای اجتماع نشان انجام داده اند... و قتیکه برای نقاشان و هنرمندان کاری در آتیله‌ها و کارگاه‌هایشان وجود نداشته باشد این مصروفیت‌ها تا اندازه می‌تواند آنان را از غیبت نگه‌دارد و این عملشان نوعی ارتباط معنوی است با اجتماعشان.

عده دیگر هم چنین عقیده دارند:

«هاجنیه هنری دارد. مثلاً در فرانسه در بعضی سازه‌ها ختمانی مخصوصاً روی دیوارهای بیرونی نقاشی‌های وجود دارد که واقعا از زیبایی زیادی برخوردار است.

در نقاشی‌های دیواری هدف عمده دیگری نیز مطرح است و آن عکس العمل شده یک عده نقاشان



نمونه‌ای از نقاشی روی دیوار که بیشتر برای زیبا ساختن منظومه بیرونی بکار رفته است.

در نقاشی دیواری که امروزه در اروپا رواج پیدا نموده است علاوه بر پوشش دیوارها توسط رنگ و روغن، احیای هنر قدیم بیشتر مدنظر است. و قتیکه به ساختمان‌ها و معماری‌ها قدیمی نظر می‌اندازیم بعضاً روی دیوارهای این معماری‌ها و سازه‌ها نقاشی‌های رنگی را می‌بینیم که ترسیم کننده زندگی آن عصر بوده و نشان دهنده هنر نقاشی آن زمان می‌باشند. از این رو ترسیم روی دیوارها و سازه‌ها یکی هم حفظ هنر قدیم است این سخنان را یکی از نقاشان بیان داشت.

یک موضوع دیگر هم در امر نقاشی روی دیوارها وجود دارد و آن زیبا ساختن پس منظر این دیوارها و پنهان نگه‌داشتن نیازهای دیوار از چشم‌هاست. اکثر این نقاشی‌های دیواری فابریکه‌ها و سازه‌ها یک‌کده از طرف بیرون منظره زیبا می‌نمایند و صورت گرفته است. اما بطور کلی این نقاشی‌ها صرفاً برای پوشاندن عیوب دیوارها نیست، بلکه بیشتر این نقاشی‌ها

درباره سودمندى ...

تصحیح و یاد آوری :

باپوزش و عذر خواهی فراوان از خواننده گان ارجمند، متذکر میشویم که در مضمون «درباره سودمندى هنر» این شماره گسیختگی رو نما گردیده است که در واپسین دقایق چاپ مجله ملغف گردیدیم. بنا بعد از سطر «برابر انسان می کشاید» صفحه ۲۲، مطلب ذیل همین چوکات مطالعه شود، و آنگاه به آغاز صفحه (۲۳) مراجعه گردد.

تولستوی که طرفدار جستجوی عارفانه حقیقت بود سالها بر این سوال می اندیشید که «چرا می نو یسم ؟» و بالاخر بدان نتیجه رسید که هدف هنر مشابه هدف زیان است. و آن وسیله متعدد ساختن مردم میباشد در زیر سایه خداوند و ند و کلمه او تباط و نیز از آن منشاء گرفتار است. از این رو هر هنری که این یکپارچگی نیولونیک مردم را بر هم بزند معیوب است.

بدینصورت به وضاحت دیدیم می شود که تیوری های گوناگون زیبایی شناسی به سودمندى هنری و بنا نکه هنر در خدمت اهداف غیر زیبایی شناسی قرار می گیرد باور دارند. و این مطلب صادق است بدون نظر داشت آنکه اهداف مذکور تکامل تاریخی را مهادند یا مغل.

در واقع هنر هم لذت می بخشد هم می آموزد. هم تئوری میکند و هم بر انگیزنده فعالیت و پیشرفت است در اینجا سخن بر سر هنر پیشرو است هنر ارتجاعی بالکای غرایز بیش از همه لذت می بخشد و مردم را به پستی می کشاند، به بیراهه می برد و تسخیر می نماید. هنر ارتجاعی مانع پیشرفت و تحقق ضرورت تاریخی است چنان هنری مثلی، معیوب و دروغین است و اما در دوران معیوب و پلویس تنها همین هنر ارتجاعی را هنری می شناسند و تنها

دانش پاتی

دخمکی دآب او هوا ..

شته که چیری دار کتیک دسمند ر می دا نمی کنگلو نه و یلی شی ددغی سیمی په زیاترو سیمو کی به بیا دؤ می دوسم کنگلو نه تشکیل نشی.

دخمکی د تو دوخی زیاتوالی دسمندرونو دسطعی خخه د بخار ونو پورته کیدل هم زیاتوی او احصا تئو دا هم جو ته کیری

د توخی په صورت کسی ولسو و عرض- زیاتوالی داوبو د تبخیر اندازه په پوره اندازه زیاتوی لکه چی پورته ذکر شسوی دتو دوخی په صورت کی د لوپ و عرض الکید ونو دسیمو تودوخی د تیئو عرض- البلد و نو د سیمو په پرتله لوپ بری. د

داوپره هم شته چی دمنخنیو عرض البلدونو سیمی یفتی د آسیا، اروپا و شمالی امریکا په سیمو کی داوبو نشو الی احساسی شی. دغه شان حالات په (۱۹۳۰) کال او (۱۹۶۷) او (۱۹۷۲) کلونو کی هم په نو موپو سیمو کی خه ناخه ولیدل شول خو په

غو خه تو که دا سخته بری شی چی د راتلونکی هغه دوران دآب او هوا په باب چی کنگل پکی نه وی خه وویل شی. خو په هر صورت ددغه دوران آب او هوا به بیخی دنی آب او هوا په نسبت بیخی تو پیر ولری. دار کتیک ددایمی کنگلو نو دو یلی کید و په نتیجه کی به زموږ او سنی نری آب او هوا د پلوی سینی دوری ته شبا هت پیدا کیری. د دخمکی دپا سه د پلوی سین دوره له دوو خخه تر دریو میلیونو کلونو خخه یخوا وه. ددغی دوری اقلیمی حالت د خمکی داتمو سفیر داوسنی حالت سره

از مجله ساینس ورلد

ترجمه برایالی علی زاد

در صرف نمودن گوشت باید

محتاط بود

همچنان در نتیجه تحقیقاتیکه بالای طرز تغذی انسانیکه همین حالا بشکل ابتدایی زیست مینمایند صورت گرفته چنین نتیجه بدست آمده: غذاییراکه اوشان صرف مینمایند (۶۰-۸۰) فیصد آنرا میوه جات و نباتات تشکیل میدهد. و هم در نتیجه مطالعات صحی که بالای ایشان بعمل آمده این حقیقت به اثبات رسیده که این مردمان نادرا به امراض فرط فشار خون، چاقی و آفات شرابین اکلیلی قلب مصاب میشوند.

از روزیکه تمامی امراض فوق راه انکشاف سریع را نزد اشخاصیکه بخش عمده غذای روزمره شان را گوشت تشکیل میدهد در پیش گرفته دانشمندان طب اظهار داشته اند: اشخاصیکه از گوشت کمتر واز سبزیجات و میوه جات استفاده بیشتر مینمایند نسبت به اشخاصیکه گوشت بیشتر مصرف مینمایند صحتمند تر و دارای عمر طولانی تر اند. همچنان معتقدند که: انسانها میوه جات و سبزیجات را نسبت به گوشت، ماهی و گوشت مرغ زودتر و بهتر هضم مینمایند. از حقایق فوق چنین استنباط میگردد که تغییر دادن طرز تغذی از گوشت خوری به میوه خوری و سبزی خوری متضمن صحت کامل و عمر طولانی برای ماست. و همین دانشمندان علم طب اظهار عقیده نموده اند که: در صورت استفاده بیشتر و بهتر از سبزیجات و میوه جات امراض قلبی و عایی، چاقی و دیابت (مرض شکر) را که عامل عمده شان صرف نمودن گوشت و غذاهای نا در ست و غیر متنوع قبول گردیده تقریبا رخت میشود.

ممکن سوالات گوناگون راجع به طرز تغذی انسان در افوار مختلف تاریخ نرد هرکی خلق شود و شاید یکی از این سوالات این باشد که آیا مردمان مغاره نشین چه میخوردند؟

اکثر مردم جهان به این عقیده اند که مغاره نشینان ابتدایی ترین و اولین گوشت خواران روی زمین بودند. مگر در اثر کاوشهای خستگی ناپذیر دانشمندان این حقیقت به اثبات رسیده که اجداد ما دوازده های قبل تاریخ گیاه خوار بودند.

دکتر آلان واکر اتروپولوجست پوهنتون جانس هویکنس بمنظور اینکه فقط دریابد که اجداد مادر ادوار مختلف تاریخ چه میخوردند دندانهای فوسیلی انسانهای را که در زمانهای ماقبل تاریخ درروی زمین زیست داشتند تحت مطالعه قرار داد. (دندان فوسیلی دلدانی را گویند که نظریه گذشت زمان به سنگ تحول نموده باشد.) دکتر واکر در نتیجه تحقیقات پیگیرش در یافت نمود که انواع ذرات سیلیکا (ریگ) موجود در غذا خراشیده گی های میکروسکوپی را بردند آنها تولید مینماید. اینرا هم بایسد خاطر نشان نمود که واکر میتواند با مشاهده دندان فوسیلی در تحت میکروسکوپ مخصوص معلوم نماید که آیا صاحب اصلی دندان گوشتخوار بوده یا گیاه خوار و یا اینکه از گوشت و گیاه بطور مختلف تغذی مینمود.

باید گفت که دکتر واکر دلدانهای آن انسانهای ماقبل تاریخ را تحت مطالعه قرار داده که در سالیان خیلی قدیم از هومو ارکتس (اسلاف قرین مردمان موخرن) میزیستند. و در نتیجه در یافت که اوشان میوه خوار بودند.



سلام به همکاران عزیز !

بعد از دقای سلامتی، تجدید مطلع میکنیم و میگوییم که در شماره گذشته میبایستی بحوال نامه های شما میپرداختیم اما توفیقی نیافتیم و اقبالش را از کف مادر ربودند و از سوی چه باید کرد ؟ من مأمورم و معذور ، و شما هم همینگونه ... بهر صورت :

دوست عزیز محمد لذیر (زهیر) مامور فنی برق دستگاه پروان !

خوب کار میکنید و هیچ اندیشه یی بخرد و نه فدیهد: آنقدر هم، این هر دو (شعر و نوشتن) از هم دور نیست که باهم جوش نخورند، گرچه دوبادی امر این کجا و آن کجاست و شعر کجا و تخیل کجا ... اگر از جزئیات شعر گفتار و کار فنی کردن بگذریم ، برای پاس داشتن علاقه و سلیقه شما، توجه شمارا به این قلمه جلب میکنیم :

میگویند دو قلمه نضا نوردان شوروی در آن سفینه تنگ فضایی خویش ، در آن فضای بی انتها و لایتنهای دردل آسمان ره میزدند ، با ترنم ترانه هوسرود عادلتنکی خود را رنجه مینمودند و شادمانه به انجام کار فنی خود مشغول می شدند ...

و گویی اگر شعر و ترانه نمی بود ، دل نضانوردان در آن سفینه یی تنگ و دل آزار از دلتنگی به فرکیدن می آمد و آنان را از کارشان باز میداشت !! بهر تقدیر اینهم گره خوردگی صنعت و تخیل با شعر و ادب ...

دوست عزیز، اشعار شما را از نظر گذرانیدم و متوجه خواست شما توصیه یی مائیسید که شعر بسیار بخوانید . اگر توبه شعر گفتن دست یازیده اید ، حرفی نیست و بقول حافظ:

همم بدرقه راه کن ای طایر قدس
که در ازست ره مقصد و من نوسفرم

در غیر آن در اشعار شما استحکام و بلندی کلام، دید شاعرانه، نحوه بیان، وسعت و وسع فور و آه ها جای ندارد و فقط کلمات در قالب موزون کلام ریخته شده است و دیگر در فکر نبوده اید که کدام کلمات در قالب شعر ریخته شود که شعر پخته شود ... عجلالت یک یاد و پارچه شعر شما را به رعایت نوبت، در صفحه دوستان به نشر میسپاریم و حرف بقیه را میگذاریم به بعد که چه میفرستید. آماد، مورد اینکه گفته اید (این پارچه شعر بعد از چاپ

در مجله ژوندون ، پایست توسط رشیده زاله از طریق تلویزیون نیز فراتر گردد ... ما را متعجب ساختید و فکر ما را به قصه یی انداختید که خود هم می بینید ای برهنه از پرگویی، قصه را مختصر میگویم، میگویند: اسب سواری را به ده راه نمیدادند ولی او تقاضا داشت که اسبش را در خانه ملک بیندند به انتظار همکاری تان .

دوست گرامی، س، ج معلم صنف دوازدهم
فکاهی ارسال تان رسید، و در یکی از شماره های آینده به چاپ میرسد و افتخار فکهای برخندید دیگر شما را داریم و راستی نقشه را نمیفهمید اگر نه پدر محتر مش هم چنین کلان کلان نمی گفت . به امان خدا دلائل را بدین ...

دوست مهربان عبدالقدیر بران معلم صنف یازدهم لیسه رحمن بابا !
سلام علیکم پارچه شعریکه به استهلا از صفحه زنان و دختران فرستاده اید، رسید . تشکر از لطف و نظر تان ، اینهم گزیده یی از آن :

بساط نام تو در جهان به دختر افغان
با نام نامی رابه ات کافی است همین
که از تودر گوشه دنیا سخن آید عجب خواند
اندر صفت تو ((غرق آزادی)) باغون رنگین
ای دخت سر نوشت خود را خود کن تعیین
بدست قلم به دست دیگر نقشک زین
به گیتی سر بلند باش ای دختر افغان
جاوید زی باش بسه همین و همین

دوست ارجمند میر حبیب الله شفق عضو

مهندسی ریاست تعمیرات وزارت دفاع

ما هم سلام های گرمی را از خورشید و شیرینی را از عسل وام گرفته باشد ، تقدیم شما دوست عزیز مینامیم و سلامتی آرزو می کنیم از لطف و نظر نیک تان تشکر پارچه شعر (بیتوی) شما را که خدانگذدنی او شوی، در یکی از شماره های آینده بدون در نظر داشت نوبت به چاپ میسپاریم و علتش اینکه نوبت را از ماه هایش گرفته اید و بار دیگر انصاف نباشد که باز هم بر رعایت نوبت بایستید ، خدا حافظ

دوست عزیز محمد همایون هزار عضو تازه
تجارتی در گویت .
سلام میفرستیم و سلامتی شما همکاران بان را آرزو میبریم . خرسندیم که در یاد ما اید و همکاری خویش را پیوسته دنبال میکنید

مضمونی بایک قطعه عکس و شعر از شما دریافتیم که مضمون تان به صفحه جوانان به چاپ میرسد و پارچه شعر شما در صفحه دوستان ، به انتظار همکاری تان ، خدا حافظ .

دوست عزیز احمد فواد داعی !
پادداشت های سودمند تان که حاوی گریختن از موش ها از خانه ها، و حفاظت کاهو ها از حشره ها و تفکیک تخم خوب از بد بود به ما رسید و سپردیم به متصدیان صفحه خنده و دوستان که در صورت لزوم به چاپ بشارند. موفق باشید ..

همکار مهربان فاطمه حمیدی معلم لیسه آمنه فدوی !

بپذیر سلام مرا تیز، مطلب شما را به متصدی صفحه مسابقات و سر گرمیها تحویل ددیم که در امر نشرش اقدام نماید. خدا حافظ تان .

رفیق ارجمند محمد یاسمین محصل پوهنشی انجنیری !

سلام علیکم دوست عزیز ، داستان شما رسید و اگر با اسلوب داستان نویسی هماهنگ بود ، همزمان باطلیعه بهار داستان شما نیز از صفحات مجله ژوندون طلوع خواهد کرد .. ولی درغی آن چیز های دیگری بفرستید ...

برادر بزرگوار محمد شریف پیغام !
پارچه شعر، چیکه از ذهن جستجوگر تان به ما رسید ، سپردیم به متصدی صفحه دوستان که با در نظر داشت رعایت نوبت به به نشرش میادرت ورزد، کامروا باشید ...
دوست عزیز فضل هادی وزین معلم مدرسه عالی دارا علوم عربی کابل !
«نگاه گرم» شما را از بسته رسان گرفتیم و کمی برای سرور ارسال آن نگاه ها را سرد ساخته است . اگر از شوخی بگذریم این پارچه شعر شما از پختگی کلام عاریست که حتما در آینده ، با همکاری های دیگر تان جبرانش را میکنید و واقعا «نگاه های گرم» میفرستید موفق باشید .

رفیق مهربان غ.ح. جولی نای !
دو پارچه شعر از شما دوست عزیز در یافتیم و عنقریب یکی آن که با مرامنامه نشراتی مجله وفق دارد به حلیه طبع آراسته میگردد. مطالب بیشتری بفرستید و همکاری خویش را پیوسته ادامه دهید .

دوست مهربان ا.س. جنیش !
سلام میگویم و خوشوقتم که همکاری خویش را با مجله ژوندون آغاز یده اید . مطلب بنام «زن در اجتماع» و جواب به پرسش صفحه مسابقات و سر گرمیها را خواندیم . هر دو مطلب رابه متصدیان «دوستان» و «سر گرمیها» سپردیم که در نشرش توجه بدارند ، موفق باشید.

برادر عزیز غلام سخی !
مقابله سلام میگویم . بلی حتما میخوانید هر چه دل تشنگ تان میخواهد بگو ید و به ما بفرستید : و بازم عرض کنیم که حتما بجای اقدام میوزیم مشروط بر اینکه با موازین و اصول نشراتی مجله وفق داشته باشد مطمئن باشید، خدا حافظ تان .

رفیق مهربان شیر محمد هوتکیار محصل اکادمی تربیه معلم !
جواب جدول شماره (۳۷) مجله ژوندون را دریافتیم و یادداشت که در ذیل نام خویش نگاشته اید درست وصحیح است . مطلب تانرا به متصدی صفحه سر گرمیها و مسابقات سپردیم که قناعت تانرا فراهم سازد و اسم شما را در زمره حل کنندگان جدول مسابقات بگیرد . موفق باشید .

مطالب دیگری نیز به مجله رسیده است که موفق به آرایه پاسخ نشدیم و در آینده کوشش می نماییم که به جواب بپردازیم عجلالت از آنجاییکه به مانامه فرستاده اند و جواب نگرفته اند، فقط اسم شما را ذکر می کنیم که نامه های شان به ما رسیده است :

- دوست عزیز، فینون وری عین
- دوست عزیز، عبدالقهار امان
- دوست عزیز، سید رحیم معلم لیسه شبرغان
- دوست عزیز، ا. س. جنیش
- دوست عزیز، عزیزه رسولی
- دوست عزیز، ناصر
- دوست عزیز، میرمن ماری
- دوست عزیز، بشیر احمد
- دوست عزیز، نعمت الله «نیکبین»
- دوست عزیز، عبدالحی «غروب»
- دوست عزیز، یارپور
- دوست عزیز، ناصر آرین
- دوست عزیز، بسم الله «حریف»
- دوست عزیز، محمد یاسمین محصل انجنیری
- دوست عزیز، محمد عاطف عثمانی
- دوست عزیز، سید حسن
- دوست عزیز، احمد الله رهین
- دوست عزیز، سوریان
- دوست عزیز، شیر محمد هوتکیار



مدیرمسئول : شیر محمد کافور
معاون : محمد زمان نیکری
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
مهمتم : نوریه
آرژس : انصاریات

مقابل ریاست مطابع دولتی
تلفون دفتر : ۶۸۸۹۹

مطبعة دولتی

